اقتصاد و فرهنگ
با عزم ملی و مدیریت جهادی

مفاهیم و دیدگاه های نظری در موضوع فرهنگ و اقتصاد

دکتر سید حسین شرف الدین

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

مفاهیم و دیدگاه های نظری در موضوع فرهنگ و اقتصاد

نویسنده:

حسین شرف الدین

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مفاهیم و دیدگاه های نظری در موضوع فرهنگ و اقتصاد

مشخصات کتاب

سرشناسه: شرف الدین، حسین، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: مفاهیم و دیدگاه های نظری در حوزه فرهنگ و اقتصاد/ سیدحسین شرف الدین.

مشخصات نشر: قم: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

ISBN: ۹۷۸ – ۹۶۴ – ۵۱۴ – ۳۳۲ – ۷ ۶۰۰۰۰ ریال؛.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۷۷] - ۱۸۴.

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نام گذاری سال ها

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره اقتصاد

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره فرهنگ

موضوع: فرهنگ

موضوع: فرهنگ ایرانی

موضوع: فرهنگ -- جنبه های اقتصادی

موضوع: اقتصاد -- ایران.

شناسه افزوده: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: DSR ۱۶۹۱ / م ۷ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۴۶۶۲۸۲

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

فصل اول: زیر فصل ها

مقدمه

ص: ۱۰

ص: ۱۱

مقدمه

مقام معظم رهبری به عادت مألوف و سیره حسنه خویش در سنوات اخیر، سال ۱۳۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام نهاده است و در توضیح آن خطاب به ملت ایران فرمودند:

در نگاه به سال ۹۳ آنچه به نظر این حقیر مهم تر از همه است، دو مسئله است: یک مسئله همین مسئله اقتصاد و دیگری مسئله فرهنگ است. در هر دو عرصه و در هر دو زمینه توقعی که وجود دارد، تلاش مشترکی است میان مسئولان کشور و آحاد مردم. آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق پذیر نیست. بنابراین، علاوه بر مدیریتی که مسئولان باید انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضروری است؛ هم عرصه اقتصاد، هم عرصه فرهنگ. بدون حضور مردم کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد. مردم در گروه های گوناگون مردمی با اراده و عزم راسخ ملی می توانند نقش آفرینی کنند. مسئولان هم برای اینکه بتوانند کار را به درستی پیش ببرند، احتیاج به پشتیبانی مردم دارند. آنها هم بایستی با توکل به خدای متعال و با استمداد از توفیقات و تأییدات الهی و کمک مردمی، مجاهدانه وارد میدان عمل بشوند؛ هم در

ص: ۱۲

زمینه اقتصاد و هم در زمینه فرهنگ. به گمان من آنچه در این سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند و فرهنگی که با همّت مسئولان و مردم بتواند سمت و سوی حرکت بزرگ کشور ما و ملت ما را معیّن کند. لذا من شعار امسال را و نام امسال را این قرار دادم: «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریّت جهادی».

چنین به نظر می رسد در شعار سال، تحقق دست کم سطوحی از اقتصاد مقاومتی به منزله هدف و آرمان و تأکید بر مؤلفه کلیدی و زیرساختی فرهنگ و دو مؤلفه تابع؛ یعنی عزم ملی و مدیریت جهادی (به عنوان دو عنصر روانی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی) به عنوان عوامل زمینه ای و موجده این مهم و راهبردی اراده ها و انگیزه ها در خلق حماسه نیمه تمام اقتصادی (معوق ماندن شعار سال ۱۳۹۲) صورت پذیرفته است. سایر ملاحظات همچون نگاه آسیب شناختی به فرهنگ و تأکید مجدد بر موضوع تهاجم فرهنگی دشمن که مقام معظم رهبری در سخنرانی روز اول فروردین در حرم مطهر رضوی مطرح کرد، از یک سو در راستای بسترسازی فرهنگی برای خلق حماسه اقتصادی صورت پذیرفته است و از سوی دیگر، هشداری جدی به همه مسئولان و متولیان فرهنگی و آحاد مردم است که مبادا در کشاکش درگیری با مشکلات و معضلات اقتصادی و سیاسی، از توجه و اهتمام به رکن رکین و عنصر بنیادین و هویت بخش فرهنگ که چراغ راهنما و موتور محرک جامعه در مسیر رسیدن به اهداف متعالی است، غفلت کنند؛ بنیانی که تقریباً در همه سال های بعد از پیروزی انقلاب، به ویژه بعد از دوران دفاع مقدس، همواره و به شیوه های مختلف در کانون تهاجم آشکار و پنهان دشمن قرار داشته است. برداشت دیگر از شعار سال، با

ص: ۱۳

ارجاع به مجموع قراین مستفاد از مواضع رهبری در چند سال اخیر، نگاه استقلالی به فرهنگ و نیز نگاه استقلالی یا تبعی به اقتصاد مقاومتی در یک رابطه عرضی یا طولی است. عزم ملی و مدیریت جهادی نیز از جمله مقوّمات و ملزومات رسیدن به موفقیت در هر دو حوزه فرهنگ و اقتصاد است. مقام معظم رهبری در چند سال اخیر علاوه بر یادآوری های مکرر در خصوص تهاجم فرهنگی دشمن، به ضرورت بازسازی و اصلاح وضعیت فرهنگی کشور در قالب مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی، سبک های موجود زندگی و... اهتمام ویژه ای مبذول داشته و به ضعف ها و کاستی های فرهنگی و زمینه های داخلی تهاجم توجه داده و کارگزاران فرهنگی را به اقدامات مقتضی ترغیب کرده اند. ازاین رو، شکوفایی ظرفیت های فرهنگی و بازخوانی و اصلاح فرهنگ موجود، هم به صورت مستقل و هم به عنوان زمینه و بستر تحقق حماسه اقتصادی در گفتمان اخیر رهبری، جنبه کانونی داشته و دال مرکزی و محوری شمرده می شود.

سؤال اصلی

سؤال اصلی

شکوفایی ظرفیت های فرهنگی و بازخوانی و اصلاح فرهنگ موجود مستلزم چه نوع تمهیداتی است؟

الزامات و موانع تحقق اقتصاد مقاومتی (به منزله یک فرآیند چند لایه و صاحب مراتب) کدامند؟

سؤالات فرعی

سؤالات فرعی

میان فرهنگ (به عنوان روح دمیده در کالبد جامعه) و اقتصاد (به عنوان یکی از نهادهای اصلی و عهده دار تأمین نیازهای ضروری مادی) چه نسبتی وجود دارد؟

ص: ۱۴

نقش فرهنگ در تحقق اقتصاد مقاومتی (در کشور) چیست؟

عزم ملی چیست و چه نقشی در حصول پیشرفت فرهنگی و تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می کند؟

مدیریتی جهادی چیست و چه نقشی در حصول پیشرفت فرهنگی و تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می کند؟

فرهنگ موجود چه به صورت مستقل و چه به اعتبار نقش زیرساختی آن در تحقق حماسه اقتصاد مقاومتی، به چه آسیب ها و عوارضی مبتلاست؟

زمینه ها و عوامل داخلی و خارجی مؤثر در آسیب های فرهنگی کدامند؟

ضرورت و اهمیت

ضرورت و اهمیت

شعار سال، عمدتاً با عطف توجه به ضرورت ها و اقتضائات محیط، شرایط دوران، فرآیند توسعه و پیشرفت همه جانبه، قوّت ها و ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها، امکانات و ظرفیت ها و اولویت های تشخیصی کشور و انتظارات و مطالبات همگانی انتخاب و ابلاغ می شود. منطق توجیهی و ترجیحی آن، بر همگان به ویژه کارگزاران نظام و نخبگان روشن است. بدیهی است تبدیل این قبیل شعارهای راهبردی به گفتمان غالب، همسوسازی روندهای عادی با اقتضائات قهری آنها، نفوذ تدریجی آنها به سامانه های نهادی و ساختاری کشور، تلاش سامان یافته در جهت تمهید مقدمات لازم و رفع موانع، عینیت یابی و تحقق تدریجی آنها در ضمن فرآیند های عام توسعه و...، نیازمند برجسته سازی، واکاوی مفهومی، تحلیل نظری، تبیین ابعاد و زوایا، تشخیص ملزومات اجرایی،

ص: ۱۵

شناسایی ظرفیت ها و موانع، تمهید سیاست ها و برنامه های متناسب، برآورد آثار و نتایج محتمل و... خواهد بود. انجام مطالعات گسترده و اجرای پروژه های تحقیقی توسط مراکز پژوهشی حوزوی و دانشگاهی، گامی مؤثر در مسیر تحقق این مهم خواهد بود. فقدان پیشینه این شعارها دست کم با اقتضائات بومی آن، در ادبیات کلاسیک مکتوب، ضرورت پژوهش و مطالعه در این عرصه را دوچندان می سازد. نوشتار حاضر با توجه به فرصت محدود آن، تلاشی آغازین و ابتدایی در این مسیر خواهد بود. امید آنکه اهل نظر و ارباب معرفت، با چشم پوشی بصر از خطاها و کاستی های آن، زمینه خلق آثار علمی فاخر و متقن متناسب با نیازها و ضرورت های کاربردی نظام را فراهم سازند.

روش مطالعه

روش مطالعه

روش این مطالعه اسنادی (کاوش در بیانات گفتاری و نوشتاری رهبری معظم، منابع دینی و معرفت دینی، آثار علمی و پژوهشی مربوط) و توصیفی و تحلیلی (واکاوی مفاهیم، ارجاع اندیشه ها به یکدیگر و مبانی نظری آنها، تأمل در دیدگاه ها و نظریه ها، شرح و تفسیر ایده ها و مطالبات رهبری با الهام از دیدگاه ها و اندیشه های موجود و یافته های پژوهشی و تجربی) است.

هدف

هدف

تحلیل و بررسی مفهومی و نظری شعار راهبردی سال با ارجاع به سایر فرمایشات رهبری، اسناد بالادستی نظام، دیدگاه ها و یافته های علمی کارشناسان، متناسب با نیازهای برنامه ای رسانه ملی.

ص: ۱۶

مروری بر شعارهای سال

مروری بر شعارهای سال

رهبری معظم در سال های اخیر، ایـده های راهبردی و آموزه های کانونی خود در خصوص بازسازی و اصـلاح بنیادهای زیرساختی کشـور و هـدایت جـامعه در مسـیر آبـادانی و پیشـرفت بی وقفه، الگومنـد و هـدف دار، در عرصه هـای مختلف فرهنگی، اجتمـاعی، اقتصـادی و سیاسـی را سالاـنه و در مطلع سال در ضـمن عباراتی موجز و به یادمانـدنی به عنوان شـعارهای معرّف مواضع راهبردی و خط مشـی های تشخیصـی و ترسـیمی نظام، به مردم و مسئولان، خاطر نشان کرده و در طول سال نیز به تناسب موقعیت، به بازخوانی تحلیلی و تفسـیری آن پرداخته انـد. از این میان، موضوع «اقتصاد» به دلیل اهمیت و جایگاه محوری، موقعیت برجسـته تری را به خود اختصـاص داده است. مرور تـاریخی این مواضع جهت یادآوری و برقراری ارتباط ذهنی و مضـمونی میان شـعارهای اعلانی و درک جایگاه اقتصاد، مفید خواهد بود. تأکید بر «عدالت اجتماعی، رونق اقتصادی و تلاش سازندگی» (شـعار سال ۱۳۷۲)؛ «وجدان کاری و انضباط اجتماعی» (شعار سال ۱۳۷۳)؛ «انضباط اقتصادی و مالی» (شعار سال ۱۳۷۴)؛ «مبارزه با اسراف و زیاده روی و نابود کردن اموال عمومی و اموال شخصـی» (شـعار سال ۱۳۷۵و ۱۳۷۶)؛ «صـرفه جویی در مصارف مختلف» (شـعار سال ۱۳۷۷)؛ «اقتـدار ملی و اشـتغال» (شعار سال ۱۳۸۰)؛ «نهضت خـدمت رسـانی به مردم» (شـعار سال ۱۳۸۲)؛ «پاسـخگویی سه قوه به ملت ایران» (شـعار سـال ۱۳۸۳)؛ «همبسـتگی ملی و مشـارکت عمومی» (شـعار سـال ۱۳۸۴.؛ «اتحاد ملی و انسـجام اسـلامی» (شـعار سال ۱۳۸۶)؛ «نوآوری و شکوفایی» (شعار سال ۱۳۸۷)؛ «حرکت مردم و مسئولان به سوی اصلاح الگوی مصرف» (شعار سال ۱۳۸۸)؛ «همت مضاعف و کار

ص: ۱۷

مضاعف» (شعار سال ۱۳۸۹)؛ «جهاد اقتصادی» (شعار سال ۱۳۹۰)؛ «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» (شعار سال ۱۳۹۱)؛ «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» (شعار سال ۱۳۹۲) . لازم به ذکر است که (سال ۱۳۷۸) به نام مبارک امام خمینی رحمه الله ؛ (سال ۱۳۷۹) به نام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام ؛ (سال ۱۳۸۱) به عزت و افتخار حسینی و (سال ۱۳۸۵. به نام نامی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نام گذاری شده است.

بدیهی است که حصول تحول مورد انتظار در بخش اقتصاد، بدون مساعدت و همراهی سایر بخش ها و تجربه درجاتی از تحولات همسو به ویژه در بسترها و زیرساخت های فرهنگی میسر نخواهد شد. اقتصاد نیز همچون سایر بخش های اجتماع، از ارتباط ارگانیک و تأثیر و تاثر متقابل برخوردار بوده و معمولاً هر تحولی در کلان جامعه، تنها با مشارکت، برنامه ریزی، هدایت و نظارت نهاد حاکمیت و همراهی و معاضدت عموم یا اکثریت جامعه ممکن خواهد بود. تردیدی نیست که حماسه آفرینی و حصول تحول انقلابی در این بخش متغیری است که به مجموعه ای از عوامل و عناصر داخلی، پیرامونی و فرابخشی وابسته است. مقطعی و موسمی تلقی کردن این سنخ شعارها و آموزه های راهبردی، آفتی است که باید با هوشمندی تمام از غلتیدن در آن شود. انتخاب برچسب و عنوان اقتصادی به عنوان شعار سال و اسم رمز تحولات برنامه ریزی شده و هدفمند و ضرورت های اجتناب ناپذیر جامعه انقلابی به ویژه در شش سال متوالی (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳)، آن هم از لسان رهبری روحانی، دلیل بسیار گویایی بر اهمیت محوری این بخش در پیشرفت کشور در مقایسه با سایر بخش ها است. به گمان نگارنده،

ص: ۱۸

تلاش برای تحقق بخشی اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی، محسوس بودن مشکلات اقتصادی در زندگی مردم، تأثیر مستقیم اقتصاد بر سایر حوزه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی؛ وابستگی حل بسیاری از مشکلات عمومی کشور در بخش های مختلف به رشد و شکوفایی اقتصادی؛ رفع اتهام ناکارآمدی و کم کاری نظام اسلامی در این بخش؛ بی اثر یاکم اثرساختن حربه تحریم اقتصادی دشمنان که همواره به عنوان پاشنه آشیل نظام اسلامی مستمسک قرار گرفته است؛ زمینه سازی برای تحقق مدینه فاضله اسلامی، ارتقاء جایگاه ایران در معادلات بین المللی، الگو شدن ایران برای کشورهای اسلامی یا جهان در حال توسعه، توازن بخشی به چرخه توسعه همه جانبه کشور، تحقق کامل شعار استقلال به عنوان یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی، تحقق اهداف سند چشم انداز، استقرار در دهه پیشرفت و عدالت، آغاز برنامه ششم توسعه، ضرورت گسترش رفاه عمومی، ایجاد شور و نشاط ملی، از میان بردن زمینه بسیاری از آسیب ها و انحرافات اجتماعی؛ از عمده ترین دلایل اهتمام رهبری معظم به مقوله اقتصاد و به تبع آن به سایر عناصر وابسته و تأثیرگذار است. توصیه ها و ارشادهای صریح و موکد اسلام به لزوم توسعه آفرینی همه جانبه و عمران و آبادانی زمین با هدف بسترسازی برای تحقق حیات طیب در این جهان، به عنوان مقدمه رسیدن به سعادت غایی، مؤید دیگری بر موجه بودن این اهتمام است. تردیدی نیست که انتخاب و طرح برخی موضوعات در قالب شعار سال با تکیه بر قاعده عقلایی اهم و مهم و برآوردهای تشخیصی و ترجیحی از وضعیت کلی مملکت و نیازها و ضرورت ها صورت می گیرد. ویژگی شعار امسال، همجواری فرهنگ در کنار اقتصاد به عنوان بنیادی ترین زیرساخت

ص: ۱۹

اجتماعی است که به دلیل برخی عوارض، عمیقاً نیازمند واکاوی، بازنگری، آسیب زدایی و ظرفیت افزایی در چارچوب سیاست های راهبردی نظام و برنامه های اجرایی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت است.

دولت اسلامی نیز به عنوان مجری و هدایت گر اصلی این فرآیند مهم، تنها هنگامی به ایفای این رسالت و مأموریت خطیر توفیق خواهد یافت که در همه وظایف محوله و تلاش در جهت تمهید سازوکارهای لازم، مدیریت جهادی را مبنای عمل و الگوی رفتار سازمانی خویش قرار دهد و زمینه های عزم ملی و بسیج همگانی جهت مشارکت آحاد ملت در این حماسه بزرگ یعنی شکوفایی ظرفیت های فرهنگی و بازخوانی و اصلاح فرهنگ موجود و نیز تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم سازد.

ص: ۲۰

ص: ۲۱

فصل دوم: مفاهیم و کلید واژه ها

مقدمه

ص: ۲۲

ص: ۲۳

مقدمه

مجموع کلیدواژه هایی که برای توضیح شعار سال، مؤلفه های اصلی و پیرامونی و گفتمان حاکم بر آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم زمینه طرح یافته از این قرارند: فرهنگ، سبک زندگی، توسعه فرهنگی و اقتصادی، استقلال فرهنگی و اقتصادی، اقتصاد و نظام اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان، شرکت های دانش بنیان، شرکت های دانش بنیان و اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، عزت خواهی و اقتدارجویی، عزم ملی و مدیریت جهادی.

فرهنگ

فرهنگ

از واژه فرهنگ، در فارسی (معادل کالچر در انگلیسی، کولتور در فرانسه و الثقافه در عربی) تعاریف مختلفی در منابع تخصصی علوم اجتماعی ارائه شده است. برخی لغت شناسان، تعداد آنها را تا چهار صد تعریف برآورد کرده اند. ورود تفصیلی به این حوزه، مجال دیگری می طلبد. بدیهی است که به اقتضای موضوع نوشتار، تنها به گزینش تعاریف و تلقی های مرجح بسنده خواهد شد.

مردم شناسان معمولاً فرهنگ را به صورتی غیر دقیق و در گستره ای بسیار وسیع، معادل شیوه و سبک زندگی معرفی می کنند. جامعه شناسان

ص: ۲۴

بیشتر، فرهنگ را به عنوان مفهومی دارای منزلت تحلیلی و به صورتی نسبتاً گویا به معنای مجموعه درهم تنیده ای از باورها، ارزش ها، نگرش ها، هنجارها، نمادها، معانی، عادت ها و الگوها معرفی می کنند که جامعه ای در فرآیند زیست اجتماعی تاریخی خویش بدان دست یافته است و به عنوان میراث از نسلی به نسلی منتقل می سازد و در ساختار شخصیتی افراد و همچنین در قالب نهادها و ساختارهای اجتماعی درون ریزی و تثبیت می کند. برخی با بیان مصداقی فرهنگ را در موارد زیر به کار برده اند:

۱. نحوه ارائه (زبان، خلق و خو، نشانه، رفتار)؛

۲. تسلط به طبیعت (صنعت، فنون، بهداشت)؛

۳. تشکیلات اجتماعی (دولت، قانون، عرف، اخلاق)؛

۴. معرفت فردی (مذهب، ماوراء الطبیعه، جهان بینی)؛

۵. خلاقیت در زمینه هنر و ادبیات؛

۶. فعالیت های ذهنی (شناخت، علم) . (جعفری به نقل از دائره المعارف لهستان، ۱۳۷۳: ۶۷) کلاید و کلاکان، مردم شناسان امریکایی، در مقام تعریف و بیان خصوصیات عمده فرهنگ، به دوازده ویژگی استناد کرده اند:

۱. کلیت شیوه زندگی مردمی معین؛

۲. میراث اجتماعی مشخصی که فرد از گروه خود به دست می آورد؛

۳. شیوه اندیشیدن، حس کردن و باور داشتن؛

۴. آنچه از رفتار گرفته می شود؛

۵. نظریه یک انسان شناس راجع به شیوه رفتار واقعی گروهی از مردم؛

۶. مخزن آموخته های ذخیره شده؛

ص: ۲۵

۷. مجموعه ای از جهت یابی های معیار (= استاندارد) در ارتباط با مسائل تکرار شوند؛

۸. رفتار آموخته شده؛

۹. مکانیزمی برای تنظیم رفتارهای الزامی؛

۱۰. مجموعه ای از تکنیک های (=فنون) انطباق یافتن فرد با محیط پیرامون و یا انسان های دیگر؛

۱۱. ته نشست تاریخ؛

۱۲. نقشه رفتار، غربال، زهدان یا چارچوب. (نقل از پهلوان، ۱۳۸۸: ۱۲۲) فرهنگ به واقع، معرفت، دانش و اندیشه مشترک و متضمن مؤلفه های مختلفی است از آن جمله: جهان بینی یا هر چیزی که از سنخ فکر است؛ ارزش ها یا ملاک های داوری در مورد خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و مطلوبیت موضوعات و حوادث مختلف؛ آنچه تمایلات و گرایش های اکتسابی ما را رقم می زند؛ کنش ها، الگوهای رفتاری و نهادهای اجتماعی اعم از رسمی و غیر رسمی؛ نمادها؛ علائمی نمادین که ما را به سمت و سویی سوق می دهند و تکنولوژی. (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۹)

هر فرهنگ لایه ها و سطوح مختلفی دارد. عمیق ترین لایه های فرهنگی، لایه هایی است که عهده دار تفسیر انسان و جهان است؛ مجموعه معانی ای که جغرافیای هستی را رسم و انسان را در آن تعریف کرده، سعادت و آرمان های زندگی و مرگ را تبیین می کند. (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۴۸)

لازم به ذکر است مجموعه عناصر و مؤلفه های تشکیل دهنده یک فرهنگ از نوعی وحدت تالیفی برخوردار بوده و اقیانوس وار جامعه و اعضای آن را در بر می گیرند. آدمیان ناخودآگاه در قلمرو بیکرانه فرهنگ غوطه ورند. انسان اجتماعی، نه تنها در فرهنگ و بستر فرهنگی زندگی

ص: ۲۶

می کند، بلکه از فرهنگ به عنوان خوراک فکری خویش بهره می برد و بر اساس منطق فرهنگی عمل می کند. فرهنگ هر جامعه به منزله کلان ترین پاردایم حاکم و نظام گفتمانی غالب نسبتاً عمومیت داشته و مورد قبول اکثریت قرار دارد. پذیرش، آموزش و انتقال آن غالباً به صورت غیر استدلالی و غیر مستقیم و تا حدی نیز مستقیم صورت می گیرد. فرهنگ، اساس و پایه اجتماع و ملات پیوند اعضای آن است. شخصیت جمعی و هویت اجتماعی هر جامعه به فرهنگ آن مستند است. به همین دلیل، یکی از کارکردهای مهم آن هویت سازی و هویت بخشی و تشخص دهی است. فرهنگ ضمن آنکه بستر اندیشه ها، آرمان ها، علایق، احساسات، دریافت ها، تجربیات، نگرش ها، اراده ها و منطق الگویی سلوک جمعی است؛ در عین حال محملی برای روابط و پیوند های میان ذهنی، کنش ها و مناسبات مشترک، پویش های هم سو، جهت گیری های متلائم، گزینش های متناسب، جذب و دفع ها و کنش ها و واکنش های قابل پیش بینی، و به طور کلی سامان یابی روابط و مناسبات ریز و درشت در مسیر رسیدن به اهداف مشترک و مطالبات جمعی است.

نیازی به ذکر نیست که هر جامعه ای فرهنگ دارد و اساساً هیچ جامعه ای فاقد فرهنگ به معنای جامعه شناختی آن نیست. هر چند هیچ دو فرهنگی را نمی توان یافت که کاملاً ـ بر یکدیگر منطبق باشند. فرهنگ غالب و متفوق هر جامعه که واجد بیشترین میزان مشترکات خرده فرهنگ های فعال یک جامعه است، به تبع مقوله دولت ملت از آن به «فرهنگ ملی» تعبیر می شود؛ فرهنگی فراسوی همه خرده فرهنگ های درونی که همه اعضای جامعه به درجاتی به دان تعلق خاطر داشته و سلطه آن را عمیقاً پذیرا شده اند.

ص: ۲۷

نکته دیگر این است که در هر جامعه و در هر دوره از تاریخ حیات یک جامعه، معمولاً یک ترکیب فرهنگی خاص غلبه و سلطه یافته و به عنوان فرهنگ غالب نقش آفرینی می کند. ازاین رو، وجود عناصر ناهمگون، متناقض، دارای اقتضائات ناهمسو در یک فرهنگ، امری دور و خلاف انتظار نیست. (برای اطلاع بیشتر از مباحث مفهومی و نظری فرهنگ نک: آشوری، ۱۳۵۷؛ پهلوان، ۱۳۸۲: ۸ ۵۱؛ تامپسون، ۱۳۷۸: ۱۵۱ ۲۰۴؛ پهلوان، ۱۳۸۸: ۴۴ ۳۵۴) ازاین رو، و با توجه به تعاریف ارائه شده، فرهنگ را می توان جامع ترین نظام معنایی یا بنیادی ترین نرم افزار هویت بخش و هدایت گر کنش های انسانی در فرآیند زیست فردی و اجتماعی در جامعه و مرکب از مجموعه نسبتاً منسجمی از عناصر هستی شناختی (= جهان بینی) و ارزش شناختی (= ایدئولوژی یا نظام بایدها و نبایدهای منبعث از آن جهان بینی) دانست. عناصر مادی برآمده از این نظام معنایی را بیشتر عناصر تمدنی نامیده اند.

سبک زندگی

سبک زندگی

یکی دیگراز مفاهیمی که در چند سال اخیر عمدتاً با عطف توجه به آسیب های فرهنگ موجود، به حوزه فرهنگ عمومی و گفتمان جاری کشور وارد شد، واژه «سبک زندگی» است. سبک زندگی عمدتاً از ۱۹۸۰ به این طرف، به دلیل وقوع برخی تحولات فرهنگی اجتماعی در جوامع صنعتی، مورد التفات جدی اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته و بالتبع به محیط های دانشگاهی ما نیز کم و بیش راه یافته است، اما طرح آن در فضای عمومی و تحریک اذهان به اعمال مداقه های مفهومی و نظری و تلاش و تکاپوی عملی برای آسیب شناسی سبک های

ص: ۲۸

موجود و ضرورت تمهید سبک ها و شیوه های جایگزین و... به یمن عنایت و تذکارهای داهیانه مقام معظم رهبری صورت گرفته است.

«سبک زندگی» یک سازه مفهومی مرکب از دو واژه سبک (style) و زندگی (life) است که احتمالاـ به دلیل وضوح مفهوم «زندگی» عمده مباحث درباره واژه «سبک» متمرکز شده است. در این ترکیب، ظاهراً «سبک» ناظر به صورت و فرم و «زندگی» ناظر به معنا و محتوا است. اگرچه در واقع، جدایی و تفکیکی میان این صورت و محتوا وجود ندارد، چون هیچ یک بدون دیگری جز در وعاء ذهن امکان تحقق ندارند. سبک زندگی به لحاظ ماهوی، بخشی از فرهنگ نهادی شده جامعه (در مقابل فرهنگ ذهنی و درونی و فرهنگ متبلور در محصولات نمادین) در تلقی مردم شناختی و جامعه شناختی است که به عنوان خط راهنمای نظام معنایی و کنش های عینی و ذهنی افراد در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی عمل می کند. ازاین رو، سبک زندگی از سنخ معنای متبلور در محمل ها و مظاهرمادی و جلوه ها و مظاهر رفتاری است.

ورود سبک زندگی به حوزه ادبیات اجتماعی، دارای تاریخ (۱۹۲۰ در جامعه شناسی کلاسیک به طور ضمنی و ۱۹۸۰ به صورت مستقل در جامعه شناسی معاصر)، نظریه پردازان مشخص، در فضای گفتمانی خاصی طرح شده و به مختصات ویژه ای منضم شده است، اما به لحاظ مضمونی، پدیده جدیدی نیست؛ چه سبک در مقام تحقق عینی از جنس رویه، راه و رسم و شیوه زندگی و در مقام نظر و انتزاع از جنس قاعده، الگو و هنجار مرجع است که به طور طبیعی هر کنشی در مقام تحقق بدان مقید و منضم است. به بیان دیگر، سبک زندگی مجموعه پاسخ های رسمی جامعه است به سؤال «چگونه باید زیست». با این تفاوت که در

ص: ۲۹

گذشته روند سبکی شدن و سبک یابی به صورت طبیعی و خودجوش و با مشارکت جمعی به وقوع می پیوست و در جهان مدرن بیشتر با دخالت های برنامه ریزی شده مجاری فرهنگ ساز مثل نهادهای رسمی به ویژه رسانه های جمعی صورت می گیرد.

از این میان تنها گیدنز، جامعه شناسی انگلیسی، تصریح دارد سبک زندگی به دلیل ماهیت گزینشی و تنوع و تغییرپذیری آن از ویژگی های جامعه مدرن بوده و جامعه سنتی به دلیل غلبه تک الگویی و تصلب رویه های سنتی، فاقد سبک زندگی به معنای امروزین آن بوده است.

بدیهی است برای شناخت چیستی یک پدیده در تلقی عموم، به تحلیل واژه های دال برای فهم مدلول و مستعمل فیه آن می پردازیم و برای شناخت چیستی در افواه متخصصان و تلقی های فنی به فرهنگ اصطلاحات خاص حوزه های دانشی مربوط رجوع می شود.

همان گونه که اشاره شده در منابع علوم اجتماعی «سبک زندگی» به صورت ترکیبی؛ یعنی دو واژه سبک (style) و زندگی (life) به کار رفته که به دلیل وضوح واژه زندگی، عمده مباحث، حول واژه «سبک» متمرکزشده است. برخی جامعه شناسان نظیر ذیمل، مفهوم شیوه زندگی یا شیوه زیستن (life ،way of living) را به عنوان چارچوبی به کار برده است که فرهنگ اجتماعی برای انگیزش های فردی، فراهم آورده (تعامل فرهنگ عینی و ذهنی) و کنش ها در محدوده آن امکان بروز می یابند.

واژه «زندگی» به عنوان مضاف الیه یا محتوای سبک در این کاربرد، به عنوان فرآیندی پیوسته، دارای پویش مستمر و وقفه ناپذیر ملاحظه می شود که به صورت قهری در قالب ها و ظروف زمان و مکان استقرار یافته و در مجموعه ای از صور الگویی، اشکال رفتاری و رویه های

ص: ۳۰

مرجح، تجلی و تبلور می یابـد. به بیان دیگر، زنـدگی در روند عادی خود همواره در چارچوب اشـکال و صور رفتاری تعین و تقید می یابد.

لازم به ذکر است برخی تعابیر چنین ایهام می کند که سبک زندگی (مجموعاً) از جنس الگو، قاعده، فرم وقالب کنش های ذهنی و عینی است و برخی بیشتر آن را از جنس محتوا، معنا، ذهنیت یا مظروف این ظروف به شـمار آورده انـد. به همین دلیل، برخی آن را به قاعـده رفتار و برخی به خود رفتار تعریف کرده انـد. در هر حال، سـبک زندگی در مقام تحقق، به عنوان هنجار مرجح و در مقام توصیه و تجویز به عنوان هنجار مطلوب ملاحظه می شود.

ترکیب و اتحاد میان صورت و ماده یا قالب و محتوا به قدری شدید و محکم است که افراد غالباً هنگام عمل از صورتی که عمل در قـالب و منضم به آن انجـام می شود، غافلنـد. این کـل ترکیبی، حاوی ویژگی هایی است که آن را از سایر کل ها همچون فرهنگ، نهاد، قومیت، طبقه و... متمایز می سازد.

سبک زندگی در تلقی غالب جامعه شناسان در گزاره های ذیل معرفی شده است:

۱. سـبک زندگی بخشـی از زندگی اجتماعی روزمره جامعه مدرن، به شمار می آید. به بیان دیگر، سبک های زندگی جزء جدایی ناپذیر نظام های اجتماعی نو گرا هسـتند. (البته با قطع نظر از تلقی عام آن به عنوان قاعده کنش که طبق آن سـبک به لحاظ مضمون واژه ای دیرآشنا خواهد بود.)؛

۲. سـبک زنـدگی در واقـع، نقشه زنـدگی، سـیاست زنـدگی، چـارچوب مرجع، شخصـیت در عمـل، عینیت فرهنـگ ذهنی، تجسـم مرزهای هویتی فرد است؛

۳. سبک زندگی نامی است برای یک کل نه مؤلفه یا مؤلفه های خاص؛

ص: ۳۱

یعنی مجموعه ای نسبتاً منسجم از معانی و رفتارهای به هم پیوسته و دارای ارتباط نظام وار یا منظومه ای یا الگویی انتزاعی از آنها. به بیان دیگر، سبک زندگی، الگویی همگرا (کلیتی تام) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارایی هاست که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیحات (سلایق) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می کند. و به بیان مختصر، سبک زندگی، مجموعه ای نظام مند از کنش ها و رویه های مرجح است؛

۴. سبک زندگی به عنوان یک کلیت، معمولاً از شش منبع هنجاری تغذیه می شود: سنت (هنجارهای سنتی و کهن دارای منشأ طبیعی)، قانون (یا فقه در جامعه اسلامی یا دینی)، اخلاق، آداب و رسوم، استحسانات ذوقی و تخیلی، مصلحت سنجی های عقلایی؛

۵. سبک از دید برخی متضمن الگو یا رفتارهای اصیل (غیر نمادین) و از دید برخی معرف الگوها یا رفتارهای نمادین و نمایشی است. در چیستی مدلول این نماد نیز اختلاف نظر وجود دارد: نماد فردیت برتر (ذیمل)، نماد عادات فکری و سلسله مراتب اجتماعی (وبلن)؛ نماد منزلت اجتماعی (وبر)، نماد هویت فردی و اجتماعی (بوردیو، گیدنزو جمعی از جامعه شناسان متأخر)؛

۶. در هر جامعه معمولاً تنوعی از سبک ها و خرده سبک های زیستی در ساحت های مختلف رواج دارد. برخی سبک ها به دلیل عمومیت و ارجاع جمعی، کلان الگو شمرده می شوند؛

۷. سبک زندگی، الگویی فردی جمعی است؛ یعنی الگویی حاصل از خلاقیت و گزینش فرد در ارتباط خلاق با ظرفیت های فرهنگی و فرصت ها و محدودیت های محیطی است؛

ص: ۳۲

۸. انتخاب سبک از سوی فرد، گاه هشیارانه و گاه ناهشیارانه و تحت تأثیر سلطه، اشاعه، عادت واره و تعلقات میدانی صورت می گیرد. در هر حال، از آنجا که رفتارها، وضع ها، دارایی ها به اقتضای ترجیح و تمایل عاملان گزینش می شوند، می توان آنها را به انتخاب و اختیار افراد مستند دانست؛

۹. عوامل مؤثر در انتخاب و ترجیح سبک از سوی افراد فرد عبارتند از: سرمایه فرهنگی فرد یا والدین او نظیر تحصیلات، عقلانیت، باورداشت های مذهبی، تجربیات زیستی، منزلت اجتماعی؛ سرمایه اقتصادی (ثروت، درآمد، امکانات، فرصت ها)؛ ویژگی های ذهنی و روان شناختی نظیر بینش ها، افکار، آرمان ها، تمایلات، نگرش ها، ترجیحات، خلق و خوی ها، عادت واره ها، اذواق و سلایق، نیازها و تفسیر فرد از آنها؛ زمینه های فرهنگی اجتماعی مثل گفتمان غالب فرهنگی، فرصت ها، امکانات و محدودیت های محیطی، اقتضائات عصری، انتظارات اجتماعی و... برخی جامعه شناسان نظیر بوردیو از منطق گزینش فرد تحت عنوان سلیقه (taste) یادکرده اند.

۱۰. به لحاظ گستره، سبک زندگی تقریباً همه ساحت های زیستی فرد در همه حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همه جنبه های زندگی اعم از فردی، اجتماعی، مادی و غیر مادی را شامل می شود. مؤلفه ها یا مصادیق آن را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد: افکار و عقاید (بینش ها، اندیشه ها، معتقدات)، گرایش ها (ارزش ها، تمایلات، ترجیحات و احساسات)، وضعیت ها یا پایگاه ها (اقتصادی، اجتماعی، شغلی، منزلتی)؛ دارایی ها (اعم از سرمایه ای و مصرفی نظیر زمین، مسکن، وسایل خانه، ماشین)، روابط و مناسبات (شبکه ارتباطی نظیر دوستان، مرتبطان، خویشاوندان و...)، رفتارهای بیرونی، وضعیت های جسمی و

ص: ۳۳

ژست هـای فیزیکی مثـل نحـوه نشسـتن، راه رفتن، حرف زدن، زینت و آرایش)، اشـتغالات تفننی (نـوع سـر گرمی، تفریـح، ورزش، فراغت)، علایق و اذواق (نـوع موسـیقی، عطر و ادکلن، رنـگ و فرم لبـاس) . لازم به ذکر است که مفهوم سـبک به لحـاظ گسـتره مصداقی، تقریباً همه عناصر و مؤلفه های عینی و نمادین جاری در زندگی روزمره را در برمی گیرد، اما غالباً به جلوه های رفتاری و نمودهای عینی آن توجه می شود؛

۱۱. سـبک زنـدگی در تلقی مدرن ارتباط مسـتقیمی با مقوله مصـرف و مصـرف گرایی به ویژه مصـرف زیباشـناختی و متظاهرانه به عنوان مشـخصه بارز جامعه مـدرن و معرف سـلیقه های طبقاتی در اسـتفاده از فراغت، بـدن، پوشـش، گفتار و سایر ویژگی ها دارد. (نک: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۱ ۱۸۱؛ اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱؛ ذکایی، ۱۳۸۱؛ شهابی و ذکایی، ۱۳۹۱، شریفی، ۱۳۹۲)

لازم به ذکر است که سـبک زندگی در فرمایشات رهبری، به قرینه مثال های ذکرشده، بیشتر ماهیت خرده فرهنگی داشـته و به شیوه ها و الگوهای رفتاری رایـج اعم از: درست و غلط، در حوزه های مختلف اطلاق شده است. بدیهی است تحقق شـعار سال در بخش فرهنگی و اقتصـادی، مسـتلزم ایجـاد تغییراتی متنـاسب در برخی از سـبک های زیستی موجود یا مؤلفه های اصـلی و تبعی آنهاست؛ متقابلا حصول موفقیت در این دو بخش، وقوع قهری برخی تغییرات در سبک های زیستی موجود را زمینه سازی می کند.

توسعه فرهنگی و اقتصادی

توسعه فرهنگی و اقتصادی

توسـعه، رشد، تغییر، نوسازی، مدرنیزه و صنعتی شدن، از جمله مفاهیم شایع در علوم اجتماعی است که بر فرآیند دگرگونی عمیق و پایان ناپذیر

ص: ۳۴

در عرصه های مختلف نظام اجتماعی دلالت دارد. از این میان، واژه «توسعه» Development)) بیش از سایر مفاهیم در منابع و محاورات علمی کاربرد داشته و گستره مفهومی بیشتری دارد.

واژه «توسعه» اگر چه به دلیل ابهام معنا، تعدد قرائت ها، تبادر ادبیاتی نهادی شده و مغشوش، انصراف به الگوی غرب محور، متضمن غلبه بعد مادی و اقتصادی و ابتناء بر عقلانیت ابزاری، واژه مناسبی برای توضیح مرادات رهبری نیست و خود ایشان نیز بیشتر به همین دلایل، واژه «پیشرفت» را به ویژه در فرمایشات معطوف به طرح «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» ترجیح داده اند، اما به دلیل سبقه و نفوذ واژه «توسعه» در منابع، محیط های علمی و افواه اهل نظر و حصول نوعی تفاهم، کاربرد آن به ویژه با تصرفات معنایی، چندان غیرموجه نخواهد بود. قطع نظر از سابقه تاریخی، قابلیت این واژه، برای گسترش معنا و تأمین اجمالی مراد، استفاده از آن را مجاز خواهد ساخت. علاوه بر اینکه، مؤلفه تعیین کننده و بحث آفرین در موضوع توسعه، بیشتر مدل و الگوی توسعه است نه مفهوم آن. ازاین رو، با توجه به کهنگی و افول اعتبار نظریاتی که الگوی توسعه غرب محور را به عنوان تنها الگوی مقبول و مجرب، برای نوسازی کشورهای توسعه نایافته، توصیه می کردند، و حصول نوعی اجماع بر تنوع الگویی توسعه، اجمالاً- می توان برخلاف انصراف فوق، از این واژه نیز در کنار سایر واژگان بهره گیری کرد. با الهام از فرمایش های رهبری تأکید می شود: آنچه به دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی با همان مختصات و با همان شاخص ها نیست... ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه غربی می شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم. نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه یافته

ص: ۳۵

غربی کاملاً وجود داشته است. (۲۷/۲/۱۳۸۸) بنابراین، توسعه در الگوی اسلامی آن، مشابهت ها و نقاط اشتراکی با توسعه غربی دارد، اما از برخی وجوه نیز تمایز، جوهری دارد. شاید محوری ترین آن، ابتناء بر جهان بینی دینی (اسلامی) و اصول ثابت شریعت، محوریت عدالت اجتماعی، اشتمال توأمان بر ابعاد مادی و معنوی، اهتمام به رشد و تعالی اخلاقی و در نهایت سعادت و رستگاری انسان باشد. (نک: بیانات ۱۰/۹/۱۳۸۹)

اقتصاددانان و جامعه شناسان توسعه، تاکنون تعاریف متعددی از توسعه ارائه کرده اند که در ذیل فقط به نقل برخی از مهم ترین و جامع ترین آنها به میزانی که برای توضیح شعار سال ضرورت دارد، بسنده شده است. لازم به ذکر است در تعاریف ارائه شده، برخی به توسعه به صورت مطلق، غالباً به توسعه اقتصادی و اندکی نیز به توسعه اجتماعی توجه کرده اند. از سایر انواع توسعه، کمتر سخن رفته است.

مایکل تودارو در تعریف توسعه می نویسد: «توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.» (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۵. و در موضعی دیگر اضافه می کند: «توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی تر است». (همان: ۱۳۶)

از دید بلاـک، توسعه اقتصادی دست یابی به تعدادی از هدف ها و غایات مطلوب نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد نابرابری های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن و مهارت جدید، بهبود در وضع نهادها، نگرش ها، و یا به طور منطقی دست یابی به سیستم موزون و هماهنگی با سیاست های مختلف است که بتواند انبوه شرایط نامطلوب

ص: ۳۶

یک نظام اجتماعی را برطرف سازد. (جیرونـد، ۱۳۶۸: ۸۴) و از دیـد برخی، توسعه فرآینـدی است که طی آن باورهـای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسـی به صورت بنیادی متحول می شونـد تا متناسب با ظرفیت های شـناخته شـده جدید شوند. (عظیمی، ۱۳۷۸: ۴۲)

یکی از گویاترین تصاویری که می تواند علاوه بر تعریف، ویژگی های توسعه در تلقی غالب اندیشمندان علوم اجتماعی را به دست دهد، بیان ذیل است: «توسـعه یکی از قدیمی ترین و قوی ترین ایده ها در میان همه ایده های غربی است. عنصـر محوری این چشـم انداز استعاره رشد است، یعنی رشد آن طور که در ارگانیسم نمودار می شود. توسعه، مطابق این استعاره، به صورتی ارگانیک، همه جانبه، جهت دار، تراکمی، غیر قابل برگشت و معطوف به هدف، پنداشـته می شود. به علاوه، توسـعه دلالت بر انفکاک ساختاری و پیچیدگی فزاینده دارد. (هتنه، ۱۳۸۱: ۶۵.

توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی

غالب مباحث طرح شـده در ادبیات توسـعه، مسـتقیم و غیر مسـتقیم به توسـعه اقتصادی ناظر است. ازاین رو، توسـعه عموما مرادف با پیشـرفت اقتصادی تلقی شده، اما پیشـرفت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیکی نیز از گستره معنایی آن برکنار نیست. در مقـام تحقق نیز معمولاًـ حصول پیشـرفت در هر بخش، سـایر بخش هـا را نیز به تبع، متـأثر ساخته و با خود همراه می سازد. البته نمی توان انکار کرد توسعه اقتصادی، قابلیت بیشتری برای سنجش و ارزیابی بر پایه شاخص ها و معیارهای عینی و اثباتی دارد.

از توسعه اقتصادی نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است. برای نمونه:

ص: ۳۷

توسعه اقتصادی عبارت است از دست یابی به تعدادی از هدف ها و غایات مطلوب نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن و مهارت جدید، بهبود در وضع نهادها، وجهه نظرها و یا به طور منطقی دست یابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست های مختلف که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را بر طرف سازد. (بلاک، به نقل از: جیروند، ۱۳۶۸: ۸۴) از دید برخی، توسعه فرآیندی است که قابلیت ها (Capabilities) و استحقاق های (Intitlements) مردم را برای زندگی به روشی که ارزشمند است گسترش می دهد. اقتصاددانان توسعه، به جای تمرکز بر محصول ملی یا درآمد کل، باید بر استحقاق های مردم و قابلیت هایی که این استعدادها را ایجاد می کند، متمرکز شوند. (آمارتیاسن، به نقل از: میر، ۱۳۷۸: ۴۰)

یکی از نویسندگان، ضمن مرور، جمع بندی و نقد تعاریف ارائه شده از توسعه اقتصادی، بر آن است که توسعه اقتصادی به وضعیتی از اقتصاد اطلاق می شود که امکانات مادی برای رشد و تعالی انسان فراهم آمده باشد. طبیعی است که این وضعیت به معنای دسترسی بیشتر انسان به کالا و خدمات برای رشد و تعالی نوع بشر است، مستلزم تولید بیشتر است و تولید بیشتر در گرو استفاده از روش های علمی و فنی و استفاده از تکنولوژی است. بنابراین، توسعه اقتصادی به معنای ایجاد شرایطی است که انسان ها بتوانند بهترین و بیشترین بهره برداری را از زمین، فضا، معادن و همه امکانات خدادادی بکنند. (موسایی، ۱۳۹۰: ۴۴ و ۴۸) خلاصه اینکه، توسعه جریانی چندبعدی و فرآیندی مرکب و پیچیده است که تحقق آن، مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرزتلقی عامه مردم و نهادهای ملی همراه با تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است؛ در

ص: ۳۸

نتیجه، مجموعه نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هماهنگ با نیازهای اساسی متنوع و خواسته های افراد و گروه های داخل نظام از حالت نامطلوب یا حداقل غیر بهینه به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، جهت می یابند. (متوسلی، ۱۳۸۲: ۱۷۲)

توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی

یکی دیگر از انواع توسعه که غالباً به عنوان مکمل توسعه اجتماعی از آن یاد می شود، توسعه فرهنگی است. مراد از توسعه فرهنگ (نه فرهنگ توسعه) به ویژه با توجه به جنبه معنوی و انفسی آن (در مقابل تمدن که بیشتر ناظر به دستاوردهای مادی بشر است)، حصول تحول همسو در ناحیه بینش ها و باورها، اندیشه ها و اطلاعات، ارزش ها، گرایش ها، ترجیحات، هنجارها، ایدئولوژی ها و نمادهای جمعی با هدف زمینه سازی هر چه بیشتر برای توسعه آفرینی در سایر ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. تردیدی نیست که بدون وقوع تحول در حوزه فکر و شناخت و ساحت انفسی اعضای جامعه، زیرساخت شناختی، احساسی و رفتاری لازم برای حصول تحول در سایر بخش ها فراهم نخواهد شد. ازاین رو، با توجه به ربط علی و معلولی میان تحولات انفسی و آفاقی، تحول فرهنگی، اساس هر نوع تحول در سایر ابعاد اجتماع در شرایط عادی و طبیعی، خواهد بود. توسعه فرهنگی، علاوه بر اینکه موتور محرک سایر انواع توسعه است، کم و کیف و جهت وقوع آنها را نیز مشخص می سازد. (نک: فرهنگ و توسعه (مجموعه مقالات)، ۱۳۸۲، جلد ۴)

لازم به ذکر است «توسعه» برخلاف رشد که پدیده ای صرفا اقتصادی تکنولوژیکی و مفهومی کمی است، امری پیچیده و کثیر الاضلاع است

ص: ۳۹

و به سادگی نمی توان با ذکر چند شاخص کمی نظیر درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، افزایش پس انداز ملی و قدرت سرمایه گذاری، قلمرو و شمول مفهومی آن را تعیین کرد. امروزه واژه «نوگرایی»، «توسعه» و «تغییر» علاوه بر اصلاح و بهبود اوضاع اقتصادی، ارتقاء سطح تکنولوژیکی، افزایش ثروت ملی و اموری از این سنخ، بیشتر به روند همه جانبه تغییرات تدریجی، بنیادین و کیفی در ساختار فکری، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سازمانی، نیروی انسانی، محیط جغرافیایی و...اشاره دارد که معمولاً با درجاتی از انضباط، وفور، شهرنشینی، تنوع، صنعتی شدن، تفکیک ساختاری، تقسیم کار پیچیده، شکوفایی ظرفیت ها، تحرک و پویایی، آینده گرایی، خلاقیت ورزی، خردگرایی، و در یک کلام، تغییر همه جانبه همراه است.

از مجموع تعاریف چنین بر می آید: توسعه فرآیندی پویا، چند لایه، دارای ابعاد مختلف (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی، تکنولوژیکی و..)، دارای الگوهای متنوع، هدفدار و معطوف به تحقق درجاتی از کمال و پیشرفت برای فرد و جامعه؛ دارای پیوستگی و ارتباط انفکاک ناپذیر با ظرفیت های فرهنگی و امکانات و اقتضائات محیطی (طبیعی، انسانی، ارزشی، فنی، تکنولوژیکی)؛ دارای ماهیت پیوستاری و پایان ناپذیر که هر مرحله آن نسبت به مرحله قبل، بالنسبه مطلوب و مرجع ارزیابی می شود. به لحاظ معرفتی و مطالعاتی نیز حوزه ای میان رشته ای است که شاخه های متعدد علوم اجتماعی هر یک به تناسب، به بررسی ابعادی از آن اشتغال دارند.

بر این اساس، هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که درجاتی از توسعه را هر چند به صورت ناخودآگاه و با آهنگی کُند و آرام در طول زمان

ص: ۴۰

طولانی حیات خویش تجربه نکرده باشد و هیچ جامعه ای را نیزنمی توان یافت که به تمام مراحل متصور و متوقع توسعه دست یافته باشد و همه ظرفیت های بالقوه خود را به فعلیت رسانده باشد. به همین دلیل، همه جوامع هر چند با اختلاف مراتب، کم و بیش در فرآیند توسعه درگیر بوده و در حال توسعه اند.

استقلال فرهنگی و اقتصادی

استقلال فرهنگی و اقتصادی

یکی از شاخص های الگوی پیشرفت و توسعه مطلوب، اهتمام به موضوع استقلال کشور است. مقام معظم رهبری در بیان این ویژگی راهبردی می فرماید:

هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمن کننده استقلال کشور باشد؛ این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره، پیشرفت محسوب نمی شود. (۲۷/۲/۱۳۸۸)

استقلال در مفهوم کلی یعنی تسلط یک کشور بر سرنوشت خویش. روشن است که این مفهوم در روابط خارجی یک کشور با سایر کشورها و دول تبلور می یابد. طرح موضوع «استقلال» به عنوان شعاری راهبردی عمدتاً محصول واکنش به سلطه و نفوذ استعمار و تسلط تاریخی بیگانگان بر برخی کشورها بوده است. دلیل این مدعا این است که

ص: ۴۱

موضوع ظلم ستیزی و نفی حاکمیت بیگانگان در غالب تعاریف ارائه شده از استقلال به ویژه استقلال سیاسی به نوعی مندرج شده است. البته برخی نیز به مبانی انسان شناختی آن، همچون میل طبیعی انسان به عزت نفس و رهایی از وابستگی طفیلی و ذلیلانه به دیگران، استناد کرده اند. فرهنگ علوم سیاسی در تعریف استقلال می نویسد:

جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه و اقتدار خارجی. استقلال درحاکمیت دو بعد داخلی و خارجی را شامل می شود. [به بیان دیگر] استقلال عبارت است از حقی که به موجب آن، هر کشوری در سیاست داخلی و خارجی خود از سلطه دیگران آزاد است. استقلال در بعد خارجی یعنی آزادی عمل در برقراری روابط با سایر کشورها و درباره مسائل خارجی به طور کلی. استقلال در بعد داخلی یعنی آزادی عمل در چارچوب سرحدات کشوری. (آقا بخشی و افشاری، ۱۳۷۴: ۲۶۹) استقلال رابطه تنگاتنگی با حاکمیت ملی دارد و معمولاً در عرف بین الملل از حاکمیت، به مفهوم استقلال و در نظام داخلی به آزادی تعبیر می شود. استقلال هر کشور گاه به صورت عام و مطلق و گاه به صورت بخشی و به تبع ابعاد مختلف آن همچون استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملاحظه می شود. مراد از استقلال سیاسی، وابسته نبودن حاکمه به بیگانگان و اتخاذ تصمیمات بر اساس منافع و مصالح کشور است. براین اساس، قدرت تصمیم گیری و قدرت اعمال تصمیم های اتخاذ شده در قلمرو حاکمیت، از عناصر اصلی این نوع استقلال شمرده می شوند. استقلال سیاسی مبنا و شرط

ص: ۴۲

تحقق سایر انواع استقلال است. به بیان دیگر، وابستگی سیاسی، امکان تحقق هر نوع استقلالی را مانع می شود. استقلال اقتصادی به قدرت جلوگیری یک کشور از غارت سرمایه ها و منابع اقتصادی خود توسط قدرت ها و دولت های بیگانه تعریف شده است. استقلال فرهنگی نیز به حفظ فرهنگ و ارزش های جامعه از تهاجم فرهنگ بیگانه یا وابسته نبودن فکری و ارزشی به کشورهای بیگانه به گونه ای که کشور بتواند با افکار، تمایلات و خصیصه های فکری خود زندگی کند؛ تفسیر شده است. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۷۶)

در بینش اسلامی نیز به استناد نساء: ۱۴۱، هر نوع سلطه و برتری بیگانه بر مسلمانان نفی شده است. در فقه اسلامی، قاعده نفی سبیل (متخذ از آیه فوق)، حاکم بر عمومات و اطلاقات سایر ادله تشریعی ملاحظه شده است. ازاین رو، به اقتضای نکره بودن واژه «سبیلا» در آیه مذکور، هر نوع سلطه کفار بر مسلمانان نفی شده و قاعدتا خود مسلمانان نیز به زمینه سازی برای این سلطه در هیچ سطحی مجاز نیستند. لازمه این قاعده، تکلیف قطعی و الزامی عموم دولت ها و ملت های مسلمان به کسب استقلال در همه سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... و نفی مطلق وابستگی های اسارت بار است. هرگز از مفاد این قاعده، انزواگزینی جامعه اسلامی و قطع مطلق مراودات و ارتباطات با جهان خارج برداشت نمی شود. جامعه اسلامی به ویژه به اقتضای مأموریت و رسالتی که در تبلیغ اسلام به جهان دارد، انگیزه و الزام بیشتر و گسترده تری به برقراری و تقویت این نوع روابط دارد. تردیدی نیست که میل به استقلال یابی همه جانبه، از مهم ترین عوامل ترغیبی و تشویقی و از

ص: ۴۳

جدی ترین محرکات توسعه و پیشرفت است و توجیهات عقلانی و خردورزانه نیز این تمایل روان شناختی را در بالاترین سطح ممکن تشدید و تقویت می کند. متقابلاً حصول هر درجه از توسعه و پیشرفت، ضامن استقلال کشور در آن بخش خواهد بود. این بخش را با فرمایشی از مقام معظم رهبری در اهمیت استقلال اقتصادی به پایان می بریم:

... اگر تولید ملی شکل نگرفت، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی کند؛ و اگر استقلال اقتصادی جامعه ای تحقق پیدا نکرد یعنی در مسئله اقتصادی نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف ها، جز حرف چیز دیگری نیست. تا یک کشور، اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد. (۱۰/۲/۱۳۹۱)

این بخش را با بیانی از شهید مطهری در توضیح استقلال فرهنگی به پایان می بریم:

ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم انقلاب ما به نتیجه و ثمر نمی رسد، جذب مکتب های دیگر می شویم. و لواینکه رژیم را عوض کردیم، استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی به دست آوردیم، اما اگر به استقلال فرهنگی، به خصوص به استقلال مکتبی نرسیم باخته ایم... . ما باید کارکنیم، باید نشان دهیم که جهان بینی اسلامی نه با جهان بینی غربی می خواند نه با جهان بینی شرقی. (مطهری، ۱۳۹۰، ج۲۴: ۲۴۵).

ص: ۴۴

اقتصاد و نظام اقتصادی

اقتصاد و نظام اقتصادی

نظـام یـا خرده نظـام اقتصـادی و نیز رفتار اقتصادی را چگونه می توان از سایر پدیـده های اجتماعی متمایز ساخت؟ در پاسـخ به این سؤال گفته می شود: نظـام اقتصـادی، عرصه ای است که به دلیـل صـبغه ناسوتی و مادی، قـداست در آن، دست کم در تلقی غالب، ظهور چنـدانی نـدارد. هنجارهای اجتماعی آن از نوع مرسوم و قراردادی است. ضـمانت اجرایی این هنجارها هماننـد هنجار قانونی، بیرونی و عقلانـی است نه درونی و عـاطفی. اخلاق آن کاملاً از نوع اخلاق پی آمـدگراست، اگر چه حضور اخلاق در آن ضـعیف است. جهـان مادی در آن، منشأ ارزش به شـمار می آیـد. بنابراین، آنچه در جهان مادی (طبیعت) کمیاب است و در عین حال بیشتر انسـان به آن نیـاز دارد، حـائز بالاـترین ارزش است. در این نظـام، معرفت علمی (در مقابل معرفت اخلاقی، فلسـفی و ایـدئولوژیک) معرفت غالب است. از لحاظ تحلیلی، اقتصاد به شکل ناب قابل تحویل به پنج عنصر اصلی: علقه مادی، کنش ابزاری، اعیان فیزیکی، کنشـگران و روابط مبادله ای است. علقه مادی شامل چهار تمایل عمده و اساسـی است که کم و بیش در نظام شخصـیتی هر انسانی حضور دارد: میـل به تطـابق بـا محیط، میل به تسـلط بر محیط، میل به افزایش ظرفیت و میل به تنسـیق و ترسـیم نمادی محیط. میل به تطـابق با محیط، منشأ یادگیری رفتاری و سازگاری بیرونی؛ میل به تسـلط بر محیط، منشأ، ابزارسازی؛ میل به افزایش ظرفیت از طریق تجمع و سازماندهی، منشأ سازماندهی و تقسـیم کار و بالاخره میل به تنسـیق و ترسـیم نمادی محیط، منشأ علوم تحلیلی مثل ریاضیات و منطق است.

عنصر دیگر، کنش ابزاری انسان است. کنش ابزاری انسان در چهار

ص: ۴۵

نوع فعالیت اصلی، یعنی کار (سازندگی)، سازماندهی (هماهنگی)، تعقل (محاسبه) و یادگیری (هوشمندی) متجسم می شود. ازاین رو، منشأ نضج، گسترش و اشاعه عقلانیت ابزاری، اساساً حوزه اقتصاد است. بنابراین، می توان این قضیه را عنوان کرد که یک نوع همبستگی متقابل میان میزان رشد عقلانیت و رشد حوزه اقتصادی در جامعه وجود دارد؛ یعنی اگر در جامعه ای اقتصاد، پیشرفت کرده باشد پس در این جامعه ۱. یادگیری کاربردی و فراگیری در جریان بوده است (وجود سرمایه های انسانی) . ۲. کار زیادی صورت گرفته است؛ چه ثروت مادی عمدتاً تجسم کار گذشتگان است. ۳. پیشرفت امور، بر سازماندهی، هماهنگی و تقسیم کار مبتنی بوده است. ۴. فعالیت های بر تدبیر و برنامه حساب شده قبلی مبتنی بوده اند. به عبارت دیگر، در حالی که میزان یادگیری کاربردی، میزان کار، میزان محاسبه (برنامه ریزی) و میزان سازماندهی می توانند به عنوان شاخص ها و نتایج توسعه اقتصادی تلقی شوند، در همان حال، این عوامل به عنوان شاخص های علّی، می توانند موجبات توسعه اقتصادی را فراهم کنند. عنصر اقتصادی دیگر، عین یا اعیان فیزیکی است. منظور از اعیان در اینجا، ثروت مادی شامل ابزار تولید، ابزار زیست و منابع طبیعی است که بیان ارزشی آنها به صورت نمادی در نوعی پول به عنوان وسیله ارتباطی متبلور می شود. قانون مندی اقتصادی، وابسته به میزان نظم اقتصادی است و نظم اقتصادی نیز به نوبه خود تابع میزان نهادینه شدن اقتصاد در جامعه است. میزان نهادینه شدن اقتصاد نیز به یکپارچگی، شفافیت، جامعیت، و درک و تعهد مشترک نسبت به نقش های عمده اقتصادی بستگی دارد. (چلبی، ۱۳۷۵: ۴۲ ۴۵، ۷۷ ۸۰، ۹۰) از دید پارسونز، جامعه شناس امریکایی نیز اقتصاد، وجهی از رفتار کنشگران اجتماعی

ص: ۴۶

است که در کـار تولیـد و توزیع کالاهـا و خـدمات لازم برای بقـای مـادی و رفـاه افراد و جـامعه فعـالیت می کننـد. توزیع کالاها و خـدمات آن چیزی است که اقتصاد بر محور آن شـکل می گیرد و کارکرد اختصاصـی پیـدا می کنـد. هر فعالیتی که در تولید و در توزیع کالاهـا و خـدمات سـهمی داشـته باشـد، در شـبکه کـارکرد اقتصـادی جـای می گیرد. در عین حـال، تولیـد و توزیع کالاها و خـدمات، مرزهای اقتصاد را تعیین می کنند. (روشه، ۱۳۷۶: ۱۳۰) از دید وبر، جامعه شـناس آلمانی نیز اقتصاد در معنای خاص کلمه عبارتست از: روابط انسانی که بنیان آن یک نیاز یا مجموعه ای از نیازها است که بایـد تأمین شونـد. این در حالی است که وسایل و امکانات تأمین آنها، خواه به دلیل کمیابی، خواه نایابی، خواه تنگـدستی منابع تحصـیل، محـدود هسـتند. رفتاری که هدف آن تأمین نیازها باشد، رفتاری اقتصادی است. (فروبند، ۱۳۶۸: ۱۶۲)

اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی

یکی از ایـده هـای محوری مقام معظم رهبری که از سال ۱۳۸۶ تاکنون، بارها بـدان توجه داده شـد، طرح «اقتصاد مقاومتی» و ایجاد تحولات زیرساختی در اقتصاد کشور و بخش های مربوط، برای تحقق این مهم بوده است. شعاری که به ادعای برخی اقتصاددانان با این مختصات و عمق مضـمونی و گستره مفهومی در ادبیات رایـج علم اقتصاد، بی سابقه است. اقتصاد مقاومتی به عنوان مجموعه ای از راهبردهـا و تاکتیک های اقتصادی است که در شـرایط خاص، عمـدتاً برای مقابله با سـیاست های تخاصـمی دشـمن و تکانه های اقتصاد جهانی در برخی از کشورهای دارای وضعیت مشابه، با نام ها و عناوین مختلف اعمال و اجرا شده و در مراکز

ص: ۴۷

علمی و پژوهشی آن کشورها از آن سخن رفته است، اما به دلیل ماهیت زمینه ای و متن محور بودن و قاعدتاً وابستگی زیاد به شرایط و اقتضائات محیطی؛ تاکنون منطق، مدل و الگوی جهان شمول، متفاهم و بین الاذهانی از آن به دست نیامده است. ازاین رو، مقام معظم رهبری خود به عنوان مبدع این شعار راهبردی در ضمن فرمایشاتی، به واکاوی ابعاد مفهومی و نظری (تصوری و تصدیقی) آن همت گمارده اند که در ادامه به گوشه ای از آن، متناسب با ضرورت های مفهومی این بخش اشاره خواهد شد.

الگوی اقتصاد مقاومتی واجد ویژگی هایی است که رهبری به برخی از آنها اشاره فرموده اند. از آن جمله:

۱. متناسب بودن با نیازها و شرایط موجود کشور؛

۲. درون زا بودن، یعنی جوشیدن از دل ظرفیت های موجود کشور و مردم. رشد این نهال و درخت به امکانات کشور متکی است، اما در عین حال درون گرا نیست. به بیان دیگر، معنای اقتصاد مقاومتی، محصور شدن در کشور و محدود شدن به امکانات خود و تعامل نداشتن با اقتصاد جهانی نیست. اقتصادی درون زا و در عین حال، برون گراست.

۳. مردم بنیاد بودن. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردمی است، نه دولتی یعنی با اراده، سرمایه، مشارکت و فعالیت مردم تحقق می یابد. دولت نیز مسئولیت برنامه ریزی، زمینه سازی، ظرفیت سازی، نظارت، هدایت، کمک و مقابله با مفاسد و سوء استفاده ها را برعهده دارد؛

۴. دانش بنیان بودن. یعنی بر محوریت علم و پیشرفت های علمی تکیه دارد و اما معنای آن این نیست که فقط دانشمندان می توانند در آن نقش ایفا کنند. در این اقتصاد از همه تجربه ها و مهارت های صنعتگران، کشاورزان و کارگران به تناسب، استفاده می شود و همه می توانند در آن نقش آفرینی کنند؛

ص: ۴۸

۵. عدالت محوری. اقتصاد مقاومتی بر عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه تأکید دارد و فقط به شاخص های اقتصاد سرمایه داری همچون رشد ملی، تولید ناخالص ملی و... اکتفا نمی کند. عدالت در این الگوی اقتصادی، به معنای تولید و افزایش ثروت ملی است نه تقسیم فقر.

۶. بهترین گزینه تشخیصی برای حل مشکلات اقتصادی کشور در شرایط مختلف اعم از شرایط تحریم و فشار و غیر آن. (مستفاد از بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱/۱/۹۳)

اقتصاد دانش بنیان

اقتصاد دانش بنیان

مقام معظم رهبری، تکیه بر دانش و شرکت های دانش بنیان، را یکی از راه های تحقق اقتصاد مقاومتی برشمردند. در ادامه به تبیین این شرکت ها و نقش آنها در تحول اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی می پردازیم.

مدل های اولیه رشد اقتصادی عمدتاً بر عوامل فیزیکی تولید مانند سرمایه فیزیکی، دارایی های مادی و نیروی کار، به عنوان منابع تولید تأکید می کردند، اما در مدل های جدید رشد، از دانش و فن آوری به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در بهره وری عوامل تولید و رشد اقتصادی یاد می شود. دانش در یک تلقی عام عبارت است از: ذخیره انباشته شده ای از اطلاعات و مهارت ها که از مصرف اطلاعات توسط گیرنده اطلاعات حاصل می شود. در حقیقت دانش، به عنوان یک منبع دائمی، همواره می تواند در اختیار بنگاه های اقتصادی قرار گیرد و با مشارکت مکرر در فرآیندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده شود. ازاین رو، اقتصاد دانش بنیان مستقیماً بر مبنای تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات مبتنی است. بدیهی است که برای دست یابی به این نوع اقتصاد، نه فقط تولید

ص: ۴۹

و توزیع اطلاعـات و پرداختن به آموزش و پژوهش، بلکه نحوه به کـار گیری آنها در فرآینـد بهره گیری از منابع اقتصادی به صورت مسـتمر و پایـدار نیز بسـیار حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و اسـتفاده مؤثر از آن در گسترش ظرفیت ها و ارتقـای میزان و درجه بهره برداری از منابع است که تحقق یک اقتصاد دانش بنیان را ممکن می سازد. دانش و فن آوری همواره در خلق ثروت برای کشورها نقش اساسـی داشـته و سـطح استاندارد و کیفیت زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. تأثیر فن آوری آن چنان است که پیشـرفت تمـدن را غالباً با توجه به فن آوری برتر هر دوره مشـخص می کننـد. اقتدار فن آوری، موجب اقتـدار اقتصـادی، سیاسـی و اجتمـاعی می شود. ازاین رو، اقتصـاد دانش بنیـان، در افزایش بهره وری عوامـل تولیـد، ارتقـای کیفیت محصولات، افزایش مزیت های رقابتی، افزایش انگیزه مصـرف محصولات داخلی، کاهش اسراف و تبذیر، کاهش وابستگی به منابع و خام خواری، افزایش تولید سـرانه، کاهش نابرابری در توزیع درآمد، تحقق بیشتر عدالت اجتماعی، اصـلاح کیفیت بهره برداری از محیط زیست، حصول خودکفایی، توان مقابله با تحریم های دشـمن به عنوان شاخصه های اصـلی توسـعه پایدار؛ تأثیر بسـزایی دارد. الگوی اقتصـاد دانش بنیـان در شـکل مطلوب آن بایـد مقاومتی، تحریم شـکن، درون زا، برون گرا، دیجیتالی، غیر وابسـته به نفت و رساننده کشور به تراز مثبت علمی و دست یابی به یک اقتصاد فعال، پویا، مستحکم و جهادی باشد.

شرکت های دانش بنیان

شرکت های دانش بنیان

اقتصاد دانش بنیان با محوریت شـرکت ها و مؤسسات دانش بنیان تحقق عینی خواهد یافت. شرکت های دانش بنیان، به عنوان بنگاه های اقتصادی

ص: ۵۰

دانش بنیان، نقش محوری در ساختار اقتصاد مقاومتی ایفا می کنند. بر اساس ماده یک قانون حمایت از شرکت های دانش بنیان، «شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا ـ و خدمات) در حوزه فن آوری های برتر و با ارزش افزوده فراوان، به ویژه در تولید نرم افزارهای مربوط، تشکیل می شود.» منظور از تولید ثروت از طریق دانش در شرکت های دانش بنیان این است که این شرکت ها بتوانند با تولید محصولات علمی، ارزش افزوده آنها را هم افزایش دهند تا در دنیای رقابتی، از استانداردهای لازم برخوردار باشند و مطلوبیت خود را برای مشتریان حفظ کنند. امروزه دانش، مهم ترین دارایی یک کشور است و سرمایه های فکری ابزار اصلی توسعه و پیشرفت به شمار می آید. بر این اساس، حمایت های ویژه ای نظیر معافیت از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض صادراتی، تأمین تمام یا بخشی از هزینه های تولید، عرضه یا به کارگیری نوآوری و فن آوری با اعطای وام کم بهره یا بدون بهره و... از این شرکت ها صورت می گیرد. رهبری معظم، رشد اقتصادی حقیقی را در گرو تولید ثروت از طریق دانش و علم ارزیابی کرده اند: «اگر شرکت های دانش بنیان جدی گرفته شوند و از توسعه کمی و کیفی آنها حمایت شود، به واسطه ثروت آفرینی از طریق علم، اقتصاد کشور به شکوفایی حقیقی خواهد رسید.» در حال حاضر بیش از سه هزار شرکت دانش بنیان در پارک های علمی و فن آوری کشور فعالیت دارند و با توجه به قانون حمایت از شرکت های

ص: ۵۱

دانش بنیان، تعداد آنها تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۰ هزار شرکت افزایش می یابد.

تردید نیست که یکی از اساسی ترین زیرساخت های اقتصاد دانش بنیان و پیش نیاز تحقق راهبرد این شرکت های دانش بنیان برای توسعه اقتصاد مقاومتی، سرمایه انسانی خلاق، نوآور و دانشی است که با توجه به ترکیب جمعیتی کشور ایران و جمعیت بالای جوانان تحصیل کرده و نیروی انسانی به عنوان بزرگ ترین و باارزش ترین سرمایه کشور، باید مسئولان به آن توجه کنند. امید می رود با توانمند ساختن و تشویق و زمینه سازی فعالیت سرمایه های انسانی متخصص وخلاق در قالب شرکت های دانش بنیان، کشور توان لازم برای رویارویی با هر گونه تهدید و تحریم اقتصادی را بیش از پیش درونی سازد.

اهداف شرکت های دانش بنیان

اهداف شرکت های دانش بنیان

با توجه به ویژگی های ذکرشده، می توان اهداف و کارکردهای زیر را برای این شرکت ها برشمرد:

۱. جذب و تبدیل ایده ها به محصول و مشاغل پایدار؛

۲. هم افزایی علم و ثروت (تجاری سازی علم و دانش و یافته های پژوهشی و تحقیقاتی)؛

۳. توانمندسازی دانش آموختگان به منظور ورود به فضای کسب وکار؛

۴. حمایت، هدایت و سمت دهی در جهت نوآوری ها و تولید فن آوری های برتر؛

۵. ایجاد زمینه برای به کارگیری هرچه بیشتر توانمندی های دانشگاه ها و واحدهای پژوهشی در جامعه؛

ص: ۵۲

۶. تشویق متخصصان، نوآوران، مخترعان، اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی برای فعالیت های بیشتر در رفع نیازهای جامعه و ترویج فرهنگ تجاری سازی در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی؛

۷. تشویق بنگاه های اقتصادی و دستگاه های اجرایی به بهره گیری بیشتر از یافته های پژوهشی و فن آوری های تولید یافته در مراکز پژوهشی؛

۸. ارتقای فرهنگ عمومی کارآفرینی.

شرکت های دانش بنیان و اقتصاد مقاومتی

شرکت های دانش بنیان و اقتصاد مقاومتی

نقش این شرکت ها در شکل گیری و توسعه اقتصاد مقاومتی را می توان در محورهای زیر بیان کرد:

۱. شرکت های دانش بنیان، با توجه به ویژگی های خود و پویایی و تطبیق با شرایط محیط پیرامونی و انعطاف پذیری بالا، ظرفیت مناسبی برای روبه رو شدن با شرایط تحریم دارند؛

۲. توزیع عادلانه تر ثروت، بر اساس شایسته سالاری در این شرکت ها، امکان وقوعی بیشتر داشته و عدالت اقتصادی زمینه بیشتری دارد؛

۳. شرکت های دانش بنیان، زیرساخت های لازم جهت عملی ساختن راهبردی عدم تمرکز و همکاری چندین شرکت متوسط در تولید یک محصول را دارا هستند؛

۴. در صورت تحریم مواد اولیه یا فن آوری ها، چنین شرکت هایی توانمندی لازم جهت دست یابی به فن آوری یا مواد اولیه جای گزین را خواهند داشت؛

ص: ۵۳

۵. شرکت های دانش بنیان، با توجه به ویژگی های منحصربه فرد خود و توان ایجاد و به کارگیری فن آوری های پیشرفته مورد نیاز، توانمندی لازم برای تبدیل مواد خام به محصولات نهایی با ارزش افزوده بالا را دارند؛

۶. ویژگی شرکت های دانش بنیان در استفاده از دانش برای بهینه کردن کیفیت محصولات داخلی، به همراه اقدامات فرهنگی، می توانـد موجب تشویق مردم به مصرف کالاهـای داخلی شود. به این ترتیب، از یک سو وابستگی کشور به محصولات و ارز خارجی برای واردات این کالاهـا کـاهش می یابـد و از سوی دیگر، با ارتقای کیفیت محصولات داخلی، زمینه رقابت این کالاها با کالاهای مشابه در بازارهـای خـارجی فراهم می شود. در نهـایت، با افزایش گستره کالاهای صادراتی، آسیب پـذیری کشور در برابر تحریم کالاهای صادراتی کاهش می یابد؛

۷. افزایش بهره وری در شرکت هـای دانش بنیـان، سبب کاهش هزینه تمام شـده محصولات و کالاها می شود. در نتیجه، علاوه بر افزایش تشویق مردم به استفاده از کالاهـای داخلی، مزیت رقـابتی در قیمت برای صادرات محصولات در بازارهای جهانی نیز ایجاد خواهد شد؛

۸. دانش بنیان نمودن اقتصاد و توسعه شرکت های دانش بنیان برای ارتقای فن آوری و افزایش بهره وری عوامل تولیـد یکی از راه کارهـای اساسی برای حصـول خودکفـایی پایـدار در محصولات راهبردی است. بـا برنـامه ریزی صـحیح، حـتی کشـور می تـواند صادرکننده این نوع محصولات باشد. (جهت اطلاع یابی از چیستی این نوع شرکت ها و نقش اقتصادی آنها نک: معمارنژاد، ۱۳۸۴؛ بهبودی و امیری، ۱۳۸۹؛ صنوبر و دیگران، ۱۳۹۰)

ص: ۵۴

عدالت اجتماعی و اقتصادی

عدالت اجتماعی و اقتصادی

یکی دیگر از بنیادهای اصولی و محوری و اهداف غایی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی، «عدالت اجتماعی» و به دنبال آن «عدالت اقتصادی» است. مقام معظم رهبری در طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بر لزوم در آمیختن پیشرفت با عدالت و نقش رکنی عدالت در الگوی پیشنهادی تأکید کردند و حقانیت و مشروعیت آن را به رعایت عدالت مشروط فرمودند. (۹/۱۰/۱۳۸۹) ازاین رو، عدالت هم محور و مبنای توسعه و جزو بنیادهای هدایتی برنامه ها و سیاست های معطوف به توسعه شمرده می شود و هم جزو اهداف و بالمآل جزو نتایج و آثار عینی مترتب بر اجرایی شدن الگوی توسعه و پیشرفت خواهد بود. عدالت چیست؟ عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی کدامند؟ موضوعی که برخلاف جاذبه های روانی و آرمانی و حرف و حدیث های فراوان، هنوز در هاله هایی از ابهام قرار دارد و طرح بحث و اتخاذ موضع در آن، چندان آسان نیست.

«عدل» در لغت به معنای انصاف، اعتدال، استحقاق، حق، راستی، میانه روی، دادگری و غیر آن به کار رفته است. «قسط» نیز به صورتی تقریباً مشابه به معنای عدالت، انصاف، داوری، میزان، ترازو، بهره، نصیب و جز آن به کار رفته است. معنای اصطلاحی این دو نیز تفاوت محسوسی با کاربردهای لغوی آنها ندارد. ازاین رو، برابری، نفی تبعیض، رعایت استحقاق ها، اعطای حق هر کس به او، قراردادن هر چیزی در جای حقیقی آن و مفاهیم مشابه را تقریباً می توان معادل معنای مستفاد از این دو واژه در کاربردهای اهل لغت و محاورات عموم تلقی کرد. (نک: راغب، ۱۴۱۲ ه .ق: ۵۵۱؛ مصطفوی، ۱۳۸۵: ج۸: ۶۳؛ سجادی، ۱۳۶۲: ۲۷۴)

ص: ۵۵

مفهوم عـدل بخش قابـل توجهی از ارزش هـای مثبت را پوشـش می دهـد. حسن عـدالت و ضـرورت رعـایت آن در همه نظام های ارزشـی پـذیرفته شده است. بر طبق برخی تفسیرها، حسن عدالت و در مقابل، قبح ظلم از جمله مستدرکات بدیهی عقل عملی و از سنخ قضایای تحلیلی هستند که محمول آنها از تحلیل موضوعشان، استنتاج می شود. مشکل اصلی در بحث عدالت و ظلم فراتر از مفهوم در تعیین مصداق آنهاست. به بیان برخی اندیشمندان: عـدالت به معنای دادن حق به صاحب حق است و حق چیزی است که بایـد به صـاحب حق داده شود. از ترکیب این دو جمله نتیجه می گیریم که جمله «عـدالت واجب است» بـدین معناست که «آنچه را باید داد، باید داد» قضیه ای بدیهی و تحلیلی است؛ اما در هیچ نظام ارزشـی، مشکلی را حل نمی کند؛ زیرا همه می گویند: رعایت عـدالت واجب است و نبایـد به کسـی ظلم کرد، و هیـچ اختلافی یا ابهامی در اصل این قضـیه وجود نـدارد. آنچه ابهام دارد و مورد اختلاف است، تعیین مصادیق عدل و ظلم است. (مصباح یزدی، ج۳: ۱۳۷۸: ۱۲۹) شهید مطهری نیز در توضیح قلمرو معنایی عدالت می نویسد:

عـدالت عبـارت است از اینکه آن اسـتحقاق و آن حقی که هر بشـری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود. عـدالت نقطه مقابل ظلم است که آنچه را فرد اسـتحقاق دارد به او ندهنـد و از او بگیرند، و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شـرایط مساوی قرار دارنـد، موهبتی را از یکی دریغ دارنـد و از دیگری دریغ ندارند. (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۵۹؛ همچنین نک: مطهری، ۱۳۷۰ : ۱۲۸ و ۱۲۹)

ص: ۵۶

علامه طباطبایی نیز در توضیح معنای عدالت به ویژه عدالت اجتماعی می نویسد:

معنای اصلی عدالت اقامه مساوات میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شوند و هریک در جای واقعی خود که مستحق آن است قرار گیرد. پس عدالت در اعتقاد این است که به آنچه حق است ایمان آوری، و عدالت در عمل فردی آن است که کاری کنی که سعادتت در آن باشد، وکاری که مایه بدبختی است به خاطر پیروی هوای نفس انجام ندهی و عدالت در مردم و بین مردم این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف مستحق آن است قرار دهی. نیکوکار را به خاطر احسانش احسان کنی، و بدکار را به خاطر بدی اش عقاب نمایی، و حق مظلوم را از ظالم بستانی ودر اجرای قانون، تبعیض قائل نشوی. از اینجا روشن می شود که عدالت همیشه مساوی با حسن، و ملازم با آن است، چون ما برای حسن، معنایی جز آنچه طبع بدان میل کند و به سویش جذب شود قائل نیستیم و قرار دادن هر چیزی در جایی که سزاوار آن است از این جهت که در جای خود قرار گرفته، چیزی است که انسان متمایل به آن است، و به خوبی آن اعتراف دارد و اگر احیاناً مخالف آن را مرتکب شود، عذرخواهی می کند. حتی دو نفر از افراد انسان در آن اختلاف نمی کنند، هر چند مردم در مصداق آن با هم اختلاف دارند، و خیلی هم اختلاف دارند، و لیکن این اختلاف ناشی از اختلاف در روش زندگی ایشان

ص: ۵۷

است و عـدالت اجتمـاعی عبارت از این است که: با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مسـتحق آن است و در جایی، جای داده شود که سزاوار آن است، و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین، مأمور انجام آنند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج۱۲: ۴۷۸)

شهید مطهری همچنین در موضـعی دیگر جامعه مطلوب اسلامی را جامعه بی تبعیض، بی محروم، بی طاغوت، عادل، بی ظلم، عاری از بهره کشـی و مبتنی بر تسـخیر متقابـل انسان ها، معرفی کرده است. (مطهری، ج۲: ۱۱۲ و ۱۱۳) مرنیون، از نظریه پردازان عـدالت، عـدالت اجتماعی را مجموعه ای از حقوق و وظایف تعریف می کنـد که رابطه بین افراد و جامعه را هـدایت می کنـد. راولز عـدالت اجتمـاعی را ضـابطه ای عمومی برای تعیین شـئون لازم الرعـایه و برای ارزیابی جنبه های توزیعی ساختار اساسـی جامعه تعریف می کند. (نقل از عیوضلو، ۱۳۸۹: ۱۱)

عـدالت همچنین به لحـاظ مصـداقی، به امـوری همچـون اعطـای حقـوق (اعطـاء کـل ذی حق حقه)، مراعـات شایسـتگی هـا، توازن اجتماعی، تکافل همگانی، تأمین نیازهای حیاتی و ضـروری افراد در حد کفایت، تأمین سطح زندگی مناسب برای تمام مردم، تأمین رفاه عمومی، بی نیاز کردن افراد کم درآمـد، حـذف امتیازات بی وجه و ایجاد تعادل واقعی میان خواسـته های متعارض انسان ها در ساختـار نهادهـای اجتمـاعی، توزیع درست و معقول درآمـدها، مشاغـل، فرصت ها، آزادی ها، حقوق و امتیازات و بهره منـدی های اقتصادی میان افراد و گروه ها تفسـیر شـده است. (نک: صدر، ۱۳۸۷: ۲۸۸ ۲۸۹، ۶۳۸ ۶۸۱؛ توسلی، ۱۳۷۵: ۲۳ ۳۹؛ حسینی، ۱۳۸۷؛ جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۳۴ ۶۲۴)

ص: ۵۸

عـدالت اقتصـادی یـا توزیعی نیز مسـئله اسـتخراج قاعـده ای است برای توزیع مواد خواسـتنی (چیزهـای مطلوب) در بین افراد جامعه. قواعد و نظریه های عدالت اقتصادی، به سه دسـته کلی تقسـیم شده اند: الف) قواعد و نظریه های منابع محور که در آنها بیش از هر چیز بر ویژگی برابری همگـانی در بهره برداری یا بهره منـدی از منابع و مواهب عمومی و همگانی و فراهم بودن امکانات و فرصـت های برابر برای همه و برخورداری یکسان از مزیت ها و نامزیت ها تأکیـد می شود؛ ب) قواعد و نظریه های فرآیندمحور که در آنها بیشتر به روشـی که افراد برای سـلطه بر اموال خود به کار گرفته انـد، توجه می شود. در این نظریه ها، معیار عدالت به کارگیری این قاعـده است که محصول کـار و فعالیت هر فردی به خود او تعلق دارد و افراد برای فعالیت اقتصادی از آزادی برابر برخوردارنـد. ج) قواعد و نظریه های نتیجه محور و غایت گرا که در آنها بیش از هرچیز به بررسـی نتایج حاصل و سهم بری افراد پرداخته شده است، به دنبال تعیین معیارهایی برای توزیع محصولات و درآمدهای حاصل از فعالیت های اقتصادی برآمده اند و یا به تبیین مسئولیت های افراد یا وظایف دولت در زمینه ایجاد تعادل درآمدی و یا جبران دریافت های افراد از طریق کمک های دولت پرداخته اند.

یکی از محققان در مقام جمع بندی آراء متفکران مسلمان در عدالت اقتصادی می نویسد:

بر اسـاس اصول و معیارهای عـدالت اجتماعی و عـدالت اقتصادی اعم از برخورداری یکسان از امکانات و منابع عمومی، مزیت ها و نامزیت ها، سهم بری از تولید بر پایه ارزش افزوده ای که هر عامل تولید ایجاد کرده، لزوم بهره برداری بهینه

ص: ۵۹

و کارا از کلیه اموال و ثروت ها و توازن درآمدها در جامعه می توان شاخص هایی را مطرح کرد تا بر اساس آنها بتوان میزان تحقق بخشی قواعد و معیارهای عدالت را در جامعه سنجید:

مبنای اصلی در بهره برداری از منابع و امکانات عمومی نظیر معادن، جنگل ها، آب ها، سرمایه های ملی و... حد «قوام» یا حد «کارآیی فنی» است. از این رو، هر گونه فعالیت اقتصادی که این معیار را بر آورده نسازد، موجب اختلال در بهره برداری از منابع ملی است و به عنوان استفاده سفیهانه از مال تلقی می شود. بر این اساس، دولتی در مسیر عدالت اقتصادی قدم برداشته است که در اثر فعالیت های آن، بهترین استفاده از منابع عمومی به عمل آمده باشد و روند آبادانی زمین از طریق گسترش مراتع و جنگل ها تشدید یافته و از تخریب و فرسایش منابع زمینی جلوگیری شود.

برخورداری افراد و طبقات جامعه از ثروت های عمومی و بهره مندی آنها از امکانات عمومی به طور متعادل و منصفانه باشد. در این زمینه می توان از شاخصه هایی نظیر گسترش سطح آموزش عمومی، بهداشت عمومی و میزان بهره مندی افراد و طبقات جامع از کالاهای ضروری و لوازم زندگی برای ارزیابی کمک گرفت.

بستر سالمی برای فعالیت های اقتصادی برقرار باشد، به نحوی که افراد اطمینان یابند حاصل دسترنج فعالیت های اقتصادی خود را خود تصاحب می کنند و هیچ فرد یا گروهی عملاً نمی تواند نصیب یا ارزش ناشی از فعالیت آنها را تصاحب کند. بر این مبنا، تعلق بودجه عمومی به سازمان ها و دستگاه های دولتی فقط در حد ارزش افزوده ای که ایجاد کرده اند، جایز است و غیر آن از مصادیق «اکل مال به باطل» تلقی می گردد.

ص: ۶۰

قیمت هـای کالاهـا و خـدمات در اقتصـاد، در چارچوب اصول و معیارهای عـدالت اجتماعی نظیر اطلاعات و فرصت های برابر و بر اساس مکانیسم آزاد عرضه و تقاضا تعیین می شود. البته بایـد توجه داشت که عرضه کننـدگان کالاها و خدمات هنگام تعیین قیمت از معیار «انصاف» تبعیت خواهند کرد و شرایط منصفانه، زمانی صادق خواهد بود که برمبنای ارزیابی عرفی قیمت پرداختی (ثمن) با کالاـ یا خـدمت (مثمن) معادل تلقی شود. در اثر فعالیت های مفیـد و مولـد دولت اسـلامی، در آمـدهایی می توانـد حاصل شود که امکان تعـدیل توزیع درآمـد میان گروه های درآمدی را فراهم سازد. علاوه بر این، از طریق ابزارهایی نظیر خمس، زکات، صدقات و انفاق تعدیل خودکار درآمد یا بازتوزیع در آمدها می تواند به وقوع پیوندد. (عیوضلو، ۱۳۸۹: ۲۲و ۲۳)

عزت خواهی و اقتدارطلبی

عزت خواهی و اقتدارطلبی

یکی دیگر از مبـانی و بنیادهای روانی اعتقادی تشویق کننـده به تحقق آرمان فرهنگی و اقتصادی مورد نظر در شـعار سال و یکی از آموزه هـای متعـالی اسـلام، لزوم برخورداری عموم مؤمنان از روح عزت خواهی و اقتـدارطلبی است که غالباً در کشاکش مصاف با برتری طلبی دشـمنان موضوعیت می یابـد؛ گرایشـی فطری که در پرتو ایمان مـذهبی و عمل صالـح به شـکوفایی و کمال می رسـد. عزت خواهی علاوه بر نقش علی و اعـدادی در ترغیب به تأمین این سـنخ اهداف فرهنگی و اجتماعی، خود نیز از رهگذر تحقق این نوع تحولاـت در جامعه مؤمنان، تقویت و تشدیـد می شود. بی شک، یکی از عوامل مؤثر در عینیت یابی روح عزت خواهی مؤمنانه در مقیاس اجتماعی، برخورداری از تمکن و

ص: ۶۱

استقلال همه جانبه، اعتبار و اقتدار ملی، و بی نیازی و وابستگی حقارت بار به بیگانگان است.

«عزت» به بیان برخی لغت شناسان، حالتی است که انسان را مقاوم و شکست ناپذیر می سازد و به زمین سفت و محکم نیز به دلیل نفوذناپذیری، ارض عزاز (بر وزن اساس) یا زمین سفت می گویند (راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۶۴) همچنین «عزت»، به معنی داشتن تفوق و استعلاء برکسی که رتبه اش در مقایسه پایین تر است، نیز به کار رفته است. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج۸: ۱۳۸) در قرآن نیز، این واژه به همین معنای لغوی به کار رفته است. طبق بینش اسلامی، چون تنها خداوند مقاوم و شکست ناپذیر به معنای مطلق است، پس تمام عزت نیز اصالتاً از آن او خواهد بود. انسان مؤمن نیز به برکت ایمان و عمل صالح و تقرب به خداوند، می تواند به درجاتی از عزت، حسب مراتب ایمان و استکمال وجودی خویش دست یابد.

علامه طباطبایی در توضیح واژه «عزت» می نویسد:

عزت در مقابل ذلت است. عزت عزیز، آن حالتی است که به خود گرفته و دست یافتن به وی دشوار شده است، و عزیز قوم، کسی است که بر همه قاهر است، و کسی بر او قاهر نیست، چون مقامی دارد که هر کس قصد او کند مانعش می شوند و از دسترسی به او بازش می دارند تا نتواند مقهورش کند. اگر خدای سبحان عزیز است (و بلکه همه عزت ها از او است) برای این است که او ذاتی است که هیچ چیز از هیچ سویی بر او قهر و غلبه ندارد، و او بر همه چیز و از هر جهت قهر و غلبه دارد و اگر کس دیگری از عزت، سهمی دارد از او و به اذن او گرفته است. («طباطبایی»، ۱۳۶۳، ج۱۲: ۱۲)

ص: ۶۲

از دیـد روان شناسـی، عزت نفس هر فرد، تابع قضاوت و ارزش یابی وی از شخصـیت خود است. وجود یا عـدم عزت نفس افراد در جلوه ها و رفتارهایی تبلور می یابد.

برخورداری از روح آرمـان خواهانه، اعتماد به نفس، خوداتکایی و اسـتقلال، قاطعیت و صـلابت، اراده پولادین، صبر و پایـداری در برابر هواهای نفسانی و تمایلات سـرکش، مقاومت در برابر جاذبه های فریبنده، اسـتواری در برابر مشـکلات و مصائب، تسلیم نشدن در مقابل ظلم و بیداد دیگران و... بخشی از نمودهای بازر این خصیصه با معیارهای اخلاق دینی است. بی شک، وجود این خصیصه بـا نمودهـا و جلوه هـای کمـالی آن در صورتی که به مشـابه یکی از بازتـاب های ایمان و اعتقاد عمیق و روشن بینانه به خلق و منش جمعی مؤمنـان تبـدیل شود، آثـار بسـیار مهمی در حیـات اجتمـاعی آنهـا به دنبال خواهـد داشت. تفسـیر نمونه در بیانی تکمیلی می نویسد:

حقیقت عزت در درجه نخست قـدرتی است که در دل و جـان انسـان ظـاهر می شـود و او را به خضوع و سـازش در برابر طاغیـان و یاغیان باز می دارد. قدرتی که با داشتن آن هرگز اسیر شهوات نمی شود و در برابر هوا و هوس سر فرود نمی آورد. قدرتی که او را به مرحله نفوذناپـذیری در برابر زر و زور ارتقـا می دهـد. این قـدرت جز از ایمان به خـدا یعنی ارتباط با منبع اصـلی قـدرت و عزت سرچشـمه نمی گیرد. این در مرحله فکر و عقیـده و روح و جـان، امـا در مرحله عمل، عزت از اعمالی سرچشـمه می گیرد که دارای ریشه صحیح و برنامه و روش حساب شده باشد و به تعبیر دیگر، آن را در عمل صالح

ص: ۶۳

می توان خلاصه کرد. این دو است که به انسان سربلندی و عظمت می دهد و به او عزت و شکست ناپذیری می بخشد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۱: ج۱۸: ۱۹۳) استقلال، خوداعتمادی، خودباوری، ظلم ستیزی، و التزام به ارزش های اخلاقی، برخی دیگر از نمودهای عزتمندی است که در منابع دینی بدان اشاره شده است. بی شک، شکوفایی ظرفیت های فرهنگی و بازخوانی و اصلاح فرهنگ موجود و نیز تحقق اقتصاد مقاومتی، در پرتو روح عزت خواهی و اقتدارجویی مؤمنان، امکان وقوعی تحقق بیشتری خواهد داشت.

عزم ملی

عزم ملی

یکی دیگر از مؤلفه های شعار سال «عزم ملی» است که به عنوان یک عنصر فرهنگی اجتماعی در فرض تمهید سایر امکانات و ملزومات، زمینه ساز پیشرفت فرهنگ و تحقق اقتصاد مقاومتی خواهد بود. تردیدی نیست که وقوع هر نوع تحول اجتماعی مهم، جز با کمک و همراهی و همیاری آحاد جامعه یا اکثریت غیر ممکن خواهد بود.

عزم ملی به صورت بسیج توده ای و مشارکت حداکثری برای حضور در عرصه های خاص عموم به هنگام ضرورت و فراخوان عمومی در قالب برخی اقدامات جمعی تبلور و تجلی می یابد. خلق این رویداد اجتماعی، اگرچه در گذشته و در جامعه سنتی به دلیل کمی جمعیت، پیوندهای خویشاوندی، وحدت و اشتراک فرهنگی بالا یا به تعبیر «دورکیم» جامعه شناس فرانسوی، برخورداری از همبستگی مکانیکی، شدت و غلظت وجدان جمعی (تعلق خاطر شدید به اشتراکات اعتقادی

ص: ۶۴

و ارزشی)، وجود منافع مشترک، فقدان یا کمبود تضادها و تعارضات اجتماعی، نفوذ و اقتدار شخصیت های مهم و الگویی، فشار اجتماعی، پرهزینه بودن مخالفت با اراده و خواست جمعی، به راحتی ممکن و میسر بود و در مقایسه با جامعه مدرن امکان وقوعی بیشتری داشت، اما در جامعه مدرن به دلیل کثرت و تنوع جمعیت، تکثرگرایی فرهنگی، تعدد و تنوع سبک ها و رویه های زیستی، ضعف وجدان جمعی، تنوع ناشی از تقسیم کار اجتماعی، تعدد اقشار و طبقات، تفکیک ساختاری، غلبه فردگرایی، وجود انواع خاص گرایی، وجود اجتناب ناپذیر درجاتی از تعارض و اصطلاک منافع، ضعف احساس تعلق جمعی و...، امکان وقوعی محدود یافته است. در این نوع جوامع، معمولاًـ رسانه های جمعی (در صورت وحدت رویه) و رهبران موجه و صاحب نفوذ، مهم ترین عوامل مؤثر در بسیج عمومی شمرده می شوند.

در جامعه اسلامی ایرانی، برخلاف تجربه درجاتی از مدرنسیم و روند رو به رشد صنعتی شدن، خوشبختانه به دلیل بقایا و رسوبات جامعه سنتی، بافت مذهبی، اشتراک در بینش ها و ارزش های دینی در شعاع اعتقاد بیشتر مردم به اسلام، نفوذ روحانیت به ویژه مراجع تقلید، تجربه مشارکت مداوم در مناسک جمعی دینی همچون هیئت های عزاداری، نماز جماعت و جمعه، حج؛ تعلقات تاریخی و سرزمینی، مؤلفه های وحدت آفرین ناشی از پدیده دولت ملت (همچون سرزمین مشترک با مرزها و نقشه جغرافیایی مشخص)، دولت و حاکمیت متمرکز، قانون اساسی واحد، پرچم و سرود ملی واحد، زبان فارسی، واحد پول مشترک، آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی مشترک، اعتبار و جایگاه جهانی و...)، انقلاب اسلامی و مقبولیت حداکثری آن برای آحاد مردم،

ص: ۶۵

رهبری دینی و ولا-یی (به ویژه بـا محوریت شخصـیت هـای الگویی و دوران ساز همچون امام خمینی ره)، تجربه عینی مکرر برکات ناشـی از مشارکت جمعی در عرصه ها و صحنه های سیاسـی و اجتماعی مختلف بعد از انقلاب همچون: شـرکت در راه پیمایی ها، انتخابات، جنگ؛ آگاهی و شـعور ملی بسـیار بالا، احساس وظیفه و تعهد جمعی برای مشارکت در فرآیند پیشـرفت و توسعه کشور، وجود دشـمن یـا دشـمنان مشترک و...؛ اسـتعداد بسـیار بالا-یی برای اجـابت دعوت رهبران خود به ابراز عزم ملی و مشارکت جمعی هنگـام ضـرورت و نیـاز و به اقتضـای نوع فراخوان دارد. بـدیهی است که نمـاد مردم محوری تحولاـت ترسـیمی در حوزه فرهنگ و اقتصاد، مشارکت متعهدانه و مسئولانه جمعی آنان خواهد بود.

مدیریت جهادی

مدیریت جهادی

یکی دیگر از مؤلفه های شـعار سال رهبری «مـدیریت جهادی» است. مـدیریت جهادی مرکب از دو واژه «مـدیریت» و «جهاد» است. مدیریت در تلقی علوم اجتماعی بر فرآیند تنظیم و اجرای خط مشـی شـغلی یا صـنعتی از طریق فعالیت های وظیفه ای (فونکسـیونل) همچون پیش بینی، برنـامه ریزی، سازمـان دهی، هـدایت یـا فرمانـدهی، هماهنگ سازی، کنترل و کارگزینی دلالت دارد. مـدیریت سلسله مراتبی است یکپـارچه متشـکل از افرادی بـا وظـایفی متنوع که فعالیت هایشان برای دست یابی به هـدف های خاص آن باید هماهنـگ شود. برخی نیز با تلقی مـدیریت به عنوان نوعی هنر، آن را اینگونه تعریف کرده انـد: هنر مـدیریت عبارتست از هـدایت، ایجـاد همـاهنگی و نظارت تعـداد زیادی از افراد برای نیل به هـدف یا مقصودی معین. و به بیان دیگر، مـدیریت هنری ظریف اسـت زیرا که

ص: ۶۶

ترکیب نیکویی از استعدادهای خاص را به خدمت می گیرد تا از نتیجه همکاری جمعی که لازمه راه بردن زندگی متمدن امروزی است، اثری بدیع بیافرینند. (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۶۳ ۷۶۶)

واژه «جهاد» نیز در ترکیب وصفی مدیریت جهادی، دیر آشنا در ادبیات دینی است. جهاد در ادبیات دینی عمدتاً در سه معنای خودسازی، تهذیب و تزکیه نفس (موسوم به جهاد اکبر) و مبارزه قهرآمیز با انحراف و منحرفان، ظلم ها و ظالمان، و با مانع تراشان و بازدارندگان از انتشار حق (موسوم به جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی) به کار رفته است، اما به اقتضای ظرفیت معنایی، به هرکاری که انجام دادن آن مستلزم تلاش و تکاپوی مستمر و خستگی ناپذیر و جد و جهد فوق عادت باشد، نیز اطلاق شده است. از دید اهل لغت، جهاد از ماده جهد یعنی بذل توان و سعی بلیغ تا بالاترین حد ممکن در راه نیل به هدف است. جهاد گاه با مال، گاه با جسم و اعضای بدن وگاه با فکر و اندیشه، گاه در راه خدا و گاه در مسیر اغراض شخصی صورت می گیرد. (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج۲: ۱۵۰) به بیان برخی مفسران: جهاد، بذل جهد و کوشش در دفع دشمن است و بیشتر بر مدافعه به جنگ اطلاق می شود؛ و گاه به طور مجاز توسعه داده می شود به طوری که شامل دفع هر چیزی می شود که ممکن است شری به آدمی برساند، مانند شیطان که آدمی را گمراه می سازد و نفس اماره که آن نیز آدمی را به بدی ها امر می کند و امثال اینها. گاه جهاد در معنای اعم به کار می رود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج۱۴: ۵۸۲) مقام معظم رهبری نیز در بیان شرط صحت اطلاق این واژه بر فعالیت های جاری می فرماید:

هر تلاشی را نمی توان گفت جهاد. در جهاد حضور و رویارویی با دشمن مفروض است، انسان یک تلاشی می کند[در

ص: ۶۷

حالی که] دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می خواهید یک تلاشی را انجام دهید که به خصوص یک دشمنی، سینه به سینه شما ایستاده است، این می شود جهاد. (۸/۱/۱۳۹۰)

وی همچنین در بسط معنایی این واژه اضافه می کند: «وقتی انسان برای اعلای کلمه حق، اعلای کلمه اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می کند، این جهاد می شود جهاد فی سبیل الله. آن وقت در این کوشش، برکات و عظمت و شان جهاد فی سبیل الله وجود دارد». (۸/۱/۹۰)

مدیریت جهادی یا مدیریت برخاسته از فرهنگ جهادی با رویکرد ارزشی و دینی غالباً با ویژگی هایی همچون مدیریت مبتنی بر ایمان و اعتقاد مذهبی (خدامحوری، فرجام باوری و ولایت مداری)، اخلاص و توکل، تکلیف مداری، قانون گرایی، تعهدمندی و مسئولیت پذیری، ترجیح ارزش های معنوی بر ارزش های مادی، تلاش و جدیت درخور (وجدان کاری بالا)، خودباوری و اعتماد به نفس، خلاقیت مستمر، ایثار و از خود گذشتگی، شجاعت و جسارت معقول، انعطاف پذیری، تجربه اندوزی و عبرت آموزی، بهره گیری از خرد جمع، واقع گرایی در عین آرمان گرایی، اعتدال و میانه روی، ساختارشکنی هنگام لزوم، خودنظارتی و خودکنترلی (علاوه بر نظارت های سیستمی و برون فردی) و... توصیف می شود. با رویکرد مدیریتی (علم مدیریت) نیز بر ویژگی هایی با هدف افزایش کارایی سازمان در تحقق اهداف منظور تأکید شده است که غالباً با ویژگی های فوق، اشتراک مضمونی دارند. عمده ترین این ویژگی ها بدون رعایت ترتیب عبارتند از: داشتن نقشه راه

ص: ۶۸

در قالب تدوین راهبردها، راه کارها و برنامه های عملی سازمان؛ تعیین اهداف، فرآیندها و مأموریت های بخش های مختلف سازمان؛ مشخص ساختن وظایف، مسئولیت ها و اختیارات موقعیت های مختلف در سازمان؛ هدایت کارکنان در مسیر اهداف، توانمندسازی کارکنان و غنی سازی مشاغل، ارتقای شغلی ضابطه مند کارکنان، افزایش تعلق سازمانی درکارکنان، تقویت روحیه ها و انگیزه ها، افزایش اعتماد، صمیمیت و صداقت؛ اهتمام به ایمنی و سلامت کارکنان در محیط کار، تخصیص حقوق و امتیازات متناسب، ایجاد و احراز رضایت شغلی کارکنان، ایجاد موقعیت های مناسب برای ارتقای شغلی کارکنان، تدوین واعمال نظام تشویق و تنبیه موجه، دخالت ایده ها و نظرات کارکنان در تصمیم سازی ها و بهره گیری از خرد جمعی در بهبود و پیشبرد امور سازمان، تفویض اختیار به کارکنان در سطوح مختلف، ایجاد زمینه برای دسترسی آسان کارکنان به مدیران، کاهش فشار و تنش در محیط کار، بهینه سازی فرآیندها و روش های انجام کار، بهینه سازی اطلاعات، دانش و مهارت های شغلی؛ سرمایه گذاری در جذب و تربیت نیروهای متخصص متناسب با زمینه های شغلی در حوزه های صفی و ستادی؛ تعیین اولویت های ثابت و متغیر، شناسایی قوّت و ضعف های موجود در سازمان، شناسایی فرصت ها و تهدیدهای مؤثر بر عملکرد سازمان، شناسایی موانع دست یابی به اهداف و تمهید راه های برون رفت از آن، تعیین معیار برای چگونگی اندازه گیری فرآیندهای رسیدن به این اهداف در هر مرحله، تعیین سطح دانش، مهارت و آگاهی مورد نیاز برای رسیدن به این اهداف؛ برآورد واقع بینانه ظرفیت ها و امکانات موجود برای رسیدن به اهداف راهبردی سازمان، حذف یا ارتقای نیروهای

ص: ۶۹

ضعیف، تعیین ویژگی های مطلوب منابع انسانی متناسب با موقعیت ها و نقش های محول؛ حذف امور تشریفاتی و بوروکراسی های زاید، کارآفرینی مستمر، مهار حداکثری تضادها و کشمکش های داخلی، جابه جایی و چرخش شغلی کارکنان، هدایت عملکردهای جمعی در مسیر تحقق استراتژی های سازمان، تقویت ظرفیت های خلاق برای تولید ایده های راهبردی و عملیاتی، کنترل و کاهش هزینه ها و ایجاد ارزش افزوده، تقویت مستمر فرهنگ سازمانی با جهت گیری ارزشی و اخلاق حرفه ای، افزایش مزیت های رقابتی، زمینه سازی جهت شکوفایی استعدادها، تمهید سازوکارهای لازم جهت ارزیابی عملکردها و مسیرهای شغلی، تعیین خطوط ارتباطی در هرم سازمانی، توانمندی در مدیریت و داشتن درک مدیریتی، آشنایی با اصول و مبانی برنامه ریزی راهبردی، تلاش درجهت ایجاد زبان مشترک و تعاریف بین الاذهانی از مفاهیم جاری میان مدیران و کارکنان، کنترل و نظارت بر چرخه ورود و دریافت داده ها و اطلاعات مورد نیاز نظام برنامه ریزی، تمهید سازوکارهای ممیزی جهت ارزیابی وضعیت های متغیر سازمان، شناسایی و تحلیل عوامل و فشارهای محیطی بر روی سازمان، اندازه گیری و سنجش مستمر میزان تحقق اهداف ترسیمی، برآورد مستمر منابع مالی، فیزیکی، اطلاعاتی و انسانی؛ شناسایی و تشخیص به هنگام اوضاع و احوال بازار کار و خدمات و سایر عوامل برون و درون سازمانی مؤثر بر نحوه عملکرد سازمان، تمهید سازوکارهای لازم برای انتقال تجربیات میان نسلی در چرخه کارکنان سازمان. (در منابع مدیریتی از این ویژگی غالباً تحت عنوان عوامل مؤثر در توانمندی و بهینه سازی عوامل انسانی یاد می شود. (نک: حبیبی، ۱۳۸۹؛ قاسمی، ۱۳۸۲؛ اسکاف و ژاف، ۱۳۸۳: ۵۹؛ اسمیت، ۱۳۸۱: ۱۷ و

ص: ۷۰

۹۲؛ دسلر، ۱۳۸۴: ۵۶، ۶۱، ۱۰۳، ۱۱۳ و ۱۱۹؛ آرمسترانگ، ۱۳۸۱: ۴۷؛ فرآر، ۱۳۸۴: ۱۰۳؛ سیدجوادین، ۱۳۸۲: ۶۸؛ طوسی، ۱۳۸۰: ۴۵و ۴۹؛ نائلی، ۱۳۸۱: ۶۲ و ۱۱۰)

لازم به ذکر است که مدیریت جهادی در سطح کلان و با گستره ملی و کشوری، علاوه بر لزوم اعمال این نوع مدیریت با اقتضائات ویژه در حوزه های خرد و بخشی (نهادها و سازمان های مختلف)، به آرایش جهادی همه دستگاه های اجرایی، تقنینی، قضایی، سازمان های مردم نهاد، بخش های غیر انتفاعی و خصوصی، و به طورکلی همه ظرفیت های سازمانی فعال کشور در راستای تأمین اهداف راهبردی همچون پیشرفت فرهنگی و اقتصاد مقاومتی، نیازمند خواهد بود. وظیفه ای که تنها یک حاکمیت و دولت مقتدر و مقبول به انجام آن قادر خواهد بود.

ص: ۷۱

فصل سوم: اقتصاد مقاومتی؛ چیستی، ملزومات و موانع تحقق آن

مقدمه

ص: ۷۲

ص: ۷۳

مقدمه

همـان گونه که در بخش مفـاهیم بیـان شـد، عمـده مبـاحث طرح شـده درباره اقتصاد مقاومتی در چنـد سال اخیر در کشور، به دلیل فقدان پیشـینه در ادبیات رایج علمی، مستقیم و غیر مستقیم به فرمایشات مقام معظم رهبری و توضیح و تفسیر آنها ارجاع دارد. ازاین رو، این بخش را نیز با محوریت دیدگاه ها و مواضع ایشان و مباحث تکمیلی اهل نظر(۱) پی می گیریم.

رهبری معظم در تعریف اقتصاد مقاومتی می فرماید:

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشـیم که هم رونـد رو به رشـد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسـیب پـذیری اش کـاهش پیـدا کنـد؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشـد که در برابر ترفنـدهای دشـمنان که همیشگی و به شکل های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. (۲/۶/۱۳۹۱)

۱- در نگـارش این بخش از مقالاـت و مصـاحبه های اساتیـد برجسـته اقتصاد آقایان: عادل پیغامی، حسـین راغفر، مسـعود درخشان، حجت الاسـلام غلامرضا مصباحی مقدم، ابراهیم رزاقی، مهدی زریباف، محمدجواد ایروانی و حسین عبداللهی، به قدر وسع خویش بهره بردم. (در پایگاه تحلیلی تبیینی برهان، پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد مقاومتی، بازیابی در: ۵/۱/۱۳۹۳)

ص: ۷۴

بر این اساس، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد: ۱. در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن، مقاوم است و کمتر آسیب می بیند؛ ۲. تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می کند. اقتصاد مقاومتی، نوعی اقتصاد اسلامی یا یک نوع مکمل اقتضایی از اقتصاد اسلامی است؛ اقتصادی که ریشه در جهان بینی توحیدی ریشه دارد و مقوله های مادی و معنوی زندگی را در قالب یک الگوی منسجم و به صورت در هم آمیخته و هدفمند متناسب با اهداف و آرمان های اسلامی و اقتضائات و مصالح جمعی حیات اجتماعی مؤمنان در شرایط خاص، تعقیب می کند. به بیان دیگر، اقتصاد مقاومتی تعبیر دیگری از اقتصاد عدالت محور و اقتصاد جهادی است. این اقتصاد نه یک الگوی واحد و منحصر به فرد که به تناسب زمان می تواند تاکتیک ها، مدل ها و اشکال متنوعی پیدا کند، اگر چه مبانی آن، در هر حال باید با آموزه های بنیادین اسلام منطبق باشد. ازاین رو، اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راه کارهایی است که برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت در همه زمینه های اقتصادی به کار گرفته می شود.

از دید برخی اقتصاددانان، اقتصاد مقاومتی نه تاسیس یک «اقتصاد موازی» (= ایجاد نهادی موازی و مکمل نهادهای اقتصاد موجود کشور)؛ نه یک «اقتصاد ترمیمی» برای «مقاوم سازی»، «آسیب زدایی»، «خلل گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی؛ و نه یک اقتصاد دفاعی متناسب با راهبرد مقاومت و ایجاد سپر دفاعی در مقابل هجمه ها و فشارهای اقتصادی دشمن (یعنی اقدامی صرفاً پدافندی و بازدارنده)؛ بلکه بیشتر یک «اقتصاد الگویی و ایده آل»، دارای رویکردی ایجابی و دوراندیشانه، الهام بخش و کارآمد وزمینه ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی خواهد بود.

ص: ۷۵

اقتصـاد مقـاومتی برخلاـف تلقی برخی، اقتصـاد ریـاضتی نیست؛ زیرا اقتصـاد ریـاضتی مجمـوعه تـدابیری است که دولت هـا هنگـام مواجهه بـا کـاهش هزینه ها، رفع کسـری بودجه، مهار بحران اقتصادی، شـیب تنـد سـقوط شاخص های اقتصادی با توسل به افزایش میزان مالیـات، کـاهش یـا حـذف ارائه برخی خـدمات و مزایـای عمومی، صـرفه جویی در مخـارج جاری کشور، کاهش هزینه های رفاهی، تعـدیل کارمنـدان در بخش های دولتی، افزایش دریافت وام و کمک های مالی خارجی به کار می گیرنـد. هدف از اجرای طرح های ریاضت اقتصادی بازگرداندن اعتماد از دست رفته، بهبود وضعیت مالی و توانمند ساختن کشور برای بازیابی در یک بازه طولانی مدت است.

بنـابراین، در الگوی اقتصـاد مقـاومتی، اگر چه ممکن است در برخی شـرایط به سـیاست هـای ریاضتی توسل جسـته شود، اما اقتصاد مقاومتی، ذاتاً یک اقتصاد ریاضتی نیست.

اهداف اقتصاد مقاومتی

اهداف اقتصاد مقاومتی

اقتصـاد مقـاومتی به منظور تـأمین اهـداف و اغراضـی طراحی شـده که به برخی از آنهـا در بیانات رهبری (۸/۵/۱۳۹۱و ۱۸/۷/۱۳۹۱) اشاره شده است. عمده اهداف ذکر شده از این قرارند:

۱. ایجاد مقاومت اقتصادی در برابر فشارها، تهدید ها و تحریم های اقتصادی دشمن؛

۲. مقاومت در برابر تکانه های اقتصادی دنیا که گاه بر سایر اقتصادها سرریز می شود؛

۳. تضمین رشد اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی دشمن؛

ص: ۷۶

۴. مقاومت در برابر بلایای طبیعی؛

۵. ایجاد تحرک اقتصادی و بهبود شاخص های کلان (از قبیل رشـد اقتصادی، تولید ملی، اشـتغال، کاهش تورم، افزایش بهره وری، رفاه عمومی و عدالت اجتماعی)؛

۶. حل مشکلات مردم به ویژه اقشار محروم و آسیب پذیر جامعه؛

۷. امکان یابی بیشتر برای استفاده بیشتر مردم از ظرفیت های داخلی؛

۸. خودکفایی، استقلال و امنیت اقتصادی به ویژه در بخش اقلام راهبردی و کالاهای راهبردی نظیر غذا و دارو؛

۹. تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد.

شرایط و الزامات اقتصاد مقاومتی

شرایط و الزامات اقتصاد مقاومتی

تحقق الگوی اقتصادی مقاومتی، در وضعیت موجود کشور، شرایط و الزاماتی دارد که رهبری معظم در بیانات خود به بخشی از آنها اشاره کردند:

۱. استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی؛

۲. مردمی کردن اقتصاد؛

۳. تحول در شرایط اقتصادی از طریق اجرای سیاست های اصل ۴۴؛

۴. توانمند سازی بخش خصوصی؛

۵. کاهش وابستگی به نفت؛

۶. جای گزینی درآمدهای نفتی با در آمدهای غیر نفتی؛

۷. بنیان گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور؛

ص: ۷۷

۸. حمایت از تولید ملی؛

۹. فعال کردن واحدهای تولیدی کوچک و متوسط؛

۱۰. تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جای گزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی؛

۱۱. مبارزه با مفاسد اقتصادی؛

۱۲. مدیریت درست منابع ارزی؛

۱۳. مدیریت مصرف و فرهنگ سازی برای جلوگیری از اسراف؛

۱۴. استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات؛

۱۵. حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم های خلق الساعه و تغییر مکرر مقررات؛

۱۶. صیانت از وحدت و همبستگی ملی. (۳/۵/۱۳۹۱ و ۸/۵/۱۳۹۱)

کارشناسان اقتصادی نیز در بیانات توضیحی و تکمیلی خود به شرایط و الزامات دیگری اشاره کرده اند که در ادامه به برخی از مهم ترین آنها پرداخته شده است. این الزامات در یک دسته بندی کلی به الزامات فرهنگی، الزامات فرهنگی اجتماعی و الزامات اقتصادی اجتماعی تقسیم می شوند. در ادامه به نمونه ها و مصادیقی از از این الزامات، اشاره شده است:

الزامات فرهنگی

الزامات فرهنگی

۱. تلاش در جهت پالایش فرهنگ عمومی از عقاید و باورهای شبه مذهبی، خرافی، اسطوره ای، عادت واره های کلیشه ای و مبتنی بر مبانی مبهم و غیر ناهمسو با توسعه و یا ضد توسعه؛

۲. تقویت فرهنگ احترام به کار و افزایش وجدان کاری؛

ص: ۷۸

۳. ارزشمند تلقی کردن ثروت اندوزی و رفاه جویی با هدف ارزشی به عنوان وسیله ای برای کسب سعادت؛

۴. تقویت روح تعالی جویی و تکامل طلبی؛

۵. تقویت نظام انگیزشی افراد جهت مشارکت فعال در فرآیند سازندگی؛

۶. تقویت خودباوری، اعتماد به نفس، آرمان خواهی، استقلال طلبی، ایثارگری در راه پیشرفت کشور، نظم پذیری، خطرپذیری، رقابت جویی مثبت، جمع گرایی و روحیات جمعی، ترجیح مصالح جمعی بر منافع فردی، احساس غرور ملی، فقرستیزی، رفاه خواهی معقول و معتدل، اغتنام فرصت ها، امید و توکل به خداوند، آینده نگری، و متقابلاً دوری کردن از ارزش ها، خلقیات و رفتارهای منفی همچون: رخوت و تنبلی، تن آسایی، عافیت طلبی، انفعال، مصرف زدگی، تجمل گرایی، عافیت طلبی، صوفی منشی، ولنگاری، بی نظمی، اسراف و تبذیر، تک روی، خودمحوری، سلیقه ورزی، فرصت سوزی، تقدیرگرایی بی مبنا.

حوزه علم و تحقیقات:

۱. اصلاح نظام آموزشی کشور شامل آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی؛

۲. تقویت و اصلاح سازوکارهای آموزش و پرورش غیر رسمی؛

۳. تقویت بنیادهای معنوی و معنویت گرایی؛

۴. اهتمام به رشد علوم پایه، اهتمام به رشد و تقویت دانش ها و مطالعات کاربردی، ایجاد زمینه های لازم جهت پرورش جنبه های عقلانی، احساسی و رفتاری متناسب و متوازن در افراد؛

۵. پرورش و شکوفایی استعدادهای درخشان، سرمایه گذاری در

ص: ۷۹

جهت رشد ضریب خلاقیت و نوآوری به ویژه در نوجوانان و جوانان کشور، تقویت و غلبه نگرش علمی؛

۶. اصلاح نظام پژوهشی، سرمایه گذاری در جهت انجام مطالعات و پژوهش های بومی و خلق دیدگاه ها و نظریه های کاربردی؛

۷. اخذ وجذب دانش های جدید و به روزرسانی دانش عمومی و تخصصی، امکان دهی به گردش اطلاعات به صورت افقی و عمودی در جامعه، اعتباربخشی اکید به جنبه های تخصصی و کاربردی دانش ها و ظرفیت های وجودی فعلیت یافته و بالقوه فارغ التحصیلان به جای توجه به سطح تحصیل و نوع مدرک؛

۸. تقدس زدایی از فکر و اندیشه و دیدگاه های صرفا علمی و تجربی؛

۹. تحلیل امور بر اساس مبانی پذیرفته شده، سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت امور بر اساس اصول و قواعد اطمینان بخش؛

۱۰. تمهید مقدمات برای ذخیره سازی، پردازش و چرخش مستمر اطلاعات، کاهش فاصله و تقویت ارتباط میان مراکز علمی و پژوهشی با عرصه های کاربری مطالعات و تحقیقات، ارزیابی و برآورد واقع بینانه امکانات، ظرفیت ها و محدودیت های محیطی و فرهنگی کشور در پرتو مطالعات منسجم علمی؛

۱۱. تقویت عقلانیت به ویژه عقلانیت ابزاری و عملی و بهره گیری از آن در حوزه هایی که مرجعیت این نوع عقلانیت در آن پذیرفته شده و کارایی دارد؛

۱۲. اهتمام به یافته های تجربی در مقام برنامه ریزی و سیاست گذاری یا اصلاح رویه ها، برنامه ریزی در جهت ایجاد سازگاری بیشتر میان رشته و سطح تحصیلی افراد با حوزه های اشتغال آنها؛

ص: ۸۰

۱۳. ایجاد تحول در حوزه «گفتمان نخبگانی اقتصادی» برای اصلاح تئوری ها و دیدگاه های ناهمخوان با نیازها و فرآیند توسعه کشور؛

۱۴. آشنایی هر چه بیشتر با نظامات، تحولات و بحران های جهانی و آثار فرهنگی و اقتصادی آن؛

۱۵. جدی گرفتن مطالعات آینده پژوهی معطوف به روند های جهانی با محوریت حوزه اقتصاد؛

۱۶. شناسایی مهمترین، پر بازده ترین و مؤثرترین حوزه ها در خلق ارزش افزوده در بین حوزه های اقتصادی مختلف برای رسیدن به آینده اقتصادی و صنعتی کشور و... .

الزامات فرهنگی اجتماعی

الزامات فرهنگی اجتماعی

۱. ایجاد سامانه ای پویا، هوشمند و متمرکز برای تجمیع فعالیت های علمی و پژوهشی انجام شده و در حال انجام در عرصه اقتصاد مقاومتی، هدایت و راهبری فعالیت های این حوزه، ایجاد زمینه برای ایده پردازی و نظریه پردازی، شناسایی زمینه ها و موانع تحقق این الگو، برآورد واقع بینانه از وضعیت موجود و میزان مقاومت و آسیب پذیری اقتصاد کشور در مقابل فشارها و حملات اقتصادی دشمن، تهیه و تدوین سیاست های اجرایی چند مرحله ای، بازخوردگیری از نتایج سیاست های اجرا شده، اطلاع رسانی مستمر به جامعه و مراکز علمی، شناسایی و آموزش نیروهای مستعد و مناسب برای فعالیت علمی و عملیاتی در این عرصه و...؛

۲. رصد و دیده بانی فضای اقتصادی داخلی و بین المللی و نیز گردآوری آمارهای دقیق و روزآمد؛

ص: ۸۱

۳. تلاش در جهت طراحی یک الگوی مناسب از سبک زندگی متناسب با فرهنگ دینی و اقتصاد مقاومتی؛

۴. بازبینی و بازسازی نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی کشور متناسب با اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن؛

۵. اقدامات لازم جهت تبدیل ضرورت رشد و شکوفایی اقتصادی به یکی از مؤلفه های هویتی ایرانی اسلامی، تبدیل موضوع اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه ها، حوزه های علمیه، مراکز علمی و پژوهشی و مجامع و محافل مذهبی؛

۶. تحرک دستگاه دیپلماسی کشور برای فعال کردن ظرفیت های بالقوه و فرصت های جهانی در چارچوب اقتصاد مقاومتی؛

۷. ایجاد تقسیم کار تخصصی در مراکز مختلف مطالعاتی و پژوهشی و تعیین وظایف همه گروه ها متناسب با سطح توانمندی، نوع رشته و نحوه مشارکت؛

۸. مشارکت دادن همه دستگاه های اقتصادی و غیر اقتصادی کشور، متناسب با نیازها و ضرورت های تحول اقتصادی؛

۹. تلاش همه جانبه در جهت اعمال اصلاحات فرهنگی و تغییر باورها و نگرش های ناهمسو در مردم و مسئولان، تلاش در جهت ایجاد تحول در حوزه ادراکی مردم و افزایش شناخت آنها نسبت به مسائل اقتصادی، آموزش همگانی سواد اقتصادی مورد نیاز برای درک و فهم پیام های رهبری در این خصوص؛

۱۰. فعال سازی نهادهای اقتصادی مردمی و سازمان های مردم نهاد و به طور کلی برجسته سازی نقش مردم؛

۱۱. حرکت بر اساس برنامه و راهبردهای مشخص و پرهیز اکید از تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقرارت؛

ص: ۸۲

۱۲. بهره گیری بیشتر از ظرفیت کارشناسان و خبرگان اقتصادی در حوزه های مختلف، حرمت نهادن به کارگران و جهادگران عرصه های فعالیت و سازندگی؛

۱۳. بازبینی، تنقیح و اصلاح قوانین موجود و تدوین قوانین جدید متناسب با تحولات مورد انتظار؛

۱۴. تلقی تحریم ها به عنوان نوعی فرصت؛

۱۵. ایجاد تحول در سطوح مختلف مدیریتی (مدیران عالی، میانی و عملیاتی)؛

۱۶. حمایت از ایده پردازی، نوآوری و خلاقیت، ایجاد زمینه برای تبادل اطلاعات میان دست اندرکاران و مجریان بخش های مختلف اقتصادی؛

۱۷. حفظ و تقویت سرمایه های اجتماعی و فرهنگی: خودباوری، اعتماد به دولت و عملکردهای آن، تکیه بر سرمایه های داخلی، روحیه جهادی در میان مردم و مسئولان، احساس بی نیازی از بیگانگان، تقویت اعتماد به نفس ملی و روحیه جهادی و ایثارگری متناسب با عرصه اقتصادی؛

۱۸. تقویت روحیه شکرگزاری عملی (به معنی استفاده درست و معقول از امکانات)، تقویت فرهنگ کار و تلاش جدی، عبادی تلقی کردن فعالیت اقتصادی، تقویت روح وظیفه شناسی دینی در جهت آبادانی زمین، ایجاد زمینه و بستر فرهنگی اجتماعی مناسب برای افزایش میزان وجدان کار، انضباط اجتماعی، خلاقیت و ابتکار، پاکیزه کاری و درست کاری، زهدورزی و قناعت پیشگی، صرفه جویی و پس انداز، تلاش در جهت پالایش و اصلاح باورها، نگرش ها و ذهنیات بازدارنده یا کندکننده روند توسعه، تقویت زمینه های فرهنگی اجتماعی تکافل و

ص: ۸۳

مسئولیت متقابل اعضای جامعه نسبت به یکدیگرو...؛ ارزش گذاری مشوقانه برای تولید ثروت توسط آحاد مختلف جامعه به غیر از مجاری دلالی و واسطه گری، ایجاد نشاط و شادابی برای کار و تلاش اقتصادی و امنیت روانی و اجتماعی مورد نیاز در این بخش؛

۱۹. اصلاح الگوی مصرف: از طریق ترویج فرهنگ صرفه جویی، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز ازهزینه کَردهای زائد، ارتقای کمی و کیفی تولیدات داخلی برای ایجاد انگیزه بیشتر در مصرف کنندگان، کنترل واردات، تدوین ومعرفی الگوی مصرف بهینه، تشویق به مصرف کالاهای تولید داخل؛

۲۰. تمهید زمینه جهت رفع ابهامات فقهی موجود در برخی عرصه های فعالیت اقتصادی؛

۲۱. تقویت راه کارهای حفظ اتحاد و انسجام ملی، مصونیت دادن به افکار عمومی از درگیرشدن با مسائل حاشیه ای؛

۲۲. سرمایه گذاری در تربیت نیروی متخصص متناسب با سطح نیاز در بخش های مختلف به ویژه صنایع مادر مثل نفت، گاز و پتروشیمی و کاهش وابستگی به خارج؛

۲۳. جدی گرفتن آموزش های ضمن خدمت برای بروز رسانی اطلاعات کارکنان و فعالان اقتصادی، ارتقای خلاقیت و کارآفرینی، تثبیت حقوق مالکیت تولیدکنندگان فرآورده های فرهنگی (کپی رایت) و...؛

الزامات اقتصادی اجتماعی

الزامات اقتصادی اجتماعی

۱. کوچک سازی حجم دولت و کاهش هزینه ها، کاهش میزان تصدی گری دولت در اقتصاد، حمایت قاطع و نهادی شده دولت از فعالان

ص: ۸۴

اقتصادی در بخش های مختلف، افزایش ضریب اطمینان و امنیت برای فعالان اقتصادی؛

۲. تکیه برظرفیت هـای داخلی اعم از ظرفیت هـای علمی، انسـانی، مـالی، طبیعی، جغرافیـایی و اقلیمی و کاهش وابسـتگی به خارج، مردم محوری (حمایت از فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه داخلی) اقدامات بایسته در جهت مشارکت هر چه بیشتر مردم در چرخه فعالیت های اقتصادی از طریق تقویت بخش خصوصـی و تعاونی و اجرایی شـدن اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست های ابلاغی آن؛

۳. ایجاد نظام بوروکراتیک کارآمد، نظام سـیاست گذاری و برنامه ریزی مدبرانه و اسـتفاده بیشتر از اندیشه و تفکر جمعی در اتخاذ راهبردها؛

۴. افزایش مزیت های رقابتی در اقتصاد ملی؛

۵. استفاده از تجارب اقتصادی دیگر کشورها در زمینه های مشابه؛

۶. تقویت سازوکارهای اشتغال مولد و پایدار؛

۷. برداشتن گام های اساسی در جهت گسترش عدالت اقتصادی و رفع تبعیض؛

۸. ضابطه مندسازی و اصلاح نظام مالکیت فردی و جمعی؛

۹. سـرمایه گـذاری جدی در جهت رونق دادن به اقتصاد دانش بنیاد و تولید ثروت از طریق علم و صـنایع با فن آوری بالا مثل نانو و لیزر و هسـته ای، راه اندازی بورس ایده و بازار دارایی های فکری در جهت ارتقا نقش شـرکت های دانش بنیان و پیوند دانشـگاه و صنعت؛

۱۰. اهتمـام به اجرایی شـدن سـریع پروژه دولت الکترونیک و تأمین ملزومات فرهنگی، فنی و تکنولوژیکی آن؛ تمهیـد نرم افزارهای متناسب مثل تدوین قوانین و آیین نامه های مورد نیاز، حذف قوانین و

ص: ۸۵

بوروکراسی های زاید، تعدیل ساختارهای متصلب، ایجاد زمینه های اجرایی برای برخی مصوبات، عدم تغییر مداوم رویه و مشی، طرح بدون ضابطه شیوه های جدید و ابطال یا تغییر رویه های نهادی شده در قالب صدور بخش نامه های موسمی؛

۱۱. مبارزه قاطع با مظاهر مختلف فساد اقتصادی، (قاچاق کالا- و ارز، رانت، ارتشاء، اختلاس، دلالی و سفته بازی، پول شویی، تبعیض، ویژه خواری، قانون گریزی، سوء استفاده از خلاء های قانونی، رفع انحصارها و شبه انحصارها و...)؛

۱۲. برنامه ریزی دقیق برای استفاده بهینه از سرمایه های طبیعی، محیط زیست و پاسداری از ظرفیت های بالفعل و بالقوه آنها، تلاش برای استفاده بیشتری از زمان، منابع و امکانات؛

۱۳. کاهش واردات کالاهای خارجی، تنوع بخشی به اقلام صادراتی، ایجاد سازوکارهای مناسب برای توسعه صادارت غیرنفتی؛

۱۴. هم افزایی و گسترش فعالیت های اقتصادی در زمینه های دارای مزیت نسبی همچون صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل و نقل، گردشگری، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، خدمات مهندسی، صنایع انرژی بر؛

۱۵. اهتمام به توسعه بخش صنعت و کشاورزی به جای بخش خدمات (به جز خدمات دانش بنیاد و قابل عرضه در بازار جهانی)؛

۱۶. پرهیز از وابستگی تجاری به چند کشور معدود و تنوع بخش به شرکای تجاری؛

۱۷. ارتقای بازار سرمایه، اصلاح نظام بانکی و پولی، تغییر نظام بانکی غیر مولد به نظام بانکی مولد، بهبود ارزش پول کشور،

ص: ۸۶

ثبات بخشی به بازار ارز، اصلاح روند جریان نقدینگی و هدایت آن در مسیر تولید، تنظیم سیاست های پولی، مالی و ارزی با هدف دست یابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات؛ اصلاح نظام بودجه ریزی، کاهش نرخ بهره، برنامه ریزی در جهت ذخیره سازی ارز با توجه به وضعیت های محتمل قابل پیش بینی، ایمن سازی بازار بورس (اعم از اوراق بهادار، کالا، انرژی و...) از شوک های برون زا، اقدام در جهت تغییر ارز غالب کشور، یعنی دلار، تبدیل ال سی های ارزی به ریالی، کنترل مؤثر حجم نقدینگی، رفع روابط و ضد و بندها در تخصیص منابع و اعتبارات بانکی، مدیریت نمودن تقاضای ارز، محدود ساختن تخصیص ارز برای ورود کالاهای غیرضروری، استخراج قیمت واقعی نرخ ارز و تک نرخی کردن آن، ایجاد محدودیت جدی برای همراه داشتن ارز مسافرتی (بیشتر از ۲ هزار دلار)، ممنوعیت مسافرت گردشی بیش از یک بار در سال، ایجاد محدودیت جدی برای تقاضاهای سوداگرانه خرید ارز به ویژه برای بانک های خصوصی، مؤسسات اعتباری و شرکت های تابعه یا وابسته به آنها؛ قیمت گذاری و تعزیراتی نمودن محصولاتی که با ارز دولتی وارد می شوند، راه اندازی بورس ارز برای تأمین ارز بنگاه های اقتصادی، کنترل حجم نقدینگی از طریق انتشار اوراق قرضه با نرخ مناسب، تشویق مردم به سرمایه گذاری، پیش فروش اقلام سرمایه ای؛ مدیریت بهینه منابع ارزی (مصرف درست ارز داخلی و کاهش نیاز به ارز خارجی)؛ تخصیص درست منابع محدود کشور به مصارف ضروری و پرهیز از صرف امکانات در عرصه های غیر ضرور، فوق برنامه یا فاقد اولویت؛ مدیریت بهینه منابع مالی (هدایت منابع مالی در جهت تولید ارزش افزوده، افزایش تولید،

ص: ۸۷

رونق کسب و کار، افزایش اشتغال و...) اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت؛

۱۸. کاهش موانع و روان سازی فرآیند سرمایه گذاری مولد، وضع تعرفه های سنگین بر اقلام وارداتی غیر ضرور؛

۱۹. تمهید سازوکارهای لازم برای اعمال سیاست های کنترل بازار در شرایط بحران؛

۲۰. اصلاح نظام بیمه با تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت و بهره مندی از فن آوری جدید؛

۲۱. افزایش سهم مالیات در درآمدهای دولت از طریق رشد تولید داخلی؛

۲۲. اصلاح روند هدفمند کردن یارانه ها، ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی و سیاست های رفاهی معطوف به عدالت اجتماعی، مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه های کم درآمد و محروم، توزیع کالاهای اساسی با قیمت مناسب به اقشار آسیب پذیر، همگانی شدن بیمه تأمین اجتماعی برای کاهش احساس ناامنی اقشار آسیب پذیر، حمایت از تأمین مسکن گروه های کم درآمد؛

۲۳. ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بی کاری به ویژه بی کاری تحصیل کردگان، حمایت از کار و کارآفرینان، سرمایه (و سرمایه گذاران)؛

۲۴. بسترسازی برای جریان یابی مدیریت جهادی در بخش های مختلف اقتصادی؛

۲۵. سالم سازی و تسهیل فضای کسب و کار، سامان دهی فعالان اقتصادی، اعمال سیاست جابه جایی و انتقال برنامه ریزی شده نیروهای انسانی از بخش های غیر مفید و غیر مولد به بخش های مفید و مولد؛

ص: ۸۸

۲۶. استانداردسازی شفاف در بخش های مختلف؛

۲۷. مبارزه قاطع با تولید کالاها و خدمات فاقد کیفیت لازم، تلاش برای بهره وری حداکثری از منابع مادی، انسانی و فن آوری؛

۲۸. تثبیت فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی، فراهم نمودن زمینه های لازم برای تحقق رقابت پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی؛

۲۹. تلاش در جهت خودکفایی در بخش تولید اقلام راهبردی، تأمین امنیت غذایی کشور با تکیه بر تولیدات داخلی و خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی؛ مدیریت مصرف (به ویژه در بخش انرژی)، طبقه بندی نیازها و حذف کالاهای غیر ضرور از چرخه تولید و مصرف، مدیریت بهینه منابع طبیعی در جهت تأمین نیازهای کشور؛

۳۰. تمهید زیرساخت های لازم برای ذخیره سازی اقلام تولید، تقویت زیرساخت های ارتباطی و گسترش آن و نیز ارتقای کمی و کیفی ظرفیت های ترابری و حمل و نقل به منظور کاهش هزینه تجاری بخش خصوصی؛

۳۱. پرهیز از گسترش طرح های عمرانی فاقد اولویت، تلاش در جهت نهایی شدن طرح های در دست اجرا در بازه های زمانی مقرر و حتی کوتاه سازی زمان آن، نظارت جدی بر بخش عمران و پروژه های دولتی (افزایش و صراحت دادن به معیارهای استاندارد این بخش، تقویت بنیه تخصصی ناظران و مجریان، در برخورد با پیمانکاران متخلف و سوءاستفاده کنندگان)؛

۳۲. ایجاد زمینه برای بازگشت مهاجران خارجی غیر مجاز (به عنوان عوامل تورم نیروی کار در جامعه).

ص: ۸۹

موانع تحقق اقتصاد مقاومتی

اشاره

موانع تحقق اقتصاد مقاومتی

تحقق اقتصاد مقاومتی در چارچوب الگوی ترسیمی رهبری و دیدگاه های کارشناسان، در شرایط موجود کشور با موانع و مشکلاتی زیادی مواجه است. روشن است رفع یا کاهش تدریجی این موانع، شرط لازم تحقق این مهم خواهد بود. این موانع در یک دسته بندی کلی به موانع فرهنگی اجتماعی و موانع اقتصادی طبقه بندی شده اند:

الف) موانع فرهنگی اجتماعی

الف) موانع فرهنگی اجتماعی

۱. غلبه روحیات کارگریزی و عافیت طلبی، تمایل بسیار موقعیت های اداری و پشت میز نشینی و ضعف تمایل به اشتغال در محیط های کارگاهی؛

۲. غلبه فردگرایی و ضعف روحیه تعاون و کار جمعی؛

۳. تمایل روزافزون بانوان به اشتغالات بیرونی و ترجیح آن بر خانه داری و ایفای نقش همسری و مادری (که خود یکی از عوامل مؤثر در رشد بی کاری مردان است)؛

۴. ضعف وجدان کاری، ضعف انضباط کاری، ضعف انضباط اجتماعی، ضعف مسئولیت پذیری اجتماعی، پایین بودن سطح نشاط و شادابی در جامعه، پایین بودن سطح ابتکار و خلاقیت به دلیل ضعف نظام آموزش، پایین بودن سطح دانش، نگرش و فرهنگ کارآفرینی در جامعه؛

۵. ضعف سرمایه اجتماعی و وجود درجاتی از بی اعتمادی یا کم اعتمادی متقابل در جامعه، ترجیح منافع فردی و شخصی بر منافع جمعی و ملی، فقدان تصمیم گیری مشارکتی در غالب امور، خودرایی و ضعف فرهنگ تحمل دیگری؛

ص: ۹۰

۶. وجود درجاتی از فاصله میان مسئولان و مردم؛

۷. تزلزل خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی و افزایش میزان طلاق و افزایش میانگین سن ازدواج؛

۸. کاهش نرخ رشد جمعیت و تقلیل تدریجی جمعیت جوان کشور؛

۹. وجود درجاتی از اباحی گری و ضعف آشکار در التزام عمومی به رعایت ارزش های اخلاقی، فاصله گرفتن از ارزش های فرهنگی و معنوی دوران دفاع مقدس، رواج قانون گریزی در جامعه، افزایش آسیب ها و انحرافات اخلاقی و اجتماعی به ویژه در میان نسل جوان، رواج اشرافی گری و تجمل گرایی، اسراف و تبذیر در همه چیز از جمله مصرف انرژی، رواج رشوه خواری و فساد مالی؛

۱۰. بروز پدیده شکاف میان نسلی و گسستگی فرهنگی؛

۱۱. غلبه روحیه انتقادی و اعتراضی و ضعف رضایت عمومی از زندگی؛

۱۲. شیوع استفاده از انواع مواد مخدر؛

۱۳. مصرف بالای رسانه های بین المللی (ماهواره و اینترنت) و انعکاس آثار سوء فرهنگی آن و...

حوزه علم و تحقیقات:

۱. ضعف و کندی فرآیند تولید علم متناسب با سطح نیاز و جبران فاصله ها از روند جهانی؛

۲. آشفتگی نظام پژوهش و تحقیق در کشور و ضعف مشهود قابلیت های کاربردی غالب مطالعات و تحقیقات انجام شده؛

۳. ضعف ارتباط مطالعات تجربی و میدانی با واقعیت های عینی جامعه؛

ص: ۹۱

۴. ضعف ارتباط میان مراکز مولد علم و تحقیق با حوزه های کاربری و مصرف کننده؛

۵. کمبود اطلاعات متقن قابل دسترس از وضعیت های موجود کشور؛

۶. ضعف دانش و آگاهی عمومی در استفاده بهینه از امکانات موجود؛

۷. ضعف تمهیدات بایسته جهت بهره گیری بهینه از ظرفیت نخبگان و متخصصان، ضعف توفیق در جذب متخصصان ایرانی مقیم خارج؛

۸. بومی نبودن بسیاری از تئوری ها، تحلیل ها، مدل ها و راه کارهای کارشناسانه؛

۹. غلبه تفکرات بخشی و رشته محور یا گرایش محور به جای تفکر سیستمی در میان نخبگان؛

۱۰. غلبه تمایل به مدرک گرایی به جای تخصص گرایی؛

۱۱. کاسته شدن تدریجی توانایی های علمی کشور در نتیجه مهاجرت سالانه بخشی از متخصصان (پدیده موسوم به مهاجرت مغزها) و سرمایه های فکری جامعه؛

۱۲. عدم اجماع میان نخبگان حوزه های مختلف درگیر با مسائل کشور به ویژه ناهمخوانی آشکار میان مواضع حوزه و دانشگاه در مواجهه با مسائل مختلف؛

۱۳. ضعف اهتمام به آموزش های فنی و حرفه ای و... .

ب) موانع اقتصادی

ب) موانع اقتصادی

از جمله موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در وضعیت موجود کشور می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

ص: ۹۲

۱. حجم بزرگ دولت و پرهزینه بودن آن، گستردگی بیش از حد سطح تصدی گری دولت و بخش های تابع؛

۲. وابستگی شدید بودجه سالانه کشور به فروش نفت و ضعف صادارت غیر نفتی؛

۳. وجود قوانین دست و پاگیر و بوروکراسی زاید اداری؛

۴. ضعف تولید ملی و ناتوانی در تولید کالاهای راهبردی مورد نیاز کشور؛

۵. واردات بی رویه و اخلال گر چرخه تولیدات داخلی، قاچاق بی رویه کالا و ارز؛

۶. اقبال روزافزون به واسطه گری و دلالی و کاهش انگیزه برای تولید، تمایل بالای بیشتر مردم به خرید کالاهای سرمایه ای، ارز، ملک و زمین، به منظور حفظ ارزش پول خود؛

۷. فرار سرمایه ها از کشور به طرق و ترفندهای مختلف، ضعف امنیت یا عدم توفیق در ایجاد اعتماد لازم برای جذب سرمایه گذاری خارجی، ضعف سرمایه گذاری داخلی و مشارکت بخش خصوصی، اجرایی نشدن کامل اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست های ابلاغی آن؛

۸. وجود موانع و محدودیت های در مسیر جریان صادرات غیر نفتی؛

۹. ضعف برخورد با مفاسد اقتصادی؛

۱۰. توسعه نایافتگی صنعت بیمه و ضعف نظام تأمین اجتماعی؛

۱۱. ضعف عملکرد و کارایی نظام پولی و بانکی؛

۱۲. هدفمند نبودن یارانه ها علی رغم اجرای آن؛

۱۳. تورم بالا و مستمر درکشور، اختلالات متعدد در بازار ارزی کشور، کسری بودجه مزمن و پایدار، وجود نظام مالیاتی ناکارآمد،

ص: ۹۳

نوسانات متعدد در شاخص های بورس، وجود سیاست های حمایتی و تعرفه های ناکارآمد و غیر هدفمند، ضعف های زیرساخت های گمرکی، اعمال نکردن فشارهای مالیاتی بر فعالیت های غیر تولیدی، نامتوازن بودن منطقه ای امکانات؛

۱۴. کم توجهی به سرمایه های طبیعی محیط زیست؛

۱۵. ضعف اطلاع از ظرفیت های موجود اقتصادی کشور (که احتمالاً ـ قابلیت درآمدزایی بیشتری نسبت به نفت دارند همچون گردشگری)؛

۱۶. نداشتن تفاهم کافی میان نخبگان، سیاست گذاران، برنامه ریزان، مدیران و مجریان در اهداف و راه های تحقق آن، ضعف آگاهی غالب اقتصاددانان، مدیران و فعالان حوزه اقتصاد از اقتصاد مقاومتی، تفسیر اقتصاد مقاومتی در چارچوب نظریه های موجود؛

۱۷. ضعف جدی در حوزه تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های اقتصادی؛

۱۸. ضعف مؤلفه های تأمین کننده عدالت اقتصادی و اجتماعی و سازوکارهای رسیدن به آن در برنامه ریزی های توسعه؛

۱۹. فقدان پیوست فرهنگی درغالب طرح های اجرایی؛

۲۰. فقدان آمار دقیق در برخی حوزه ها و ضعف اعتبار یا پراکندگی و تشویش آمارها و اطلاعات ارائه شده از سوی مراکز دولتی؛

۲۱. سنگین بودن سایه سیاست و سیاسی کاری بر حوزه اقتصاد؛

۲۲. فقدان دیپلماسی اقتصادی مشخص و فعال نبودن بسیاری از سفارتخانه ها از انجام اقدامات همسو با رشد و توسعه اقتصادی؛

۲۳. بالا بودن نسبت مصرف به تولید همراه با بازدهی و بهره وری پایین کار؛

ص: ۹۴

۲۴. حاکمیت نگاه کوتاه مدت نسبت به نگاه بلندمدت در برنامه ریزی های اقتصادی در میان دولت مردان؛

۲۵. ضعف مشارکت مردم در اقتصاد؛

۲۶. وجود رانت های متعدد اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و حتی فرهنگی؛

۲۷. بی ثباتی اقتصادی در ابعاد مختلف مدیریتی اجرایی و سیاست گذاری؛

۲۸. وجود نقدینگی های سرگردان؛

۲۹. نرخ بالای بی کاری آشکار و پنهان و ضعف اشتغال پایدار، تراکم نیروها در بخش های خدمات اداری، پایین بودن سطح بهره وری ظرفیت های مادی و انسانی؛

۳۰. نبود فضای رقابتی در تولید و توزیع برخی اقلام و در کل ضعف زمینه های رقابت سالم در جامعه؛

۳۱. غلبه روحیه مصرف گرایی و تشویق مستمر به آن (در نتیجه تبلیغات)؛

۳۲. ویژه خواری و امتیازات ناعادلانه، ناسالم بودن فضای کسب و کار، شیوع دلال بازی و بورس بازی و اشتغالات التهاب آفرین؛

۳۳. مقاومت بیشتر فعالان اقتصادی درگیر در چرخه واردات کالاهای مصرفی و کسبه و دست اندرکاران امر توزیع این سنخ کالاها از پذیرش اقتضائات اقتصاد مقاومتی؛

۳۴. عدم اقدام یا ارائه ندادن راهکار مناسب برای مواجهه با فساد مالی در دستگاه های دولتی و غیردولتی؛

۳۵. فقر و نابرابری و فاصله طبقاتی روزافزون؛

۳۶. بالا بودن بازدهی در بخش های واسطه گری و بازرگانی نسبت به بخش های صنعتی و کشاورزی؛

ص: ۹۵

۳۷. کم آبی و ضعف امکان برای ذخیره سازی و بهینه سازی منابع آبی؛

۳۸. مصرف غیر علمی امکانات؛

۳۹. پراکندگی روستاها و پرهزینه بودن خدمات رسانی، خرد مقیاس بودن اراضی کشاورزی و نبود امکان اجرای طرح های بزرگ؛

۴۰. ضعف امکانات برای ذخیره سازی محصولات کشاورزی؛

۴۱. رشد بی رویه شهرنشینی و خالی شدن تدریجی روستاها (تبدیل جمعیت شاغل در حوزه کشاورزی و دام داری به نیروی خدمات شهری یا اشتغالات کاذب)؛

۴۲. پایین بودن استانداردها و شاخص های کیفیت زندگی؛

۴۳. حمایت نکردن مؤثر از حقوق تضییع شده مصرف کنندگان.

در بخش ارتباط اقتصادی با خارج نیز موضوع تحریم های روزافزون دشمنان، ضعف روابط دیپلماتیک برای کاهش تحریم ها، بالابودن ریسک سرمایه گذاری خارجی، خصومت ورزی و اخلال استکبار در کم و کیف تعاملات نظام و انقلاب با جهان خارج و جامعه بین الملل، اعمال شوک های اقتصادی پیاپی ناشی از بحران های اقتصاد جهانی، قابل توجه اند. (در این بخش علاوه بر مصاحبه های اساتید فوق، نک: مجموع مقالات بازسازی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵؛ عظیمی، ۱۳۸۵: ۸۷ ۱۹۳؛ مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۵۹ ۲۸۶)

امکانات وفرصت ها

امکانات وفرصت ها

از جمله امکانات، فرصت ها و ظرفیت های راهبردی (نقاط قوّت) کشور در وضعیت موجود برای تحقق اقتصاد مقاومتی، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. آموزه های متعالی اسلام به عنوان محوری ترین ایدئولوژی

ص: ۹۶

هدایت گر انقلاب در عرصه توسعه همه جانبه و به عنوان فرانهاد تأمین کننده بنیادها و ظرفیت های نهادی و ساختاری کشور؛

۲. ساختار سیاسی منحصر به فرد برخوردار از مشروعیت دینی و مقبولیت وسیع و عمیق مردمی؛

۳. موقعیت جهانی برجسته و اثرگذار؛

۴. هدایت گری های داهیانه رهبری نظام و اهتمام ایشان به توسعه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

۵. احساس مسئولیت و تعهدمندی بالای دولت مردان؛

۶. تجربیات به دست آمده در پرتو مدیریت در شرایط بحران و رویارویی با دشمنان؛

۷. قوی تر شدن کشور در مواجهه با چالش ها و تهدیدها و متقابلا ضعف تدریجی توان دشمن در سی سال اخیر؛

۸. انگیزه و توانمندی بالای مردم برای تلاش و فداکاری جهادگونه در جهت تحقق اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی و آبادانی کشور؛

۹. نرخ بالای جمعیت جوان؛

۱۰. نرخ بالای تحصیل کردگان سطوح عالی؛

۱۱. هوشمندی بالای ایرانی و توان به کارگیری آن در جهت رشد وسازندگی؛

۱۲. همراهی و همگامی بدنه نخبگان کشور با نظام و درک ضرورت های بازسازی؛

۱۳. رشد تحقیقات و حصول موفقیت و پیشرفت در برخی عرصه های علمی؛

۱۴. وحدت و انسجام ملی؛

ص: ۹۷

۱۵. سرمایه عظیم انسانی و نیروهای کارآمد؛

۱۶. ظرفیت های غنی و منابع و ذخایر طبیعی متنوع و قابل استحصال؛(۱)

۱۷. امکانات و زیرساخت های صنعتی و تکنولوژیکی؛ ۱۸. موقعیت جغرافیایی ممتاز و راهبردی.

۱- چرا کشور برخلاف فراوانی منابع طبیعی، از رشد اقتصادی مناسبی برخوردار نیست؟ در پاسخ به این سؤال دیدگاههای مطرح است. در طی دو قرن اخیر پژوهش های بسیاری در مورد بررسی رابطه میان فراوانی منابع طبیعی و رشد اقتصادی انجام شده است. نتایج چندین مطالعه تجربی در قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم، منابع طبیعی را به عنوان موتور رشد اقتصادی معرفی کرده است. از اواسط قرن بیستم تاکنون بیشتر مطالعات تجربی، فراوانی منابع را سبب کندی رشد اقتصادی دانسته اند؛ گواه چنین یافته ای، کشورهای در حال توسعه ای بودند که برخلاف داشتن منابع طبیعی غنی، رشد اقتصادی پایین تری نسبت به کشورهای فاقد این منابع داشته اند. از آنجا که به لحاظ مبانی نظری، از یک سو، فراوانی منابع به طور مستقیم و ذاتی نمی تواند سبب عقب ماندگی اقتصاد شود؛ چرا که یک منبع درآمدی عظیم، امتیاز ویژه برای کشورهای دارای آن به شمار می رود که در مقایسه با هزینه دست یابی آن دارای درآمد بسیار بالایی است؛ و از سوی دیگر، ثروت که منبع طبیعی از بهترین مصادیق آن است عامل تعیین کننده و مهم در روان سازی سیستم و چرخ های اقتصادی به شمار می رود که نقش مهمی در رشد اقتصادی هر کشوری دارد. از این رو، پژوهشگران در صدد تبیین این پدیده و دلایل آن بوده اند. مطالعات تجربی موجود در تحلیل اثرگذاری فراوانی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی، بیان می کنند که منابع طبیعی به طور مستقیم اثرات منفی و بازدارنده بر رشد و توسعه اقتصادی ندارد، بلکه فراوانی منابع در بیشتر موارد به طور جانبی سبب بروز انحرافات و گرایشات خاصی در اقتصاد شده و از آن طریق سبب عقب ماندگی اقتصاد می شود. این انحرافات از طریق سازوکارها و مسیرهایی همانند کاهش بلندمدت در رابطه مبادله، نوسانات برون زای درآمدی صادرات منابع طبیعی، بیماری هلندی، اثرات جای گزینی، ضعف و سوء مدیریت دولتی، فساد و ارتشا و نیز سطح پایین سرمایه انسانی، از طریق فراوانی منابع به اقتصاد منتقل می شود. از این رو، فراوانی منابع به طور غیر مستقیم و از مسیرهای دیگری باعث کندی رشد اقتصادی می شود. بنابراین، بررسی دلایل شکست توسعه اقتصادی مبتنی بر فراوانی منابع طبیعی برای سیاست گذاران و اقتصاددانان اهمیت می یابد و در خصوص کشورهای نفتی این پرسش مطرح می شود که چرا بیشتر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، رشد اقتصادی پایدار و سریعی را تجربه نمی کنند؟ (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ شاه آبادی و صادقی، ۱۳۹۲؛ طاهری فرد و حسینی، ۱۳۹۰)

ص: ۹۸

ص: ۹۹

فصل چهارم: مبانی و نرم افزارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

مقدمه

ص: ۱۰۰

ص: ۱۰۱

مقدمه

تردیدی نیست که ایده های راهبردی مقام معظم رهبری در خصوص شکوفایی و اصلاح ظرفیت های فرهنگی و نظام اقتصاد مقاومتی به مجموعه ای از بنیادها و مبانی نظری و مفروضات اندیشه ای متکی و مبتنی بوده و در مقام تحقق نیز به مجموعه ای از زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری و مشارکت همه مجموعه های فرهنگی، علمی و پژوهشی، سیاست گذاری، برنامه ریزی، تقنینی، مدیریتی و اجرایی، نظارتی، قضایی و بسیج همه امکانات و ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی، انسانی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، تکنولوژیکی و طبیعی نیازمند خواهد بود.

تاکنون بخشی از زمینه های تحقق این مهم به همت نهادهای رسمی نظام و اهتمام ویژه مقام معظم رهبری محقق شده است. از جمله: سیاست های کلی توسعه، سند چشم انداز بیست ساله، راهبردهای کلان فرهنگی، اصول سیاست های فرهنگی، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست های کلی اشتغال، سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف، فرمان هشت ماده ای در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، نقشه جامع علمی، سند نخبگانی جمهوری اسلامی ایران، صندوق شرکت های دانش بنیان، تخصیص

ص: ۱۰۲

درصـدی از تولیـد ناخالص ملی به امر پژوهش، بنیاد ملی نخبگان، نظام کلان علم، فن آوری و نوآوری کشور. همچنین تـذکارها و رهنمودهای رهبری در خصوص مهندسـی فرهنگ، مهندسـی فرهنگی، راهبردهای مقابله با تهاجم فرهنگی و سبک زندگی نیز بنیاد نظری لازم برای برخی اقـدامات عملی در حوزه فرهنـگ و اقتصاد را فراهم ساخته است. برخی از مبانی نظری و سـیاست های کلی ابلاـغی رهبری که نقش مقـدمی و زیرسـاختی برای تحقق اهـداف راهبردی فوق؛ یعنی شـکوفایی و اصـلاح ظرفیت های فرهنگی و استقرار و تثبیت نظام اقتصاد مقاومتی دارند، از این قرارند:

جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی

جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی

شعار سال اعلانی و مؤلفه های اصـلی و پیرامونی آن، مسـتقیم و غیر مسـتقیم از جهان بینی و بنیادهای اعتقادی و ارزشی اسلام ریشه گرفته است. در این بخش به اختصـار و بـا محوریت قرآن کریم به برخی از این مبـانی، فقـط برای نمونه و بـدون توضـیح و تحلیـل، اشاره می شود:

۱. زمینه سازی جهت استقرار حیات طیبه این جهانی به عنوان مقدمه ای برای رسیدن به سعادت آن جهانی (نحل: ۹۷)

۲. استقلال فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی جامعه اسلامی و نفی کامل سلطه کفار (نساء: ۱۴۱)

۳. مقابله و رویارویی قاطع و خستگی ناپذیر با دشمنان معارض (فرقان: ۵۲)

۴. عزت مندی و اقتدار جامعه اسلامی (منافقون: ۸)

۵. سبقت جویی و پیشگام بودن در خوبی ها و ارزش های مثبت (بقره: ۱۴۸)

ص: ۱۰۳

۶. تلاش در جهت آبادانی زمین و فعلیت بخشی به ظرفیت ها و استعدادهای موهبتی خداوند (هود: ۶۱)

۷. کار و تلاش جدی و دوری گزیدن از تنبلی و بطالت (نجم: ۳۹)

۸. صبر و خویشتن داری در مصائب و مشکلات (بقره: ۱۷۷)

۹. اعتدال و میانه روی (فرقان: ۶۷)

۱۰. پرهیز اکید از اسراف و تبذیر و هرزدادن امکانات و سرمایه ها (اعراف: ۳۱)

۱۱. قانون گرایی و شریعت محوری (جاثیه: ۱۸)

۱۲. قسط و عدل و دوری گزیدن از هر نوع ظلم و تبعیض (حدید: ۲۵)

۱۳. قیام به اصلاح امور جامعه در حد امکان (هود: ۸۸)

۱۴. جلوگیری از فساد اقتصادی در جامعه (شعراء: ۱۸۱ ۱۸۳)

۱۵. تلقی قدسی از کار و تلاش اقتصادی (جمعه: ۹)

۱۶. انسجام و همبستگی جامعه مؤمنان بر پایه توحید (آل عمران: ۱۰۳)

۱۷. تعاون و همکاری بر انجام نیکی ها و خیرات (مائده: ۲) (برای تکمیل مواضع اسلام در این بخش نک: حسینی، ۱۳۸۰: ۲۵۱ ۳۸۵؛ رجایی و همکاران، ۱۳۸۲)

قانون اساسی

قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان بنیادی ترین میثاق ملی، خط مشی کلی اقدامات بایسته در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصاد را به منظور همسوسازی تحولات این دو بخش بنیادین با اهداف و آرمان های کلان انقلاب اسلامی در قالب اصولی، متذکر شده است. روند اجرایی این اصول در طول سال های بعد از پیروزی انقلاب

ص: ۱۰۴

برخلاف مشکلات فراوان، همواره از سوی دولت های مختلف و در قالب برنامه های چندگانه توسعه تعقیب شده است، اما نتایج حاصله با سطوح مورد انتظار، فاصله زیادی را نشان می دهد. اقدامات حماسی مورد انتظار در سال ۹۳ و سنوات بعد از آن، می تواند آرمان ها و کمال مطلوب مندرج در قانون اساسی را عینیت بخشیده و در گستره وسیع تری، جامه عمل بپوشاند.

جامع ترین اصل ناظر به وظایف دولت اسلامی که به لزوم توسعه هدفمند و مداوم، در همه بخش های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، رفاهی، امنیتی و ارتباطاتی توجه داده، اصل سوم قانون اساسی است. بر اساس این اصل، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف فرهنگی، اعتقادی و تربیتی مورد نظر در اصل دوم این قانون، همه امکانات خود را برای تحقق امور ذیل به کار بندد.

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛

۲. بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر؛

۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛

۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛

۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛

۶. محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛

ص: ۱۰۵

۷. تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛

۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛

۹. رفع تبعیض های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی؛

۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور؛

۱۱. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور؛

۱۲. پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛

۱۳. تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها؛

۱۴. تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛

۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛

۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

قانون اساسی همچنین در ضمن اصول دیگری به اهداف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظام اسلامی نیز توجه کرده است. از آن جمله: استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛ قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی (اصل دوم)؛ ایجاد شرایط مساوی برای اشتغال

ص: ۱۰۶

همگانی (اصل بیست و هشتم)؛ اقدام در جهت تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش وامکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه (اصل چهل و سوم، بند یک)؛ منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات (اصل چهل و سوم بند شش)؛ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی جهت تأمین نیازهای عمومی تا سرحد خودکفایی و رهایی کشور از وابستگی (اصل چهل و سوم بند نهم)؛ تبیین مالکیت های سه گانه دولتی، تعاونی و خصوصی (اصل چهل و چهارم)؛ رفع تبعیض در بهره برداری از درآمدهای ملی، توزیع فعالیت های اقتصادی و امکانات کشور میان استان های مختلف کشور (اصل چهل و هشتم)؛ ایجاد ممانعت از ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایر کردن مراکز فساد و سایر موارد غیر مشروع (اصل چهل و نهم)؛ حفاظت از محیط زیست و ممنوعیت همه فعالیت های مستلزم آلودگی محیط زیست یا تخریب آن (اصل پنجاهم)؛ لزوم تک شغله بودن برخی موقعیت ها (رئیس جمهور، معاونان، وزیران، کارمندان دولت، نمایندگان مجلس، وکلای دادگستری، مشاوران حقوقی و...) (اصل یکصد و چهل و یکم).

اهداف سند چشم انداز

اهداف سند چشم انداز

منظور از اهداف غایی اجرای برنامه های پنج ساله توسعه نظام (که تاکنون پنج برنامه آن به مرحله اجرا رسیده است) در قالب سند چشم انداز

ص: ۱۰۷

بیست ساله نظام در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی که در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ که رهبری معظم انقلاب به سران قوای سه گانه ابلاغ کردند؛ متجلی شده است. اقتصاد مقاومتی و ارتقای فرهنگی مورد انتظار در سال ۹۳ و سال های آینده، نیز تأکیدی دیگر بر لزوم عملی ساختن هرچه سریع تر اهداف ترسیمی در سند مذکور و رهنمودی اجرایی برای عینیت بخشیدن به این آرمان ها است. فرازهایی از این سند راهبردی به تناسب موضوع نوشتار عبارتند از:

در چشم انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن آوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل. جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فن آوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع مناسب در آمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب. .. دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن آوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با

ص: ۱۰۸

تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل (http: //farsi.khamenei.ir/news)

سیاست ها و راهبردهای کلان فرهنگی

سیاست ها و راهبردهای کلان فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی که بر اساس قانون، مرجع اصلی سیاست گذاری فرهنگی کلان نگر، شمرده می شود و وظیفه تدوین راهبردها، اهداف، سیاست های فرهنگی و برنامه های آموزشی، پژوهشی، علمی و فرهنگی کشور را بر عهده دارد؛ در سند جامع مهندسی فرهنگی مصوبه ۱۵/۱۲/۱۳۹۱ راهبردهای کلان فرهنگی کشور را به شرح ذیل تعیین و ابلاغ کرده است:

۱. نهادینه سازی فرهنگ تمسک به قرآن و عترت علیه السلام و تبیین، ترویج، تقویت و ساماندهی شعائر الهی، نمادها و آیین های اسلامی ایرانی؛

۲. بازآفرینی نظام فکری، ساختارهای رسمی و غیررسمی و میراث تمدنی جامعه مبتنی بر جهان بینی و تعالیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ؛

۳. تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن سازی خانواده؛

۴. جلوگیری از کاهش نرخ باروری کل و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی، اقتضائات راهبردی کشور، مطالعات جمعیت شناختی، آمایش و پایش مستمر جمعیتی؛

۵. طراحی و نهادینه سازی آداب و سبک زندگی اسلامی ایرانی در زمینه های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر تقوای الهی و با الهام از سیره معصومان(عع)؛

۶. انسجام بخشی و تقویت مشارکت فراگیر و نظام مند نهاد خانواده،

ص: ۱۰۹

نظام تعلیم و تربیت، سازمان های اجتماعی و اداری و سایر نهادهای مرتبط در گسترش نظم و انضباط، قانون گرایی و احساس امنیت عمومی و ظرفیت سازی و فرهنگ سازی برای رفع موانع فرهنگی، ساختاری و رفتاری؛

۷. تبیین، نهادینه سازی و ارتقاء اخلاق و رفتار و نظام حقوقی اسلام در حوزه های اجتماعی و سیاسی؛

۸. طراحی و استقرار الگوی اسلامی اخلاق و فرهنگ کار و رفتار اقتصادی دولت و مردم در عرصه تولید، توزیع و مصرف؛

۹. تبیین، ترویج و نهادینه سازی هنر متعهد، تعالی بخش، شوق آفرین و استکبارستیز و تعمیق درک زیباشناسانه عمومی و بهره گیری از ظرفیت هنر در تعمیق فرهنگ اسلامی ایرانی و گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر فرمایشات امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)؛

۱۰. طراحی و استقرار نظام جامع و کارآمد اطلاعات، ارتباطات و رسانه ای مبتنی بر آموزه های دینی، انقلابی و ارزش های اخلاقی، مقتضیات راهبردی کشور و سیاست های کلی نظام؛

۱۱. گسترش اثرگذاری و ارزش آفرینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر معرفی دستاوردها و الگوهای موفق در سطح جهانی برای جهانی شدن گفتمان اسلام ناب محمدی در موضوعات و مسائل بشری و جهانی؛

۱۲. بازنگری و اصلاح اهداف، کارکردها و ساختارهای نظام های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مبتنی بر نقشه مهندسی فرهنگی برای انسجام و ارتقاء کارکرد فرهنگی آنها؛

۱۳. سامان دهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، راهبری فعال جنگ

ص: ۱۱۰

نرم و ارتقاء مؤلفه های قدرت نرم نظام اسلامی. (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی،

(http://sccr.ir/pages/simpleView.aspx

این شورا همچنین اصول سیاست های فرهنگی کشور به عنوان خطوط راهنمای مسئولان، مدیران، برنامه ریزان، کارگزاران و فعالان فرهنگی را در ۲۵ محور تعیین و ابلاغ کرده است. (نک: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵: ۳۶۹ ۳۷۱)

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی و دست یابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون زا، پیشرو و برون گرا ابلاغ می گردد:

۱. تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.

۲. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دست یابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

۳. محور قراردادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویتِ رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت

ص: ۱۱۱

بین مناطق و استان ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع در جغرافیای مزیت های مناطق کشور.

۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمند سازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی.

۵. سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶. افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۷. تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).

۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.

۹. اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخشی واقعی.

۱۰. حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق: تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم؛ گسترش خدمات تجارت خارجی و

ص: ۱۱۲

ترانزیت و زیرساخت های مورد نیاز؛ تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات؛ برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی؛ شکل دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوند های اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه؛ استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز؛ ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.

۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فن آوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۱۲. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان؛ استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف های اقتصادی؛ استفاده از ظرفیت های سازمان های بین المللی و منطقه ای.

۱۳. مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق انتخاب مشتریان راهبردی؛ ایجاد تنوع در روش های فروش؛ مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش؛ افزایش صادرات گاز؛ افزایش صادرات برق؛ افزایش صادرات پتروشیمی؛ افزایش صادرات فرآورده های نفتی.

۱۴. افزایش ذخایر راهبردی نفت وگاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید نفت و گاز، به ویژه در میادین مشترک.

۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت

ص: ۱۱۳

و گـاز، توسـعه تولیـد کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شـدت مصـرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶. صـرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تأکیـد بر تحول اساسـی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دسـتگاه های موازی و غیر ضرور و هزینه های زاید.

۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹. شـفاف سـازی اقتصـاد و سـالم سـازی آن و جلوگیری از اقـدامات، فعـالیت ها و زمینه های فسادزا در حوزه های پولی، تجاری، ارزی و ... .

۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولیـد ثروت، بهره وری، کارآفرینی، سـرمایه گـذاری و اشـتغال مولـد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱. تبیین ابعـاد اقتصـاد مقـاومتی و گفتمـان سـازی آن به ویژه در محیـط هـای علمی، آموزشـی و رسانه ای و تبـدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲. دولت مکلـف است برای تحقق سـیاست هـای کلی اقتصـاد مقـاومتی بـا هماهنـگ سـازی و بسـیج پویـای همه امکانـات کشور، اقـدامات زیر را معمول دارد: شـناسایی و به کارگیری ظرفیت های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسـی به توان آفنـدی و اقـدامات مناسب؛ رصد برنامه های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن؛ مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال های داخلی و خارجی.

ص: ۱۱۴

۲۳. شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه های نظارت بر بازار. ۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن. (ابلاغ شده در بهمن ۱۳۹۲)

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

اشاره

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

زیر فصل ها

الف) متن ابلاغیه به روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (درتاریخ ۱۲/۰۴/۱۳۸۵)

ب) متن ابلاغیه در خصوص سیاست های کلی بخش تعاونی

ج) متن ابلاغیه در خصوص سیاست های کلی توسعه بخش های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی

الف) متن ابلاغیه به روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (درتاریخ ۱۲/۰۴/۱۳۸۵)

الف) متن ابلاغیه به روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (درتاریخ ۱۲/۰۴/۱۳۸۵)

الف) متن ابلاغیه در خصوص سیاست های کلی توسعه بخش های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی؛

۱. دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت های قبلی و بهره برداری از آن) را که شامل عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج ساله چهارم (سالیانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معیّن مجاز است. اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.

۲. سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش های تعاونی و خصوصی مجاز است:

ص: ۱۱۵

۲ ۱. صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز) .

۲ ۲. فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاست های تجاری و ارزی کشور.

۲ ۳. بانکداری توسط بنگاه ها و نهادهای عمومی غیر دولتی و شرکت های تعاونی سهامی عام و شرکت های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهام داران با تصویب قانون.

۲ ۴. بیمه.

۲ ۵. تأمین نیرو، شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات.

۲ ۶. کلیه امور پست و مخابرات به استثنای شبکه های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی.

۲ ۷. راه و راه آهن.

۲ ۸. هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل دریایی).

سهم بهینه بخش های دولتی و غیردولتی در فعالیت های صدر اصل ۴۴، با توجه به حفظ حاکمیت دولت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، طبق قانون تعیین می شود.

ب) متن ابلاغیه در خصوص سیاست های کلی بخش تعاونی

ب) متن ابلاغیه در خصوص سیاست های کلی بخش تعاونی

۱. افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵٪ تا آخر برنامه پنج ساله پنجم.

ص: ۱۱۶

۲. اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی ها برای بی کاران در جهت اشتغال مولد.

۳. حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی ها از طریق روش هایی از جمله: تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز ازهرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی ها نسبت به بخش خصوصی.

۴. رفع محدودیت از حضور تعاونی ها در تمامی عرصه های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه.

۵. تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقاء سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور.

۶. حمایت دولت از دست یابی تعاونی ها به بازار نهایی و اطلاع رسانی جامع و عادلانه به این بخش.

۷. اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاست گذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی ها.

۸. توسعه آموزش های فنی و حرفه ای و سایر حمایت های لازم به منظور افزایش کارآمدی توانمندسازی تعاونی ها.

۹. انعطاف و تنوع در شیوه های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونی های متعارف، امکان تأسیس تعاونی های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معیّنی که حدود آن را قانون تعیین می کند، فراهم شود.

۱۰. حمایت دولت از تعاونی ها متناسب با تعداد اعضا.

ص: ۱۱۷

۱۱. تأسیس تعاونی های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی.

ج) متن ابلاغیه در خصوص سیاست های کلی توسعه بخش های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی

ج) متن ابلاغیه در خصوص سیاست های کلی توسعه بخش های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی

با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم انداز ۲۰ ساله کشور:

۱. تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست گذاری و هدایت و نظارت؛

۲. توانمند سازی بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن برای رقابت کالا ها در بازار های بین المللی؛

۳. آماده سازی بنگاه های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرآیند تدریجی و هدفمند؛

۴. توسعه سرمایه انسانی دانش و پایه و متخصص؛

۵. توسعه و ارتقای استاندارد های ملی و انطباق نظام های ارزیابی کیفیت با استاندارد های بین المللی؛

۶. جهت گیری خصوصی سازی در راستای افزایش کارآیی و رقابت پذیری و گسترش مالکیت عمومی و بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ج سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می شود.

واگذاری ۸۰ ٪ از سهام بنگاه های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴، به بخش های خصوصی شرکت های تعاونی، سهامی عام و بنگاه های عمومی غیر دولتی به شرح ذیل مجاز است:

ص: ۱۱۸

۱. بنگـاه های دولتی که در زمینه های معادن بزرگ، صـنایع بزرگ و صـنایع مادر (از جمله صـنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) فعال هستند، به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت های استخراج و تولید نفت خام و گاز؛

۲. بانک های دولتی به اسـتثنای بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صـنعت و معـدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات؛

۳. شرکت های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران؛

۴. شرکت های هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی؛

۵. بنگاه های تأمین نیرو به استثنای شبکه های اصلی انتقال برق؛

۶. بنگاه های پستی و مخابراتی به استثنای شبکه های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی؛

۷. صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا.

سیاست های کلی اشتغال

سیاست های کلی اشتغال

۱. ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و اسـتفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور؛

۲. آمـوزش نیروی انسـانی متخصـص، مـاهر و کارآمـد متنـاسب بـا نیازهـای بـازار کـار (فعلی و آتی) و ارتقـای توان کـارآفرینی با مسئولیت

ص: ۱۱۹

نظـام آموزشـی کشـور (آمـوزش و پرورش، آمـوزش فنی و حرفـه ای و آمـوزش عـالی) و تـوأم کردن آمـوزش و مهـارت و جلب همکاری بنگاه های اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آنها؛

۳. ایجاد فرصت های شـغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فن آوری و اقتصاد دانش بنیان و آینده نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی؛

۴. ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار؛

۵. بهبود محیـط کسب و کار و ارتقای شاخص های آن (محیط سیاسـی، فرهنگی و قضایی و محیط اقتصاد کلان، بازار کار، مالیات هـا و زیرسـاخت هـا) و حمـایت از بخش هـای خصوصـی و تعاونی و رقابت از راه اصـلاح قوانین، مقررات و رویه های ذی ربط در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۶. جذب فن آوری، سرمایه و منابع مالی، مبادله نیروی کار و دست رسی به بازارهای خارجی کالا و خدمات از طریق تعامل مؤثر و سازنده با کشورها، سازمان ها و ترتیبات منطقه ای و جهانی؛

۷. هماهنگ سازی و پایداری سـیاست های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی برای کاهش نرخ بی کاری توأم با ارتقای بهره وری عوامل تولید و افزایش تولید؛

۸. توجه بیشتر در پرداخت یارانه ها به حمایت از سرمایه گذاری، تولید و اشتغال مولّد در بخش های خصوصی و تعاونی؛

۹. گسترش و استفاده بهینه از ظرفیت های اقتصادی دارای مزیت مانند: گردشگری و حق گذر (ترانزیت)؛

۱۰. حمایت از تأسیس و توسعه صندوق های شراکت در سرمایه

ص: ۱۲۰

برای تجاری سازی ایده ها و پشتیبانی از شرکت های نوپا، کوچک و نوآور؛

۱۱. برقراری حمایت های مؤثر از بی کاران برای افزایش توانمندی های آنان در جهت دسترسی آنها به اشتغال پایدار؛

۱۲. توجه ویژه به کاهش نرخ بی کاری استان های بالاتر از متوسط کشور؛

۱۳. رعایت تناسب بین افزایش دست مزدها و بهره وری نیروی کار. (اِبلاغ شده در: ۲۸/۴/۱۳۹۰)

(http://farsi.khamenei.ir/message content?id=۱۶۷۱۶

سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف

سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف

۱. اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و سازمانی، ترویج فرهنگ صرفه جویی و قناعت و مقابله با اسراف، تبذیر، تجمل گرایی و مصرف کالای خارجی با استفاده از ظرفیت های فرهنگی، آموزشی و هنری و رسانه ها به ویژه رسانه ملی؛

۲. آموزش همگانی الگوی مصرف مطلوب؛

۳. توسعه و ترویج فرهنگ بهره وری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه و با تأکید بر شاخص های کارآمدی، مسئولیت پذیری، انضباط و رضایت مندی؛

۴. آموزش اصول و روش های بهینه سازی مصرف در کلیه پایه های آموزش عمومی و آموزش های تخصصی دانشگاهی؛

۵. پیش گامی دولت، شرکت های دولتی و نهادهای عمومی در رعایت الگوی مصرف؛

ص: ۱۲۱

۶. مقابله با ترویج فرهنگ مصرف گرایی و ابراز حساسیت عملی نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل گرایی؛

۷. صرفه جویی در مصرف انرژی با اعمال مجموعه ای متعادل از اقدامات قیمتی و غیرقیمتی به منظور کاهش مستمر «شاخص شدت انرژی» کشور به دست کم دو سوم میزان کنونی تا پایان برنامه پنجم توسعه و به دست کم یک دوم میزان کنونی تا پایان برنامه ششم توسعه...؛

۸. ارتقای بهره وری و نهادینه شدن مصرف بهینه آب در تمام بخش ها به ویژه بخش کشاورزی ...؛

۹. اصلاح الگوی مصرف نان کشور از طریق ارتقا و بهبود شرایط و کیفیت فرآیندهای «تولید و تبدیل گندم به نان» و «مصرف نان» ...؛

۱۰. ارتقای بهره وری در چارچوب سیاست های زیر: تحول رویکرد تحقق درآمد ملی به سمت اتکای هرچه بیشتر به منافع حاصل از کسب و کار جامعه؛

۱۱. افزایش بهره وری با تأکید بر استقرار نظام تسهیم منافع حاصل از بهره وری از طریق: اولویت توانمندسازی نیروی کار در کلیه برنامه های حمایتی؛

۱۲. حداکثر سازی ارزش افزوده و منافع ناشی از سرمایه های انسانی، اجتماعی و مادی با تأکید بر اقتصاد دانش پایه؛

۱۳. استقرار سازوکارهای انگیزشی در نظام پرداخت ها در بخش عمومی و بنگاهی؛

۱۴. استقرار بودجه ریزی عملیاتی و بهبود فرآیند تخصیص منابع کشور بر اساس منافع اقتصادی و اجتماعی؛

ص: ۱۲۲

۱۵. اصلاح ساختارهای ارزیابی و ارزش یابی، اتخاذ رویکرد نتیجه گرا و اجرای حساب رسی عملکرد در دستگاه های دولتی؛

۱۶. اصلاح قوانین و مقررات، روش ها، ابزارها و فرآیندهای اجرایی؛ اولویت توانمندسازی نیروی کار در کلیه برنامه های حمایتی (ابلاغ شده در ۱۵/۴/۱۳۸۹) (. http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۱۶۹۸۹)

فرمان هشت ماده ای رهبری در مبارزه با مفاسد اقتصادی

فرمان هشت ماده ای رهبری در مبارزه با مفاسد اقتصادی

۱. با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمزمه ها و به تدریج، فریادها و نعره های مخالفت با آن بلند خواهد شد... . به مسئولان خیرخواه در قوای سه گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد به نوعی هم دستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاه ها در برخورد با مجرم و متخلف، قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهد.

۲. ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده کنندگان از ثروت های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه هاست. به این اشخاص تفهیم کنند که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود، نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالمند.

۳. کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضاییه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می خواهد با ناپاکی دربیفتد، باید خود، پاک باشد و کسانی که می خواهند در راه اصلاح، عمل کنند، باید خود، برخوردار از صلاح باشند.

۴. ضربه عدالت باید قاطع، ولی در عین حال، دقیق و ظریف باشد.

ص: ۱۲۳

متهم کردن بی گناهان یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست... چه نیکوست که تشویق صالحان و خدمت گزاران نیز در برابر مقابله با فساد و مفسد، وظیفه ای مهم شناخته شود.

۵. بخش های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان آسیب زدایی در هر مورد را یاری رسانند.

۶. وزارت اطلاعات موظف است در چارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب پذیر در فعالیت های اقتصادی دولتی کلان مانند معاملات و قراردادهای خارجی و سرمایه گذاری های بزرگ طرح های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رئیس جمهوری گزارش دهد.

۷. در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ فرد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی تواند با عذر انتساب به این جانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف بشمارد. باید با فساد در هر جا و هر مسند برخورد یکسان صورت گیرد.

۸. با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه شعاری، تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل مشهود گردد... (ابلاغ شده در: ۱۰/۲/۱۳۸۰)

((http: //farsi.khamenei.ir /newscontent?id=۱۶۹۹۷

ص: ۱۲۴

ص: ۱۲۵

فصل پنجم: فرهنگ، جایگاه اجتماعی و نقش زیرساختی آن در تحولات اقتصادی

فصل پنجم:

زیر فصل ها

ص: ۱۲۶

ص: ۱۲۷

مقدمه

مقدمه

همـان گونه که در بیـان مفهوم فرهنـگ گـذشت، فرهنـگ جـامع ترین نظام معنایی حاکم بر یک جامعه است که از رهگـذر حیات جمعی، پویش مسـتمر تـاریخی، تکـاپوی وجودی به صورت تـدریجی و تراکمی و اشـتدادی وجود یـافته و در گـذر زمـان به عنوان میراث از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافته است.

منابع و عوامل متعـددی در خلق، اسـتمرار و اسـتکمال فرهنگ نقش دارنـد که اهم آن عبارتنـد از: ظرفیت ها و توانش های وجودی مشترک انسـان هـا (اسـتعدادهای فطری و غریزی)، ارتبـاطـات اجتمـاعی، عقلانیت و خرد جمعی (اعم از نظری و عملی)، تجربه های زیست شده، سـرمایه های فرهنگی اجتماعی، ذوقیات و اسـتحسانات غالب و مرجح، ارتباط با طبیعت و ماورای طبیعت، فرصت های تاریخی، شرایط و اقتضائات محیطی و عصری. ادیان الهی نیز همواره، بسته به جایگاه فرهنگی اجتماعی و شرایط تاریخی خود، یکی از کانون های مهم و منابع اصـلی در ارائه، تایید، تصحیح، تغییر و تقویت عناصر رکنی فرهنگ یعنی بینش ها و باورها، گرایش ها و ارزش ها، قواعـد و هنجارها و رفتارها و کردارها بوده اند. همه دنیای انسانی و فعل و انفعالات درونی آن در حوزه پوشـش فرهنگ است. جایگاه محوری

ص: ۱۲۸

فرهنـگ در جـامعه و نقش و تأثیر آن در شـکل گیری و تحولات شخصـیتی و ساختاری واضـح تر از آن است که نیازی به توضـیح داشته باشد. در ادامه این بخش به بیان این جایگاه، در اندیشه رهبران نظام اسلامی اشاره خواهیم کرد.

جایگاه فرهنگ در اندیشه امام خمینی رحمه الله

جایگاه فرهنگ در اندیشه امام خمینی رحمه الله

رهبر کبیر انقلاب اسـلامی در بیـان جایگـاه فرهنـگ و نقش و اهمیت آن در جامعه، دیـد گاه ها و مواضع در خور توجهی را مطرح کرده، از آن جمله: «راه اصـلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است؛ اصـلاح باید از فرهنگ شـروع بشود...اگر فرهنگ درست بشود، یـک مملکت اصـلاح می شود. برای اینکه از فرهنـگ است که در وزارتخـانه ها می رود؛ از فرهنگ است که در مجلس می رود؛ از فرهنگ است که کارمند درست می شود. (امام خمینی رحمه الله ، ج ۱: ۳۹۰)

«فرهنگ، مبـدأ همه خوشـبختی ها و بـدبختی های ملت است. اگر فرهنگ ناصالـح شـد، این جوان هایی که تربیت می شوند به این تربیت های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می کنند. فرهنگ اسـتعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می دهد...وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند از دست ما می روند و انگل بار می آیند، غربزده بار می آیند. (امـام خمینی رحمه الله ، ج ۳: ۳۰۶) «ان شاء اللّه بعـد از اینکه حکومت اسـلامی اسـتقرار پیـدا کرد، نقیصه ها را همه با هم باید رفع بکنیم، که در رأس آنهـا فرهنـگ است. فرهنـگ اسـاس ملت است، اسـاس ملیت یـک ملت است، اساس اسـتقلال یک ملت است.» (امام خمینی رحمه الله ، ج ۷: ۵۷) «بی شک بالاترین و والاترین

ص: ۱۲۹

عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. (امام خمینی رحمه الله ، ج ۵: ۲۴۳)

جایگاه فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری

جایگاه فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری نیز در سال های اخیر، دیدگاه ها و مواضع راهبردی هدایت گری را در خصوص چیستی، جایگاه و اهمیت، نقش و کارکرد، آسیب ها و عوارض، سیاست گذاری و برنامه ریزی، وظایف دولت، نخبگان و مردم در ارتباط با فرهنگ مطرح کرد و بر تحقق برخی مطالبات، همواره اصرار می ورزد. صدور پیاپی و موکد این تذکارها به زبان ها و عناوین مختلف، خود دلیل گویایی بر میزان اهتمام معظم له به حوزه فرهنگ در مقایسه با سایر نظام ها و خرده نظام های جامعه است. در ادامه به نمونه هایی از مواضع اعلانی ایشان در بخش ها و موضوعات پیرامونی فرهنگ اشاره می شود:

«فرهنگ اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه شعب آن یعنی علم و ادبیات و غیره، روح و کالبد هر جامعه است. بی شک، فرهنگ مانند روح است... . نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع، کالبد بزرگ انسانی است.» (۹/۲۶/ ۱۳۸۱) «فرهنگ مایه اصلی هویت ملت هاست. فرهنگ یک ملت است که می تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فن آور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت خودش را

ص: ۱۳۰

از دست داد، حتی پیشرفت هایی که دیگران به آن کشور تزریق می کننـد، نخواهـد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند.» (۲۸/ ۲/ ۸۳) «عزیزان من فرهنگ از اقتصاد هم مهم تر است؛ چراکه فرهنـگ به معنـای هـوایی است که مـا تنفس می کنیم. اگر این هـوا تمیز باشـد آثـاری دارد و اگر کـثیف باشـد آثـار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مانند هواست. اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق یابد، باید فرهنگ تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتـد.» (۱/۱/۱۳۹۳) فرهنگ جهت دهنده به تصـمیمات کلان کشور است؛ این در واقع اهمیت و بناگذاشـتن یک مبنای فرهنگی را در اینجا به ما نشان می دهد. (۲۶/۹/۱۳۸۱)

مهندسی فرهنگ

مهندسی فرهنگ

یکی از مطالبات موکد و راهبردی رهبری معظم از شورای عالی انقلاب فرهنگی، در سال های اخیر، ضـرورت اعمال مهندسـی های متنـاسب در سـطوح کلاـن فرهنـگ کشور برای ظرفیت زایی بیشتر، اصـلاح و پیرایش فرهنـگ موجود، برقراری ارتبـاط میـان نظـام فرهنگی با سایر نظام ها و خرده نظام های اجتماعی جهت تأمین اهـداف و آرمان های فرهنگی انقلاب اسـلامی و توسـعه همه جانبه کشور با الگوی اسلامی ایرانی است.

وی در بیان چیستی مهندسی فرهنگ و نقش محوری آن در تحولات بنیادین کشور می فرماید: «... مهندسی فرهنگ این است که با رویکرد سیستمی اجزاء فرهنگ اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ

ص: ۱۳۱

عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، در مجموعه فرهنگ جانمایی و روابط آنها به خوبی تنظیم شود. ضعف های اجزاء و روابط آنها برطرف شود...؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون زا و صیرورت بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان ها و جامعه به وجود می آید، چگونه باید باشد؛ اشکالات و نواقصش چیست و چگونه باید رفع شود؛ کندی ها ومعارضاتش کجاست؟... برای رسیدن به همه چیزهایی که آرزوی ماست و در چشم انداز ها و افق های دوردست تصویر می کنیم، باید فرهنگ کشور، صحیح و پالایش شده در مجرای درست قرار بگیرد؛ نقایصش تکمیل و ویرانی هایش ترمیم شود؛ جاهای معیوبش اصلاح شود؛ کندی در حرکت فرهنگی برطرف شود تا بتوان به آن مقاصد رسید. (۸/۱۰/۱۳۸۳)

ازاین رو، مهندسی فرهنگ با هدف هدایت تحولات فرهنگی در مسیری مثبت که بتواند به تکامل فرهنگی بینجامد و در نتیجه تداوم و بقای فرهنگی یک جامعه و حفظ هویت آن را تأمین و تضمن کند، ضرورت اجتناب ناپذیر دارد. به بیان دیگر، مهندسی فرهنگ، سنجش، سامان بخشی، اصلاح و ارتقای آگاهانه (مبتنی بر ارزش های بنیادین پذیرفته شده) و فعالانه (بر اساس اهداف و غایات معیّن) مقوله فرهنگ است. (صادقی رشاد، ۱۳۸۶: ۷)

رهبری، همچنین در توضیح وظایف و مأموریت حاکمیت در حوزه فرهنگ نیز می فرماید:

آنچه که در مقوله فرهنگ بر عهده حکومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرزروی

ص: ۱۳۲

نیروها و هرزه رویی علف هرزه ها، هـدایت جامعه به سـمت درست، کمک به رشـد و ترقی فرهنگی افراد جامعه؛ ... ما نه معتقـد به ولنگاری و رهاسازی هستیم که به هرج و مرج خواهد انجامید، نه معتقد به سـخت گیری شدید؛ اما معتقد به نظارت، مدیریت، دقت در برنامه ریزی و شناخت درست از واقعیات هستیم. (۲۳/۱۰/۱۳۸۲)

مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی

یکی دیگر از مطالبـات رهـبری معظم از شـورای عـالی انقلاـب فرهنگی، به تبع و در اسـتمرار مهندسـی فرهنـگ، موضوع مهندسـی فرهنگی است که تاکنون بارها و به صورت موکّد مطرح شده است. بدون تردید، مهندسی فرهنگی، طبق تعریف، نقش تعیین کننده ای در اصـلاح و بهبود وضع نابسامـان فرهنگی کشور، ایجـاد زمینه لاـزم برای مقـابله فعّـال و مبتکرانه بـا ابعاد متنوع تهاجم فرهنگی غرب و از همه مهم تر تضـمین حیات انقلاب اسـلامی به عنوان انقلاب عظیم فرهنگی ایفا خواهد کرد. مهندسـی فرهنگی عبارت از «طراحی» جـامع و منسـجم «نظام» [مـدیریت] فرهنگی کشور بر اساس مبانی نظری و مـدلی دقیق، روشن و روزآمـد و همچنین تعیین مناسـبات آن بـا سـایر نظـام ها (سیاسـی، اقتصادی، مـدیریتی و حقوقی) است. (نک: صادقی رشاد، ۱۳۸۶؛ نـاظمی اردکانی، ۱۳۸۷؛ ودادای و دشتی، ۱۳۸۶)

مهم ترین دغدغه در مهندسی فرهنگی، دست یابی به یک محتوا و صورت فرهنگی اصیل، منسجم، پیوسته، توانمند و روزآمد شامل نظریه ای فرهنگی با روش شناسی اسلامی و همچنین یک مدل فرهنگی

ص: ۱۳۳

ایرانی اسلامی است که بتواند هسته مرکزی هویت ایرانیان را در عصر و زمان حاضر با حفظ پیوستار تاریخی مذهبی شکل دهد.

نرم افزار و زیرساخت پژوهشی لازم برای تحقق مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی متناسب با انتظار رهبری پاسخ یابی عالمانه و محققانه برای مجموعه ای از سؤالات کلیدی است که اهم آن عبارتند از:

۱. شناخت ماهیت و ابعاد فرهنگ به طور عام و فرهنگ ایرانی و اسلامی به طور خاص؛

۲. شناخت مبانی و چارچوب نظری فرهنگ ایرانی اسلامی، مبانی فرهنگ ساز و همچنین نسبت و مناسبات انسان، جامعه و حکومت با فرهنگ؛

۳. شناخت نسبت و مناسبات فرهنگ با سیاست، اقتصاد، حقوق و توسعه؛

۴. شناخت وضعیت فرهنگی کشور بر اساس شاخص های علمی بومی؛

۵. گمانه زنی درباره آینده فرهنگی کشور بر اساس روش شناسی بومی؛

۶. بازنگری و ایجاد شفافیت در رسالت و اهداف فرهنگی کشور؛

۷. تعیین اصول، قواعد، سیاست ها و راهبردهای فرهنگی کشور؛

۸. تعیین چشم انداز مطلوب فرهنگی کشور؛

۹. شناخت و تبیین نظام فرهنگی مطلوب کشور و راه های دست یابی به آن؛

۱۰. اصول، قواعد و سازوکارهای نظارت فرهنگی در کشور؛

ص: ۱۳۴

۱۱. مشخصات و نحوه تدوین برنامه جامع فرهنگی کشور؛

۱۲. تعیین الزامات فرهنگی برای نظام های سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و حقوقی کشور.

تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی

یکی از عوارض و آسیب های فرهنگی که عمری به درازای حیات استعمار دارد، پدیده ای است که از آن به تهاجم یا تعابیر مشابه یاد می شود؛ پدیده ای که در عصر مدرن به یمن دست یابی جهان استکبار به فن آوری های ارتباطی و رسانه های جمعی جهان گستر ابعاد عمیق تر و وسیع تری یافته است. مقام معظم رهبری از اواخر دهه شصت تاکنون، همواره و به بیانات و تعابیر مختلف، خطرات تهاجم فرهنگی را به مردم و مسئولان گوشزد کرد و به نقش فرهنگ و متقابلاً تهاجم فرهنگی در حصول موفقیت ها یا شکست ها در همه عرصه های سازندگی از جمله پروژه اقتصاد مقاومتی توجه داده است.(۱) وی در سخنرانی اخیر خود در حرم مطهر رضوی فرمود:

۱- واژگان به کار رفته در فرمایشات مقام معظم رهبری: جنگ سرد(در بیانات مختلف)، جنگ نرم(۲/۶/۱۳۸۸)، جنگ فرهنگی(۲۲/۲/۱۳۷۷)؛ تعرض فرهنگی(۱۰/۴/۱۳۷۰)؛ محاصره فرهنگی(۲۶/۳/۱۳۷۸)؛ هرج و مرج فرهنگی(۵/۱۰/۱۳۷۵)؛ ورود فرهنگ استعماری(۸/۳/۷۳)؛ تحقیر فرهنگی (۱۵/۱/۱۳۶۸)؛ توطئه فرهنگی (۲۰.۱۱/۱۳۶۸)؛ تهاجم فرهنگ بیگانه (۷/۱۱/۱۳۸۱)؛ سم پراکنی فرهنگی(۲۹/۳/۱۳۸۵)؛ نفوذ فرهنگی(۲۸/۷/۱۳۶۴)؛ فرهنگ زدایی(۱۰/۴/۱۳۸۳)؛ فتنه فرهنگی (۲۸/۸/۱۳۶۵)؛ امواج فرهنگ (۲۰/۱۰/۱۳۷۹)؛ موج مسموم فرهنگ (۱۵/۹/۱۳۶۸)؛ ضایعات فرهنگی(۲۰/۹/۱۳۷۵)؛ تلقین پذیری از فرهنگ بیگانه (۴/۱۱/۱۳۷۸)؛ شبیخون (۱۹/۴/۱۳۷۹)؛ ناتوی فرهنگی (۸/۱۸/۱۳۸۵)؛ لشکری از امکانات فرهنگی و رسانه ای (۱۸/۸/۱۳۸۵)؛ مخدرفروش های فرهنگی (۲۹/۳/۱۳۸۵)، فرهنگ خصمانه (۲۹/۴/۱۳۷۳)؛ فرهنگ وارداتی تحمیلی (۲۸/۸/۱۳۶۲)؛ حاکمیت فرهنگ سلطه(۹/۵/۱۳۶۳)؛ مسخ شدگان فرهنگ (۱۰/۳/۱۳۶۹)؛ تسلط فرهنگی (۲۴/۸/۱۳۷۹)؛ استحاله فرهنگی (۵/۵/۱۳۸۱)؛ تحمیل فرهنگی (۱۹/۴/۱۳۷۴)؛ استهزاء فرهنگی (۴/۱۱/۱۳۶۸)؛ حمله فرهنگی (۱۹/۱۰/۱۳۸۱)؛ فشار فرهنگی (۳/۸/۱۳۶۸)؛ زورگویی فرهنگی (۱/۱۲/۱۳۷۴)؛ غارت فرهنگی (۲۲/۴/۱۳۷۱)؛ قتل عام فرهنگی (۲۲/۴/۱۳۷۱)؛ آلودگی فرهنگی (۱۹/۱۱/۱۳۷۹)؛ انحلال فرهنگی (۲۸/۶/۱۳۸۳)؛ ریشه کن کردن فرهنگ ملی (۲۱/۵/۱۳۷۱)؛ اقدام آرام و بی سر و صدا (۲۱/۵/۱۳۷۱)؛ جنگ رسانه ها (۱۱/۹/۱۳۸۳)؛ هجوم انبوه افکار مختلف در راهروهای اطلاعاتی جهانی (۱۷/۸/۱۳۸۵)؛ ترویج بی اعتنایی به هویت های ملی و مبانی فرهنگی (۱۸/۸/۱۳۸۵)؛ تلاش جبهه استکبار برای بی محتوا کردن نظام اسلامی (۲۸/۱۱/۱۳۸۷).

ص: ۱۳۵

مسئولان فرهنگی باید مراقب رخنه فرهنگی باشند. رخنه های فرهنگی بسیار خطرناک است و باید حساس باشند. نمی خواهیم بگوییم همه آسیب های فرهنگی کار بیگانگان است. خودمان هم مقصریم. مسئولان فرهنگی و غیر فرهنگی و کم کاری ها وغلط کاری ها همه تأثیر داشته. اما حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگی نمی توان فراموش کرد. از روزهای اول انقلاب تا امروز دشمنان همه توان خود را گذاشتند تا مردم را نسبت به پایه های انقلاب بی تفاوت کنند. ایمان مردم را مورد تهاجم قرار دادند. باورهای قلبی مردم را. این را نمی شود انسان ندیده بگیرد. (۱/۱/۱۳۹۳)

شهید مطهری، استعمار فرهنگی را مقدمه و موفقیت در آن را شرط تحقق سایر گونه های استعمار برشمرده اند:

استعمار سیاسی و اقتصادی آن گاه توفیق حاصل می کند که استعمار فرهنگی توفیق به دست آورده باشد و بی اعتقاد کردن مردم به فرهنگ خودشان و تاریخ خودشان شرط اصلی این موفقیت است، استعمار دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده،

ص: ۱۳۶

فرهنگی که مردم به آن تکیه می کننـد، فرهنگ و ایدئولوژی اسـلامی است. پس مردم از آن اعتقاد، ایمان، اعتماد و حسن ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساخته شدن طبق الگوی غربی گردند. (مطهری، ۱۳۸۰: ج۱۴: ۳۱۰)

تعریف تهاجم فرهنگی

تعریف تهاجم فرهنگی

تهـاجم فرهنگی یعنی تلاـش برنـامه ریزی شـده و سازمـان یـافته یـک گروه، ملت، فرهنگ یا دولت، برای تحمیل باورها، ارزش ها، اخلاقیات، الگوها و سـبک های زیستی مورد قبول خویش بر سایرین با بهره گیری از تکنیک ها و شـیوه های مرموز و با انگیزه ها و اغراض برتری طلبانه و منفعت جویانه.

اهداف تهاجم فرهنگی

اهداف تهاجم فرهنگی

هـدف از تهـاجم فرهنگی، ایجـاد تغییر در باورهـا، ارزش ها، رویه ها، منطق تصـمیم گیری و نظام رفتاری است و در نهایت منجر به استیلای سیاسـی و اقتصادی بر کشور مهاجم می شود. «مهاجم فرهنگی» سعی می کند با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتمـاعی و فن آوری، به مبـانی انـدیشه و رفتارهـا یـک ملت هجوم آورده و با تحدیـد، تضـعیف، تحریف و احیاناً نفی و طرد آنها، زمینه حاکمیت اندیشه، ارزش ها و رفتارهای مطلوب خویش را فراهم آورد. فرهنگ مهاجم عمدتاً از طریق محصولات و مصنوعات فرهنگی و کالاهـای مصـرفی صـادراتی به این کشورهـا راه می یابـد. نفوذ فرهنگی نه از طریق زور و جبر که عمـدتاً از طریق غفلت زایی، اقناع سازی، تردید در ارزش و

ص: ۱۳۷

اعتبـار سـرمایه هـای فرهنـگ خودی، بهره گیری از شـرطی سـازی و بازتاب های شـرطی صورت می گیرد و به تبع آن فرد و جامعه مغلوب، به محرک ها و واکنش های متناسب با القائات فرهنگ مهاجم، برانگیخته می شود.

همـان گونه که در قبـل بیـان شـد شـروع تاریـخ تهـاجم کشورهـای اروپـایی به کشورهـای توسـعه نایافته یا در حال توسـعه از جمله کشورهای اسلامی، عمری به درازای حیات استعمار دارد، اما اشکال جدید این پدیده در چند دهه اخیر ضمن فرآیند جهانی شدن و با محوریت نشر فرهنگ امریکایی، وضعیتی را به وجود آورده که در کنار سایر گونه های امپریالیسم، از آن به امپریالسم فرهنگی یا واژگانی نرم و خنثی همچون یکسان سازی یا عام گرایی فرهنگی یاد می شود.(۱)

لازم به ذکر است که در تبیین رونـد جهانی شـدن فرهنگ، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. دیدگاه غالب این حوزه، جهانی شدن فرهنـگ را یکپـارچه شـدن، یکسـان سـازی، غلبه یک فرهنگ جهان گستر بر سایر فرهنگ های ملی و منطقه ای و به بیان روشن تر تحقق «امپریالیسم فرهنگی» ارزیابی می کنـد. «جهانی شدن فرهنگ عبارتست از: شـکل گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصـه جهانی. این فرآینـد موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می آورد و همه خاص های فرهنگی را به چالش می طلبد. فرآیند جهانی شدن در عین حال که اقتصاد جهانی و جامعه ای فراملی به وجود می آورد، فرهنگی جهانی را

۱- یکی از فرهنگ شناسان از این پدیده به قوم کشی (فرهنگ کشی) جوامع صنعتی یاد کرده است. (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۳۷)

ص: ۱۳۸

نیز شکل می دهد.» (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۸) این دیدگاه با تأکید بر موضع انفعالی بیشتر فرهنگ ها و خرده فرهنگ های موجود در رویارویی و مواجهه قهری با فرهنگ سرمایه داری غالب و برخودار از امکانات و شرایط ارتباطی ویژه، استحاله و فرسایش تدریجی آنها را در فرآیند جهانی شدن پیش بینی می کند. طبق این دیدگاه و نظریات همسو، جهانی شدن اقتصادی ناشی از سلطه نظام سرمایه داری و شرکت های قدرتمند چند ملیتی، لاجرم نوعی جهانی شدن فرهنگی را رقم خواهد زد. جهانی شدن اقتصادی بالتبع، بستر و زمینه شکل گیری و اشاعه فرهنگی متناسب را آماده کرده؛ فرهنگی که با قوّت و سرعت همه مرزهای فیزیکی و فرهنگی موجود را درنوردیده و به لایه های عمیق فرهنگی اقوام و ملت های هدف راه یافته و روزمره نیز بر گستره و دامنه نفوذ آن افزوده می شود. فرهنگ ها و خرده فرهنگ های سنتی در جوامع مختلف در گیرودار این تقابل چاره ای جز عقب نشینی و تسلیم، درآمیختگی و ادغام و در برخی سطوح فرسایش و زوال نخواهند داشت. این برداشت از جهانی شدن، تقریر دیگری از نظریه موسوم به «امپریالیسم فرهنگی» است که فرآیند جهانی شدن را در راستای گسترش نوعی فرهنگ مصرفی ارزیابی می کند. روایت خاص تری از همگونی و یک پارچه سازی فرهنگی، امریکایی کردن فرهنگ جهانی است. قائلان به این نظریه، برآنند که امریکا (و در رتبه بعد اروپای غربی) به دلیل برخورداری از سلطه بلامنازع بر منابع و مجاری اصلی تولید و توزیع فرهنگ همچون فن آوری های ارتباطاتی و اطلاعاتی، بنگاه های خبری، امکانات زیاد در عرصه تولید و توزیع برنامه های متنوع رسانه ای به ویژه صنعت فیلم سازی، نفوذ وقدرت تبلیغاتی، تولید

ص: ۱۳۹

و انتشار کتب و نشریات علمی، نفوذ و اقتدار بلامنازع سیاسی و اقتصادی در جهان، ارتباطات گسترده میان فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی قوی، و بالاتر از همه انگیزه و اهتمام جدی برای بسط سلطه و موقعیت و جهانی ساختن فرهنگ خویش؛ امکان رسیدن به این مهم را بیش از پیش برای خود فراهم ساخته اند. بنابراین، فرهنگ جهانی به تدریج در مسیر امریکایی شدن و اروپایی شدن هر چه بیشتر سیر می کند. این پدیده بارزترین جلوه «استعمار نوین» است. بی شک، بخشی از بدبینی های موجود نسبت به جریان جهانی شدن، از همین سنخ عوارض ناشی شده است.

تهاجم و تبادل فرهنگی

تهاجم و تبادل فرهنگی

فرهنگ هر جامعه به عنوان موجودی زنده و پویا با سایر فرهنگ های موجود در سپهر ارتباطی آن، داد و ستد و تأثیر و تاثر متقابل دارد. هیچ فرهنگی نمی تواند در قلمرو استحفاظی خود محدود مانده و در عین حال رشد و شکوفایی ویژه داشته باشد. از این پدیده به «تبادل فرهنگی» یاد می شود. فرهنگ های مهاجم، در مقام اعتراض، گاه عملکرد خود را تحت عنوان تبادل فرهنگی توجیه می کنند. تردیدی نیست که تهاجم، وجهی خاص از عملکرد یک فرهنگ در برابر سایر فرهنگ ها است؛ وجهی که در آن فرهنگ مهاجم سعی دارد برای تسلط بر فرهنگ مورد هجوم، فرآیند دوسویه تعامل را به کشمکشی مخرب بدل کند. تبادل فرهنگی با ویژگی هایی از تهاجم فرهنگی تمایز می یابد که اهم آن عبارتند از:

۱. تبادل فرهنگی، آموختن و فراگرفتن انتخابی پاره ای از اندیشه ها و

ص: ۱۴۰

رفتارها از فرهنگ های دیگر به وسیله عموم افراد یک جامعه است؛

۲. در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن و کامل نمودن فرهنگ ملی است، ولی هدف تهاجم فرهنگی، تسلط بر فرهنگ دیگر و خودباخته و دنباله رو نمودن آن و احیاناً، از بین بردن فرهنگ دیگر است؛

۳. تبادل فرهنگی با آگاهی و اراده صورت می پذیرد، ولی تهاجم فرهنگی با تحمیل خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه انجام می شود؛

۴. در تبادل فرهنگی، فرهنگ ها، گیرنده عناصر مطلوب فرهنگی یکدیگرند، اما در تهاجم فرهنگی، فرهنگ مهاجم هنجارها، باورها و ارزش های خود را که در فرهنگ مورد تهاجم نامطلوبند، بر فرهنگ مورد تهاجم تحمیل می کند؛

۵. تبادل فرهنگی، با اتکاء به نقاط قوّت فرهنگ ها انجام می شود، ولی تهاجم فرهنگی، با اتکاء به نقاط قوّت فرهنگ مهاجم و نقاط ضعف فرهنگ مورد تهاجم، به وقوع می پیوندد؛

۶. در تهاجم، فرهنگ مهاجم، فرصت گزینش، شناخت و تجزیه و تحلیل مواد تشکیل دهنده خود (باورها، ارزش ها، معیارها و)... را به فرهنگ مورد هجوم نمی دهد، بلکه با برخورداری از قدرت تهاجمی خود، ارزش ها و معیارهایی را بر آن تحمیل می کند که گاه حتی در حیطه سرزمین خود نیز فاقد مطلوبیت و مشروعیت اند؛

۷. تعامل فرهنگی، عاملی در جهت رشد، شکوفایی و غنی شدن فرهنگ هاست، ولی تهاجم فرهنگی، ارزش ها و معیارهای مذهبی و ملی فرهنگ مورد هجوم را از ساحت آن زدوده و یا تضعیف می کند و فرهنگی با ارزش های مغایر و متضاد را جانشین می سازد؛

ص: ۱۴۱

۸. هـدف تهـاجم فرهنگی، کم رنگ کردن و در صورت امکان، نابودی باورها و ارزش های فرهنگی و جانشـینی ارزش های مورد نظر خویش است. در حـالی که تعامـل فرهنگی، غنـای فرهنگ های متعامل را افزایش داده و با آشـنا نمودن فرهنگ ها با یکـدیگر، افق هـای دیـد آنهـا را وسـعت می بخشـد. از موارد فوق روشن می شود که تعامل، گزینش صـرف یا تسـلیم در برابر فرهنگ بیگانه نیست، بلکه فرآیندی است که در آن، فرهنگ خودی با توجه به غَنای درونی خویش و با ملاحظه نیازها و کاستی های خود، بخش هایی از فرهنگ بیگانه را گزینش کرده و آن را در قالب یک بازتولیـد فرهنگی، به پیکره خود پیونـد می زنـد. بدیهی است که اگر روند تعامل بر هم خورده و قدرت فرهنگی فرهنگ مورد تعامل در این دادوسـتد غالب و حاکم شود، پدیده ای شـکل می گیرد که از آن به «تهاجم یا هجوم فرهنگی» یاد می شود. (نقل با تصرف از: سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی،

(http: // sccr. ir/ pages/ simple View. aspx

شیوه ها و شگردهای تهاجم

شیوه ها و شگردهای تهاجم

شواهـد تجربی نشان می دهد که فرهنگ مهاجم در جهت پیشبرد اهداف خود، از شـیوه ها و روش های متنوع و خلاقی سود جسـته است. برخی از شـیوه ها و شـگردهای شـناخته شـده آن عبارتنـد از: فتنه انگیزی؛ تفرقه آفرینی؛ ایجاد اختلاف میان مسئولان؛ بحران سـازی؛ تبلیغـات سوء؛ شـبهه افکنی و تردیـد آفرینی؛ وارونه نمـایی؛ بزرگ نمـایی ضـعف ها؛ کوچک نمایی نقاط قوّت؛ تلاش در جهت تبدیل رقابت های سیاسی به نزاع های سیاسی؛ القای یأس و ناتوانی؛ ترویج بی بندوباری و فساد اخلاقی؛ تعرض به عقبه

ص: ۱۴۲

فرهنگی و اعتقادی نظام؛ تقابل نظری با بنیادهای اعتقادی و ارزشی؛ عوام فریبی؛ شایعه پراکنی؛ تقویت عناصر ضد انقلاب؛ دامن زدن به فرقه گرایی؛ اشاعه فرهنگ انحرافی؛ سرگرم سازی نسل جوان به لذات و شهوات (ترغیب به سرگرمی های بازدارنده، زندگی راحت و تجملاتی، اشتغال به مال و دنیاطلبی، فراموشی آرمان ها و...)، اتهام زنی به نظام (نقض حقوق بشر، ممانعت از آزادی های مشروع، اعمال محدودیت برای اقلیت ها و...)، ابهام آفرینی؛ تزریق لاابالی گری و اباحی گری؛ تهدید با هدف مرعوب ساختن ملت؛ القای شعار جدایی دین از سیاست؛ تعارض دین و علم؛ ناتوانی دین از اداره جامعه؛ ترویج سبک زندگی مدرن؛ ایجاد روح غفلت از آرمان ها ترویج افکار و اندیشه های ضد دینی و التقاطی؛ توهین به مقدسات؛ تقدس زدایی از ارزش ها و آرمان ها؛ ترویج بی حجابی و بدحجابی؛ برجسته سازی شخصیت های الگویی فاسد و ناهمخوان؛ ترویج اندیشه های روشنفکرمابانه؛ ترویج معنویت های انحرافی؛ رواج نمادها و نشانه های فرهنگی بیگانه و انحرافی؛ عادی سازی ارتکاب گناه و نقض حدود و... .

اغراض و اهداف تهاجم فرهنگی

اغراض و اهداف تهاجم فرهنگی

بی شک دشمن از رهگذر این سنخ فعالیت های پیچیده، گسترده، بعضاً طولانی مدت و پرهزینه، اهداف و اغراضی را جست وجو می کند که برخی از مهم ترین آنها عبارتند از:

تحکیم سلطه غرب، تضعیف وحدت ملی، تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی، تضعیف ارزش ها و مزیت های فرهنگ ملی، تضعیف هویت ملی و دینی، زوال تدریجی انقلاب، تغییر ساختارهای اصلی نظام،

ص: ۱۴۳

تغییر تـدریجی هویت فرهنگی نظـام، اسـتحاله فرهنگی (تهی کردن نظـام از مضـمون و محتوای اسـلامی)، تضـعیف روح انقلابی و ویژگی ضـد اسـتکباری نظام، اخلال در سـرمایه های فرهنگی و اجتماعی، بی اعتقاد کردن نسل جدید به دین و انقلاب، ایجاد روح بی تفاوتی در مردم، مخـدوش ساختن کارایی نظام و مسـئولین، تحقیر و تحریف تاریخ، تقویت روح دنیاطلبی و مادی گرایی، القای یـأس و نومیـدی از نتایـج مبـارزه، سـلب ابتکـار عمل از جمهوری اسـلامی در تأثیرات منطقه ای، ابتلای جوانان به فساد، ایجاد روح انفعال، ایجاد ازخودبیگانگی فرهنگی، ایجاد شـکاف میان مردم و مسـئولان، تضـعیف اعتماد به نفس ملی، منصـرف کردن اذهان از دشمنی دشمنان، خدشه دار ساختن چهره های الگویی و اسوه ها و... .

سوژه های هدف دشـمن در این فرآیند عبارتند از: مشروعیت نظام، اصل ولایت فقیه، وحدت و انسجام ملی، فرهنگ مذهبی، امنیت اجتماعی و اخلاقی، اعتماد مردم به کارآمدی نظام و مسـئولان، سنگرهای معنویت، پیشرفت و استقلال کشور، فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت.

زمینه های داخلی مؤثر در کارایی و اثربخشـی جریان تهاجم: دسترسـی آسان به وسایل ارتباطی، ضعف یا عدم حساسیت درخور در مقابـل موج های فرهنگی دشـمن، تساهل و تسامـح در برخورد با منکرات فرهنگی، غفلت مسـئولان، فقـدان سیاست های مشـخص فرهنگی در کشور، تکثر متولیـان فرهنگی و تعـدد و تشـتت رویه هـا، غربزدگی برخی گروه هـا و تمایـل مثبت به ارزش های غربی، روشـنفکری بیمار در محیط های دانشـگاهی، اختلافات سیاسـی بین مسئولان، جریانات سیاسی، روحانیت و...؛ جمعیت بالای جوان، مشکلات اقتصادی، بی کاری، فاصله

ص: ۱۴۴

طبقاتی، بالارفتن سن ازدواج، نابسامانی درصدی از خانواده ها، ضعف خودباوری، احساسات خام دینی برخی گروه ها، ضعف امکانات نرم افزاری خلاق برای تأمین نیازهای فرهنگی اقشار مختلف، ضعف امکانات برای پوشش فرصت های فراغتی نسل جوان، نفوذ و اقتدار علوم انسانی غربی در محیط های علمی و... .

نقاط قوّت ما در این مصاف نابرابر عبارتند از: برتری و حقانیت منطق اسلام و انقلاب، هدایت های داهیانه و روشنگرانه رهبری معظم، بیداری و هوشیاری مردم، استقلال سیاسی کشور، سرعت گرفتن چرخه پیشرفت، تجربیات ناشی از مبارزه و رویارویی با دشمنان و ترفندهای آنها، جرئت و جسارت مقابله، نفوذ فرهنگ عاشورایی و روحیه بسیجی، عشق و امید به موضوع مهدویت و انتظار، تعلق خاطر عمیق جوانان به معنویت دینی، خودباوری و شور انقلابی، درخشش علمی و تحقیقاتی کشور، امید به آینده روشن، کاهش تدریجی مشکلات اقتصادی و... .

وظایف و بایسته های عملی

وظایف و بایسته های عملی

بی شک، همه افراد و آحاد جامعه بسته به موقعیت و توان، در این مواجهه عظیم و سرنوشت ساز، وظیفه و مسئولیت خطیر دارندکه اهم آنها عبارتند از: تکیه بر قدرت ایمان و معنویت، پای بندی به ارزش ها و آرمان های انقلاب، تکیه بر هویت ملی و انقلابی، تکیه بر ظرفیت های معنوی مردم، تولید فکر و اندیشه و لزوم پیکار نظری با جریانات فکری، جدی گرفتن تحقیق و پژوهش و فرآیند تولید علوم انسانی دینی، پایان دادن به مصرف بی رویه اندیشه های وارداتی وترجمه ای،

ص: ۱۴۵

مدیریت و جهت دهی به فکر و فرهنگ عمومی (توسط رسانه ها و سازمان های مسئول)، تقویت بنیادهای اخلاقی جامعه، لزوم ارتقای معرفت و ایمان مذهبی، تقویت مدیریت اجرایی کشور، بسترسازی برای تحقق عدالت اجتماعی و رفع برخی گونه های تبعیض توجیه ناپذیر، تضعیف زندگی اشرافی و تجملی، توجیه صحیح و منطقی افکار عمومی، تجهیز مردم به سرمایه های معنوی، افزایش امنیت شهروندی، حفاظت از مرزهای فکری و فرهنگی، اعطای توان و نشاط به نسل جوان به ویژه دانشجویان، بهره گیری فعال از ظرفیت مجموعه های فرهنگی، هنری و ادبی برای ارتقای رشد فرهنگی، تقویت بصیرت عمومی در رویارویی با دشمن و توطئه های رنگارنگ آن، روشنگری در فتنه ها، میدان دادن به نیروهای مؤمن و کارآمد، فعالیت جدی قوای اجرای کشور و اثبات کارآمدی نظام، افزایش امنیت قضایی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، نقد منصفانه عملکرد دستگاه ها، افزایش آگاهی جمعی نسبت به فرهنگ وارداتی غرب، برجسته سازی و حفط مرز با غیر خودی ها، پرهیز از جدال بر سر سلیقه ورزی های سیاسی، تقویت استحکام و همبستگی ملی، حفاظت از سرمایه های فرهنگی، بسترسازی جهت اقامه عمومی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری ملی، لزوم برجسته سازی مرزهای اعتقادی، فکری و سیاسی برای جلوگیری از انحرافات، دفاع قاطع از محتوای انقلابی و اصول ارزشی انقلاب، افزایش آگاهی و آمادگی همگانی، افزایش اعتماد مداوم به نظام اسلامی، تقویت امید به آینده، پیگیری گفتمان پیشرفت و عدالت، بهره گیری جدی از ظرفیت های رسانه ای برای خنثی سازی توطئه های فرهنگی، ساماندهی

ص: ۱۴۶

به فعالیت های تبلیغ دینی، بهره گیری بهتر و بیشتر از ظرفیت هیئت های مذهبی و کانون های دینی، استفاده بیشتر از ابزار هنر در انتقال مضامین فرهنگی، افزایش ضریب هوشمندی عمومی و... (برای اطلاع بیشتر از موضوع تهاجم فرهنگی، شگردها، ابعاد و آثار آن، نک: تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، اندیشه های راهبردی (۲)، بی تا؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۷۱ ۱۷۶؛ حداد عادل و دیگران، ۱۳۷۴)

سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی

سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسات ۴۴۴ تا ۴۵۹ خود (مورخ ۱/۴/۱۳۷۸لغایت ۲۴/۱۲/۱۳۷۸) در خصوص مقابله با جریان تهاجم فرهنگی سیاست هایی را تصویب کرده و به سازمان های فرهنگی مختلف کشور ابلاغ کرد. بخشی از مهم ترین این سیاست ها عبارتند از:

۱. مشخص کردن نقاط تهدید و مورد هجوم؛

۲. تعمیق شناخت و باور دینی؛

۳. اصلاح رفتار مدیران؛

۴. ترویج و گسترش معرفت و ارزش های اسلامی ایرانی و انقلاب اسلامی و رسوخ در قلوب افراد؛

۵. ایجاد زمینه های مناسب برای شناسایی، هدایت استعدادها و حمایت از خلاقیت های انسانی و کوشش برای شکوفا شدن روحیه ابداع هنری و نوآوری در حوزه های مختلف؛

۶. تلاش هر چه بیشتر برای برقراری عدالت اجتماعی؛

۷. اهتمام به آراستگی سیمای جامعه به مظاهر اسلام و انقلاب اسلامی؛

ص: ۱۴۷

۸. رعایت اصول و ارزش های اسلامی ایرانی در برنامه ریزی های توسعه کشور؛

۹. ساماندهی و هماهنگ کردن فعالیت های فرهنگی نهادها و دستگاه های فرهنگی کشور؛

۱۰. تلاش در جهت قانونمندی بیشتر در فعالیت های فرهنگی و معنوی؛

۱۱. ایجاد زمینه های رشد کمی و کیفی آثار و خدمات فرهنگی و بهره گیری از فن آوری مناسب روز و پویاسازی و فعال کردن عناصر فرهنگ؛

۱۲. فراهم آوردن امکان استفاده بهینه از آثار و خدمات فرهنگی برای عموم مردم؛

۱۳. گزینش و اولویت بندی بخش های مورد تهاجم؛

۱۴. تحکیم وحدت و همبستگی ملی ضمن احترام به آداب و رسوم و فرهنگ های محلی؛

۱۵. اهتمام به اطلاع رسانی صحیح و بارور کردن اوقات فراغت جامعه از طریق رسانه ها؛

۱۶. احیاء و حمایت از نهادهای فرهنگی مردمی؛

۱۷. توجه به بخش فرهنگ در نظام کلی برنامه ریزی توسعه کشور؛

۱۸. ارزیابی و بازشناسی مستمر سیاست ها، معیارها و ضوابط فعالیت های فرهنگی در بخش های مختلف؛

۱۹. اهتمام نسبت به معرفی شخصیت های تاریخی اسلام و ایران؛

۲۰. توجه به کارآمد بودن دین در امر حکومت و مبارزه با تفکر جدایی دین از سیاست؛

ص: ۱۴۸

۲۱. افزایش شناخت و مطالعه دقیق در زبان، تاریخ، جغرافیا، آداب و رسوم اسلامی و ایرانی و آگاهی از روحیات و گرایش ها و باورهای مردم کشور برای برنامه ریزی فرهنگی مبتنی بر واقعیت ها؛

۲۲. توجه به اهمیت و نقش ابزارهای هنری و به کارگیری شیوه ها و بیان هنری در ترویج مفاهیم و معارف اسلامی، ایرانی و تعمیق و اصلاح فرهنگ عمومی؛

۲۳. ارائه الگوها و سرمشق های مناسب برای آحاد جامعه؛

۲۴. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر؛

۲۵. تکیه بر نیروهای مؤمن و متعهد آموزش دیده فرهنگی؛

۲۶. تفکیک نتایج عملکرد مدیران بخش های گوناگون از ارزش های دینی؛

۲۷. مشارکت و بسیج مردمی برای رسیدگی به مشکلات فرهنگی؛

۲۸. هماهنگی بین ارگان ها و نهادها برای جلوگیری از تاثیر منفی بعضی از برنامه ها و فعالیت های غیر فرهنگی مؤثر بر فرهنگ؛

۲۹. توسعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی در کشور؛

۳۰. شناخت و بهره گیری از امکانات جهان اسلام و دنیای شرق برای تقویت خود و مقابله با تهاجم؛

۳۱. ایجاد توافق روی ابعاد فرهنگ اسلامی؛

۳۲. توجیه و اطلاع رسانی به شخصیت ها و گروه های مرجع نسبت به پی آمدهای نامطلوب مواضع و رفتار آنان؛

۳۳. اولویت بخشیدن به اصل مهم پاسخ گویی منطقی و با سعه صدر به پرسش ها و ابهامات، به جای تخطئه سیاسی یا ارزشی.

ص: ۱۴۹

وظایف همگان در موضوع بازسازی فرهنگی

وظایف همگان در موضوع بازسازی فرهنگی

همان گونه که رهبری نظام، بارها و مؤکد تذکر داد، مهندسی فرهنگی یا بازسازی فرهنگی یکی از راه های مهم، برای ایجاد مصونیت فرهنگی یا کاهش ضریب نفوذ و تأثیر دشمن در عرصه تهاجم فرهنگی است. تردیدی نیست که بازسازی فرهنگی به عنوان طریقی تمهیدی برای مواجهه عملی با موضوع تهاجم، نیازمند عزم همگانی است و انتظار می رود که همه اقشار جامعه بسته به موقعیت و توان در این فرآیند پیچیده، کثیرالابعاد، پهن دامنه، چند ساحتی، نرم و سیال و...؛ متعهدانه و مسئولانه مشارکت جویند. این بخش را با ذکر بیانات یکی از اندیشمندان معاصر به پایان می بریم:

آنچه بیش از هرچیز بایـد مورد توجه واقع شود کمبود فرهنگی و بازسازی فرهنگی است. هرکس در هر نهادی به اندازه توانش باید به این بازسازی کمک کند. کمبود و بازسازی فرهنگی مسئله ای است که تنها در انقلاب ما نقش مهمی را ایفا می کند، در حرکت انبیای الهی نیز این مسئله در رأس امور بوده و به یقین می توان گفت حرکت انبیا در طول تاریخ بشر، بیش از هر چیز صبغه فرهنگی و الهی داشته است، سروکارش با عقل و دل و فکر و اندیشه مردم بوده است و سایر مسائل از قبیل مسائل اقتصادی، روابط اجتماعی و غیر ذلک، نقش ابزار یا مقدمه را داشته اند. خط اصلی حرکت انبیا، خط فرهنگی است، و این انقلاب هم که دنباله حرکت انبیا و ائمه اطهار(عع) می باشد، بر همین اساس بنا شده است. امروز ما موظفیم که مردم خود را از نظر فکری

ص: ۱۵۰

تغذیه کرده، بینش های صحیح اسلامی را به آنها ارائه دهیم و ارزش های اسلامی را ترویج نموده، زنده کنیم. بنابراین، اساس تبلیغ در این دوره بازسازی و نیز در دوره های آتی باید بر تبیین حقایق اسلام و ترویج ارزش های آن، و در یک کلام برپایه بازسازی و ارائه فرهنگ اصیل اسلامی استوار شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۶۵)

نقش فرهنگ در اقتصاد

نقش فرهنگ در اقتصاد

همان گونه که در بخش تعریف فرهنگ بیان شد، فرهنگ همه دنیای انسانی را اقیانوس وار در خود غوطه ور ساخته و بر همه محصولات و مصنوعات انسانی، رنگ می زند. بر اساس هر فعالیت انسانی و هر تصرفی که انسان اجتماعی در خود و در محیط، اعم از محیط اجتماعی و محیط طبیعی صورت می دهد، با میانجی و دخالت فرهنگ اتفاق می افتد.

فرهنگ شناسان در توضیح نسبت میان انسان و فرهنگ برآنند که انسان موجودی است که نسبت به وضعیت موجود و آنچه در برابرش قرار می گیرد، با اتکا به معناهای پذیرفته شده واکنش نشان می دهد. عمل انسان ناشی از تصوراتی است که به طور نمادین، وضعیت موجود را معنا و تفسیر می کنند و معرّف آن هستند. از دید فرهنگ شناسان، انسان موجودی است فرهنگی که واقعیت ها و پدیده ها را با توجه به معانی و دلالت های معنایی آنها خلق می کند و بر اساس معناهای تنظیم شده و نهادی شده و تلقی های بین الاذهانی، رفتار و عمل می کند. رفتار انسان هر چند در مواردی با دخالت غیر مستقیم محرک های

ص: ۱۵۱

غریزی به وقوع می پیوندد اما در چنین مواردی نیز فرهنگ هدایت گر اوست نه اقتضائات طبیعی و کشش های زیستی. به بیان دیگر، هر اثری که در نتیجه دخالت و وساطت مستقیم و غیر مستقیم انسان اجتماعی به عرصه واقعیت و ظهور درمی آید، رنگ و صبغه فرهنگی داشته و متضمن نوعی معنا است. مواجهه انسان با طبیعت نیز موجب می شود تا طبیعت مورد تعامل و تصرف انسان، ماهیت فرهنگی یافته و در چارچوب نظام معنایی او رمزگشایی و تفسیر شود. (نک: بشیریه، ۱۳۷۹: ۸؛ پهلوان، ۱۳۸۸: ۷۸) جامعه نیز به عنوان برجسته ترین محصول حیات جمعی، واقعیتی کاملاً فرهنگی است که در نتیجه تعاملات معنادار انسان ها به وجود آمده و با تکیه بر نظام های معنایی نهادی شده استقرار و استمرار می یابد. نهاد ها، برنامه ها، کنش ها و سازوکارهای اقتصادی جامعه نیز به عنوان مجموعه ای از تمهیدات اصلی عقلانیت جمعی، جهت تأمین بخشی از نیازهای اولی و ثانوی انسان ها از این قاعده مستثنی نیستند.

بسترهای فرهنگی اقتصاد

بسترهای فرهنگی اقتصاد

تردیدی نیست که وقوع هرگونه توسعه و پیشرفت در بستری فرهنگی و متناسب با اقتضائات غالب آن به وقوع می پیوندد. از دید برخی نظریه پردازان توسعه:

هر دیدگاهی درباره کیفیت زندگی، اگر عمیقاً ارزش های فرهنگی را در نظر نگیرد، بی معنی خواهد بود. همچنین توسعه منابع انسانی، مبنای فرهنگی دارد. اندیشه نیازهای اساسی یا حداقل نیازها تغذیه، آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و

ص: ۱۵۲

فراغت به شکلی ارگانیک با فرهنگ، پیوند خورده است. با این چشم انداز، فرهنگ همچنان، اهمیت بیشتری خواهد یافت. بنابراین، در هیچ حالتی نمی توان فرهنگ را به کناری نهاد؛ زیرا در آن صورت با واکنش های غیر قابل پیش بینی مواجه خواهیم شد. (دیوب، ۱۳۷۰: ۳۵.

توجه به نقش فرهنگ در توسعه، به آراء ماکس وبر (Max Weber) جامعه شناس آلمانی در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، منسوب است، اگرچه ارجاع جدی به آن توسط نظریه پردازان توسعه، تنها در چند دهه اخیر قرن گذشته صورت پذیرفته است. وبر در این اثر بر نقش باورها و ارزش ها جامعه از جمله: ارزش های مقوم عقلانیت، عرفی شدن، کار و تلاش سخت، صرفه جویی، پس انداز و نگرش هایی همچون توفیق گرایی در امر توسعه تحت عنوان «اخلاق پروتستان» تأکید کرده است. وبر همچنین بر نقش و اهمیت نهاد تعلیم و تربیت به عنوان نهاد عهده دار انتقال فرهنگ و درونی ساختن ارزش ها و شکل دادن به باورها و نگرش ها و نحوه ارتباط آن با سایر نهادها از جمله دین و دولت تأکید کرده است. (رجب زاده، ۱۳۷۵: ۷۷) بدیهی است که نوع و میزان دخالت فرهنگ در توسعه، تابع تصویر و تعریف و سطح انتظار ما از توسعه خواهد بود. نظریات ارائه شده نیز سهم یکسانی برای دخالت فرهنگ در امر توسعه قائل نیستند و نمی توانند باشند.

نظر به اهمیت نقش فرهنگ در توسعه (اعم از نقش مثبت و منفی یا تشویق کننده، تسهیل کننده، تشدیدکننده، بازدارنده، کندکننده و عباراتی از این دست که در محاورات اندیشمندان توسعه به ویژه در مقام تبیین، نقش دین و توسعه، زمینه فراوانی طرح یافته است)، این بخش را با بسط بیشتری پی می گیریم.

ص: ۱۵۳

سؤال اصلی این بخش این است که چه نسبت میان توسعه و فرهنگ وجود دارد. تردیدی نیست که توسعه به عنوان یک تحول همه جانبه و پایدار درونی در یک جامعه، با فرهنگ غالب، سرمایه ها و ظرفیت های فرهنگی و معنوی آن به عنوان گسترده ترین پارادایم حاکم که در تاروپود جامعه نفوذ داشته و همه ابعاد خرد و کلان آن از سطوح ساختاری گرفته تا نظام شخصیتی و حوزه رفتاری را آشکار و پنهان متاثر ساخته، نسبت علی و معلولی و طبق برخی تلقی ها نسبت دو سویه و متقابل دارد. لازم به ذکر است که در این بحث، معمولاً ـ دو مفهوم بیش از سایر مفاهیم به کار رفته و در مواردی نیز به دلیل مشابهات ظاهری، سوء فهم ها و خلط مبحث هایی را موجب شده است. این دو مفهوم، یکی «فرهنگ توسعه» است که بیشتر مبیّن نقش علی فرهنگ (به عنوان یک متغیر مستقل) در ایجاد توسعه و دگرگونی همه جانبه و پایدار اجتماعی (به عنوان متغیر وابسته) می باشد. و دیگری، مفهوم، «توسعه فرهنگ» یا «توسعه فرهنگی» است که به عنوان یکی از انواع چندگانه توسعه همچون توسعه اقتصادی، سیاسی، اداری، نظامی و... از آن سخن گفته می شود. به بیان دیگر، توسعه فرهنگی یعنی ایجاد دگرگونی های لازم در فرهنگ و عناصر و منظومه های فرهنگی با هدف سازگار ساختن آنها با نیازها و ضرورت ها و اقتضائات عصری جامعه و بهره گیری هر چه بیشتر از آنها در جهت تنظیم و تنسیق نظام اجتماعی، بازسازی نهادها و ساختارها، اصلاح زیرساخت های ذهنی و معرفتی و هدایت افکار، احساسات، نگرش ها، انگیزه ها و رفتارها در مسیر اهداف مورد نظر است. در بحث نسبت میان اقتصاد مقاومتی و فرهنگ، بیشتر به کاربرد اول یعنی بررسی نقش

ص: ۱۵۴

و تأثیر فرهنگ موجود با همه ظرفیت های بالفعل و بالقوه آن در توسعه اقتصادی، و سایر گونه های توسعه همچون توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیکی و... به عنوان مجموعه ای از فرآیند های به هم پیچیده و در حال وقوع توجه شده است.

تردیدی نیست که تأثیر علی فرهنگ در توسعه، تأثیر همواره یک سویه نیست، چه توسعه جامع و پایدار، کلیت جامعه و به ویژه فرهنگ آن را متاثر می سازد. ازاین رو، تأثیر متقابل و ارتباط رفت و برگشتی آنها همواره و به صورت پایان ناپذیر برقرار خواهد بود، هر چند به لحاظ منطقی، زمینه های فرهنگی دست کم در مراحل آغازین، تقدم علی بر فرآیند توسعه و هدایت مسیرهای آن دارند. در هر حال، فرضیه مقبول، آزمون شده و دارای مؤیدات فراوان که روند تاریخی تحولات اجتماعی و فرآیند نوسازی کشورها در قرن اخیر و مباحثات علمی بر آن مهر تأیید نهاده و امروزه تقریباً به یکی از اصول مسلّم، قطعی و خدشه ناپذیر تبدیل شده است؛ قبول نقش زیربنایی فرهنگ در ایجاد توسعه اعم از اقتصادی و غیر آن است. به بیان دیگر، توسعه یافتگی و توسعه نایافتگی کشورها، بیش از سایر عوامل، ریشه و خاستگاه فرهنگی دارد. استعمارگران نیز غالباً برای تخریب یا تخفیف زمینه های بومی توسعه، بیشتر به دخل و تصرف در همین بخش همت گمارده اند. آنچه این بحث را برخلاف وضوح آن همچنان در کانون توجهات علمی و ملاحظات پژوهشی حفظ کرده وجود برخی از نظریه های خام منسوب به پیشکسوتان این حوزه است؛ نظریاتی که تا حدود دهه ۷۰ همچنان از الگو یا الگوهای تجربه شده و متن محور توسعه در جوامع غربی، به عنوان الگوهای دارای جهت گیری غالب

ص: ۱۵۵

اقتصادی، با ویژگی های جهان شمول، فرافرهنگی، فاقد حساسیت های متنی و محیطی و قابل انتقال و تسری به همه جوامع انسانی برخلاف تفاوت های جدی در زیرساخت ها و شرایط و ظرفیت های مختلف محیطی و فرهنگی اجتماعی، سخن می گفتند. شرایط مناسب و زمینه ها و تمهیدات لازم برای دست یابی به این نوع توسعه، همواره در قالب فهرستی مشخص از ضرورت ها و ملزومات به کشورهای مختلف، توصیه و دیکته می شد. باور همگان به ویژه مقامات، کارگزاران و رهبران کشورهای توسعه نایافته، و در حال توسعه و بیشتر نخبگان و تحصیل کردگان این جوامع در آن دوره این بود که با تأمین فهرست تنظیمی و اجرای برنامه های پیشنهادی که ارتباط اندکی با زمینه ها و پتانسیل های فرهنگی اجتماعی و استعدادها و اقتضائات محیطی آنها داشت می توانند به آرمان پر جاذبه توسعه همه جانبه، عینیت داده و کشور متبوع خویش را با سرعت و شتاب به دروازه های تمدن صنعتی برسانند. دیری نپایید که اعتبار این سنخ های نظریه های بظاهر علمی در پرتو تجربه های عینی و عملی بدست آمده در غالب کشورهای تابع، مورد مناقشه جدی قرار گرفت و ضعف ها و کاستی های آنها بیش از پیش آشکار شد. از این پس بود که بحث تنوع الگوها، ضرورت توجه به امکانات، ظرفیت ها و محدودیت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، طبیعی، جغرافیایی و... کشورهای مورد نظر، رعایت انواع خاص گرایی های راهبردی در مقام تدوین برنامه های کلان توسعه، مرحله ای پنداشتن فرآیند وقوع توسعه و... در میان اندیشمندان علوم اجتماعی مطرح شد و متعاقب آن، مطالعات و پژوهش های مناسبی صورت پذیرفت. پرواضح است که به

ص: ۱۵۶

دلیل پیوند وثیق امر توسعه با مسائل ارزشی و هنجاری یک جامعه، ماهیت این مفهوم نیز رنگ و بوی ارزشی و ایدئولوژیک به خود می گیرد. مجموع یافته های علمی و تجربی، مؤید آن است که هر کشور باید متناسب با ظرفیت ها، محدودیت ها، نیازها، اهداف و آرمان ها، الگوی توسعه مطلوب خویش را به صورت بلندمدت طراحی و در چارچوب برنامه های اجرایی کوتاه مدت با شاخص های معیّن و به صورت پیوسته و مرحله ای به اجرا درآورد. الگوی اقتصاد مقاومتی پیشنهادی مقام معظم رهبری نیز از این سنخ است.

دکوئیار دبیر کل سابق سازمان ملل، در «تنوع خلاق ما» در نسبت فرهنگ و توسعه می نویسد:

فرهنگ است که مردم را به هم پیوند می دهد و رشد هر فردی را ممکن می سازد. فرهنگ است که مناسبات افراد با طبیعت و محیط مادی شان، با دنیا و جهان را تعریف می کند و از رهگذر فرهنگ است که آنان نگرش ها و باورهای خود را درباره دیگر شکل های زندگی حیوانی و گیاهی بیان می کنند. در این معنا، تمام شکل های توسعه، از جمله توسعه انسانی، تابع عوامل فرهنگی هستند. در واقع سخن گفتن از «پیوند میان فرهنگ و توسعه» بیهوده است، زیرا توسعه و اقتصاد یکی از عوامل یا جنبه های فرهنگی مردم هستند. بنابراین، فرهنگ ابزاری برای پیشرفت مادی نیست، بلکه هدف و غایت توسعه ای است که به شکوفایی همه جانبه زندگی انسان در تمام شکل هایش معنا می شود. (دکوئیار، ۱۳۷۷: ۲۶)

علاوه بر کلیت فوق، اقتصاد مقاومتی، نسخه ای متخذ از اقتصاد

ص: ۱۵۷

اسلامی است که برمبانی بینشی، ارزشی و هنجاری اسلام مبتنی بوده و با سبک زندگی مؤمنانه، تناسب و تجانس دارد. این الگو در ویژگی های ثبوتی و سلبی خود عمیقاً وامدار اصول متخذ از شریعت و احکام اولیه و ثانویه اسلام است. در هر حال، تردیدی نیست که نظام اقتصادی در هر کشوری برآیند کلیه فرآیندهای جاری، شامل فرهنگ با تمام کلیت آن، آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی، دستاوردهای تکنولوژیکی، تجربیات تاریخی، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی، نظام های حقوقی و قانونی، وضعیت آب و هوایی، شرایط جغرافیایی و مواهب طبیعی است. این عوامل، زمینه، محتوا، شرایط و سازوکارهایی را تعیین می کنند که یک اقتصاد در چارچوب آن عمل می کند. به بیان برخی جامعه شناسان، فرهنگ نمادسازی، ترسیم و تنسیق نمادی محیط و ملاک های شناختی عقلانیت برای حوزه اقتصاد فراهم می سازد. (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۳)

تذکر پایانی اینکه اقتصاد در نظام اسلامی، در مقایسه با بنیادهای معرفتی و اعتقادی، جایگاه تبعی و درجه دوم دارد،(۱) اما در نقش محوری و تعیین کننده آن در کلیت زندگی و نظام اجتماعی، کمترین تردیدی وجود ندارد. تجربیات عینی همه حکایت از آن دارد که رشد و شکوفایی اقتصادی، بالتبع رشد سایر خرده نظام های اجتماعی را موجب خواهد شد و متقابلاً ضعف و عقب ماندگی این بخش، سایر بخش های حیات جمعی به ویژه وضعیت معیشتی و رفاهی توده ها را متاثر می سازد. در فرهنگ

۱- قانون اساسی، جایگاه اقتصاد در نظام اسلامی را چنین تشریع کرده است: در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشدو تکامل اوست... در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت.(مقدمه)

ص: ۱۵۸

دینی مجاهدت اقتصادی و کار و تلاش مستمر، حتی برای تأمین معیشت و رفع نیازمندی های شخصی و خانوادگی، ارزشی هم وزن «جهاد در راه خدا» به عنوان برجسته ترین و پرفضیلت ترین عبادت مؤمنانه، یافته است. بی شک، اگر هدف این مجاهدت پاسخ دهی به نیازها و ضرورت های جمعی و تأمین منافع و مصالح همگانی باشد، و در نهایت استقلال اقتصادی و به تبع آن استقلال سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی را به دنبال داشته باشد، ارزش و اعتبار دینی و فرهنگی آن به غایت فزونی خواهد یافت. همچنین در منابع دینی از فقر و ناداری به عنوان ظرفیتی به القوه و دارای نقشی اعدادی در جهت یابی به کفر و انحراف توجه داده شده و از آفات و پی آمدهای محتمل اعتقادی و اخلاقی آن به خدا پناه برده شده است. لازم به ذکر است که فرهنگِ اقتصاد به مجموعه باورها، نگرش ها، ارزش ها، هنجارها، نمادها و رفتارهای معطوف به منابع طبیعی، سرمایه های انسانی، وسایل و امکانات سخت افزاری و کار به عنوان عناصر زیرساختی و نیز معطوف به حوزه تولید، توزیع، مبادله و مصرف کالاها و خدمات به عنوان فعالیت های تابع درچرخه پرگستره فعالیت اقتصادی اطلاق می شود. مبنای این فرهنگ در کشور ما به اقتضای موقعیت فرانهادی اسلام، تعالیم و آموزه ها و بنیادهای اعتقادی و ارزشی اسلام خواهد بود. بدیهی است که هر نوع تحولی، در حوزه ساختاری و رفتاری اقتصاد، مسبوق و مرهون زمینه ها و زیرساخت های فکری و فرهنگی متناسب در ذهنیت مسئولان و مردم خواهد بود.

ص: ۱۵۹

فصل ششم: رسانه ملی و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی

فصل ششم:

زیر فصل ها

ص: ۱۶۰

ص: ۱۶۱

رسانه ملی

رسانه ملی

رسانه ملی (صدا و سیما) همچون سایر رسانه های جمعی، از ویژگی های نهادی و کارکردی ویژه ای برخوردار است. انتظارات و مطالبات معطوف به نقش رسانه در حوزه فرهنگ سازی و تأمین ملزومات نرم افزاری، تحقق اقتصاد مقاومتی، تابعی از برآورد واقع بینانه ظرفیت ها و محدودیت های ساختاری و کارکردی رسانه است.

مک کوئیل، در توصیف ویژگی های نهاد رسانه بر آن است:

۱. به تولید و توزیع «معرفت» به شکل اطلاعات، عقاید و فرهنگ می پردازد و این واکنشی است به نیازهای دسته جمعی و تقاضاهای فردی؛

۲. مجراهایی برای ارتباط میان مردم، میان فرستنده ها و دریافت کننده ها، میان مخاطبان گوناگون و بین همه اینها و جامعه و نهادهای تشکیل دهنده آن به وجود می آورد؛

۳. رسانه تقریباً منحصرا در فضای عمومی یا گستره همگانی فعالیت می کند، نهادی است باز که همه می توانند در آن مشارکت کنند، چه در نقش دریافت کننده و تحت شرایط معینی، چه به عنوان فرستنده. رسانه ها به مطالبی می پردازند که در مورد آنها افکار عمومی وجود دارد و یا اینکه می تواند شکل

ص: ۱۶۲

بگیرد. (نه در مورد موضوع های شخصی و خصوصی یا مسائل مربوط به متخصصان و داوری علمی)؛

۴. مشارکت به عنوان مخاطب در این نهاد اساساً داوطلبانه است و اجبار و تکلیفی در کار نیست. این آزادی در رسانه ها از دیگر نهادهایی که وظیفه توزیع معرفت را برعهده دارند، مانند آموزش، دین یا سیاست به مراتب بیشتر است؛

۵. استفاده از رسانه همچنین با اوقات فراغت و تفریح همبسته بوده و از کار و تکلیف جداست. افزون بر این، هیچ تشکیلاتی برای ایجاد پیوند میان مشارکت کنندگان بالا (تولیدکنندگان پیام) و مشارکت کنندگان پایین (مخاطبان) نیز در اختیار ندارد؛

۶. این نهاد همچنین با صنعت و بازار، از طریق وابستگی اش به کار دستمزدی، تکنولوژی و نیاز به اعتبار در پیوند است؛

۷. اگر چه رسانه خود فاقد قدرت است اما به طور مستمر از طریق برخی کاربردهای مرسوم و سازوکارهای قانونی و اندیشه های مشروعیت بخش با قدرت دولتی متصل می شود. (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۶۸ ۶۹)

کارکردهای رسانه

کارکردهای رسانه

برای رسانه های جمعی نقش ها و کارکردهای متعددی ذکر شده است، از آن جمله:

۱. آموزش اعم از آموزش کلاسیک و مدرسی (در راستای کمک به سیستم آموزش و پرورش رسمی) که بیشتر توسط شبکه های تخصصی صورت می گیرد؛ آموزش عمومی و غیر رسمی که بیشتر به صورت غیر

ص: ۱۶۳

مستقیم و بـا هـدف ایجـاد، اصـلاح و تغییر نگرش هـا و رفتارهـای عموم مخاطبان صورت می پـذیرد. از این کارکرد گاه به «جامعه پذیری» یا «اجتماعی کردن»عموم تعبیر می شود؛

۲. اطلاـع رسـانی: کسب اطلاـع از حوادث و وقـایع مهم داخلی و خـارجی (اخبـار و گزارش هـای خبری و تحلیلی) از طریق فرآیند رصد و نظارت و انتقال آن به عموم با هدف افزایش آگاهی و ایجاد آمادگی های لازم برای رویارویی نظری و عملی با این مسائل؛ لاـزم به ذکر است که اطلاـع رسـانی به اخبـار سیاسـی، اجتمـاعی، اقتصـادی و... معمول محـدود نمی شود. امروزه طیف وسـیعی از اطلاعات متنوع به تناسب نیاز مخاطبان و امکانات رسانه از آشپزی و خیاطی گرفته تا سرّی ترین و پیچیـده ترین آن توسط رسانه ها عرضه می شود؛

۳. ایجـاد تـداوم و پیوسـتگی فرهنگی از طریق جامعه پـذیری، انتقال میراث فرهنگی، ایجاد پیونـد میان نسل های متوالی، بازتولیـد و تقویت اصول و مفروضات مشترک، شـکل گیری و تعمیق روح و هویت جمعی. این کارکرد در فرآینـد ملت سازی و شـکل گیری پدیـده دولت ملت از اهمیت فوق العـاده مهمی برخوردار شـده است. از این کـارکرد، گاه به «ایجاد انسـجام و همبسـتگی» تعبیر می شود؛

۴. تفریـح و سـرگرمی: همه اقداماتی که رسانه به صورت آشـکار و پنهان برای پرکردن اوقات فراغت و با هدف ایجاد شادی، فرح، خشـنودی، رفع ملالت، رهایی از روزمرگی و... صورت می دهـد، جزو این کارکرد شـمرده می شوند. این سـنخ برنامه ها، علاوه بر کارکرد معمول، نقش قابل توجهی در افزایش اطلاعات، رشد خلاقیت ها، توسـعه مهارت ها، شکوفایی استعدادها، تغییر نگرش ها، پرورش قوای جسمی و

ص: ۱۶۴

روحی و...دارند. بخش قابل توجهی از نقش رسانه در فرآیند جامعه پذیری از همین طریق اعمال می شود؛

۵. بسیج و تبلیغ: کارکرد بسیج بیشتر جنبه سیاسی و مذهبی دارد و معمولاً جهت تهییج اقشار و گروه های مختلف در مسیر اهداف منظور به کار گرفته می شود. این کارکرد در شرایط خاص، ضرورت و اهمیت کاربردی ویژه می یابد. برای رسانه ها کارکردهای دیگری نیز ذکر شده که در مقایسه از اهمیت کمتری برخور دارند. (نک: سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۴۲۶، ۴۵۴؛ معتمد نژاد، ۱۳۵۵: ۱۱ ۲۳؛ ساروخانی، ۱۳۷۵: ۸۳ ۹۴)

همان گونه که در قبل اشاره شد، رسانه های جمعی نیز در کنار سایر عوامل جامعه پذیرکننده، نقش بسیار مهمی در انتقال فرهنگ، جامعه پذیری و تعلیم و تربیت اجتماعی افراد ایفا می کنند. در تأثیربخشی رسانه ها هر چند گاهی تعابیر مبالغه آمیزی به کار رفته اما نقش و تأثیر تعیین کننده آنها در سطوح شناختی (دانش ها، بینش ها، عقاید)؛ عاطفی (گرایش ها، نگرش ها، احساسات و ترجیحات) و رفتاری (کنش ها و واکنش ها) به عنوان سطوح کانونی فرهنگ، انکارناپذیر است. از دید برخی اندیشمندان، نقش رسانه ها تعامل با مقولات فرهنگی را در می توان در گونه شناسی ذیل خلاصه کرد: رسانه ممکن است:

۱. عمدا باعث تغییر شود (تغییر و تبدیل)؛

۲. ناخواسته تغییر به وجود آورد؛

۳. تغییر صوری ایجاد کند (شکل یا شدت)؛

۴. تغییر را آسان کند (به عمد یا ناخواسته)؛

۵. آنچه موجود است را تقویت کند (عدم تغییر)؛

ص: ۱۶۵

۶. مانع تغییر شود. (مک کوئیل، ۱۳۸۲: ۳۶۱)

بـدیهی است که تأثیر رسانه ها در فرآینـد جامعه پذیری و تعلیم و تربیت نه مطلق که کاملاً به حصول شـرایط و تحقق و تمهید زمینه هـای منـاسب مقیـد و مشـروط است. بی تردیـد، نقش و مأموریت رسانه های جمعی در هر جامعه تابع موقعیت ساختاری، ضـرورت هـای کـارکردی، اقتضائـات فرهنگی، انتظـارات جمعی، فرصـت هـای اجتمـاعی، ظرفیـت هـای هنجـاری، سازوکارهـای فنی و تکنولوژیکی و امکانات محیطی خواهد بود.

اهداف فرهنگی نظام و رسانه ملی

اهداف فرهنگی نظام و رسانه ملی

شورای عـالی انقلاب فرهنگی، اهـداف فرهنگی نظام را با هـدف سامانـدهی و هـدایت راهبردی فعالیت های سازمان ها و نهادهای فرهنگی کشور از جمله رسانه ملی به شرح زیر تعیین کرده است:

۱. رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و گسترش پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه جهانی؛

۲. اسـتقلال طلبی و زوال مظـاهر منحـط و مبـانی نـادرست فرهنـگ هـای بیگـانه و پیراسـته شـدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات؛

۳. به کمال رسـیدن قوای خلّاق و شایسـته وجود آدمی در همه شـئون و به فعلیت در آمـدن اسـتعدادهای خداداد و اسـتحصال دفائن عقول و ذخائر وجودی انسان؛

۴. آراسته شدن به فضائل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی؛

۵. تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزش های مورد

ص: ۱۶۶

نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب؛

۶. درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش های اسلامی. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵: ۳۶۸ ۳۶۹)

رسالت فرهنگی رسانه ملی

رسالت فرهنگی رسانه ملی

رسانه ملی در موادی از اساس نامه خویش، وظیفه و رسالت سازمانی خود را با الهام از اصول فرهنگی و بنیادهای معرفتی اسلام، رهنمودهای هدایت گرانه امام امت رحمه الله ، قانون اساسی، رسالت فرهنگی نظام اسلامی، مصالح جمعی و انتظارات و مطالبات جامعه ایرانی اسلامی؛ در بالابردن رشد و آگاهی عموم، تفسیر، تبلیغ و اشاعه فرهنگ دینی به معنای عام، گسترش ارزش های متعالی، تعلیم و تزکیه انسان و تحقق آرمان های بلند انقلاب اسلامی خلاصه کرده است.

قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۶۱به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس به تأیید شورای نگهبان رسیده است، طی موادی به طرح اصول عام و کلی خط مشی این سازمان در مسیر انجام وظایف محوله پرداخته است. برخی از این مواد، متناسب با موضوع نوشتار عبارتند از:

ماده۱: حاکمیت اسلام بر کلیه برنامه ها و پرهیز از پخش برنامه هایی که مخالف معیارهای اسلامی باشد؛

ص: ۱۶۷

ماده۲: حاکمیت روح انقلاب و قانون اساسی بر کلیه برنامه ها که در شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی متبلور است؛

ماده۵: صدا و سیما باید به عنوان دانشگاه عمومی، به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه های گوناگون مکتبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کمک کند؛

ماده۷: صدا و سیمای جمهوری اسلامی به تمامی ملت متعلق است و باید منعکس کننده زندگی و احوال تمامی اقوام و اقشار مختلف کشور باشد. بدیهی است که در این میان تکیه اصلی باید بر اکثریت های اعتقادی (مسلمانان)، اقتصادی (مستضعفان) و سنی (کودکان و نوجوانان) باشد.

ماده۱۱: تلاش در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی و بارور ساختن خلاقیت های فکری و هنری؛

ماده۲۱: بالا بردن سطح بینش اسلامی مردم و آشنا ساختن اقشار مختلف جامعه با اصول، مبانی و احکام اسلام به شیوه ای رسا و بدون ابهام؛

ماده۲۷: تلاش برای جای گزینی نظام ارزشی اسلام به جای نظام ارزشی شرق و غرب و مبارزه با عوارض و آثار باقی مانده فرهنگ طاغوتی؛

ماده ۲۹: کوشش در جهت ایجاد محیط مساعد برای تعالی انسان و رشد فضائل اخلاقی تزکیه نفس و بسط معنویت در جامعه؛

ماده۳۵: اجرای برنامه های تفریحی سالم و شادی آفرین به منظور بارور ساختن اوقات فراغت مردم و تأمین شادابی و سلامت تن و روان. (مجموعه قوانین و مقررات، ۱۳۸۲: ۲۰ ۲۸)

ص: ۱۶۸

اساس نامه سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۷ مهر ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی نیز در ماده ۹ خود مقرر می دارد: «هدف اصلی سازمان به عنوان یک دانشگاه عمومی نشر فرهنگ اسلامی، ایجاد محیط مساعد برای تزکیه و تعلیم انسان و رشد فضایل اخلاقی و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان می باشد. این هدف ها در چارچوب برنامه های ارشادی، آموزشی، خبری و تفریحی تأمین می گردد». (مجموعه قوانین و مقررات، ۱۳۸۲: ۳۷)

الزامات هنجاری رسانه ملی

اشاره

الزامات هنجاری رسانه ملی

از رسانه ملی به عنوان یک رسانه دینی انتظار می رود که در عمل و از رهگذر فعالیت های حرفه ای خویش، اهداف، آرمان ها و نتایج کارکردی ذیل را به صورت آشکار و پنهان و مستقیم و غیر مستقیم در سطوح فردی و اجتماعی جامعه هدف، عینیت بخشد:

الف) باید ها

الف) باید ها

۱. تلاش در جهت نشر فرهنگ اسلامی و منضمات و ملزومات آن با مؤلفه های شناختی (جهان بینی)، اعتقادی (متعلقات ایمان)، اخلاقی، فقهی (احکام وشرعیات)، عبادیات (مناسک فردی وجمعی)، شعائر (مکان ها، زمان ها و اشیای مقدس)، مشارکت دینی (ترغیب به شرکت در فعالیت های خیرخواهانه و عام المنفعه)، ظواهر دینی (ترغیب به رعایت آداب دینی در لباس، حجاب، آرایش ظاهر و...)، معاشرت دینی (ارتباطات اجتماعی با رعایت معیارهای دینی)، شخصیت های الگویی،

ص: ۱۶۹

ارتباط با روحانیت و علمای دین، تعامل مطلوب با مشکلات معمول زندگی، تعامل مسئولانه با نظام اسلامی.

۲. فرهنگ سازی، بازتولید فرهنگ اسلامی ایرانی، پیرایه زدایی، برجسته سازی ابعاد مهم، احیا و ترویج آرمان های فرهنگی فراموش شده و هدایت آنها از سطح ناخودآگاه به سطح خودآگاه حافظه ملی، حفظ و تقویت هویت اسلامی ایرانی.

۳. تلاش درجهت جامعه پذیری متناسب عموم و رشد و تعالی همه جانبه مخاطبان.

۴. انعکاس گرایش های اصولی نظام جمهوری اسلامی، حفظ و تحکیم این نظام و تلاش در جهت تحقق اهداف و آرمان های فرهنگی آن در سطح داخل و خارج.

۵. جلب و جذب حداکثری مخاطبان به عنوان متربیان از طریق تولید و ارائه محصولات فرهنگی متناسب با نیازها و انتظارات آنها.

۶. ارتقای دانش عمومی درخصوص موضوعات و مسائل سیاسی، حقوق و تکالیف شهروندی، فضایل و ارزش های انسانی، آداب و سنن صحیح، منافع و مصالح جمعی، امنیت اجتماعی، روش های مصونیت از آلودگی به مفاسد اجتماعی، بهداشت عمومی، نحوه بهره گیری درست از اوقات فراغت، مظاهر تهاجم فرهنگی و راه های دفع آن و...؛

۷. ترغیب وتشویق مخاطبان به معنویت گرایی، رعایت فضایل اخلاقی، اقدامات خیرخواهانه و نوع دوستانه، مشارکت اجتماعی، پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی، امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق دیگران، میانه روی، سخت کوشی، قانون گرایی، نظم و انضباط اجتماعی، وجدان کاری، عدالت خواهی، رعایت حجاب و عفاف،

ص: ۱۷۰

علم جویی، نوآوری، الگوگیری از مفاخر و فرهیختگان، ساده زیستی، ایثار، حماسه آفرینی، اقدامات نوع دوستانه، هم گرایی و... ؛

۸. القاء و ارتقای حس امنیت، مسئولیت پذیری، جمع گرایی، همبستگی، خودباوری فردی و ملی، امید به آینده، آرامش خاطر، نشاط و شادابی، عزت و کرامت نفسانی، غرور ملی، شور انقلابی و... ؛

همچنین از رسانه انتظار می رود که در هر بخش علاوه بر تبیین، تفسیر، انتقاد و تذکر، به ارائه الگوی صحیح و اشکال بایسته متناسب با نیاز مخاطبان، اقتضائات جامعه اسلامی و انتظارات عام، اهتمام کند.

ب) نبایدها

ب) نبایدها

۱. اجتناب از تضعیف باورهای دینی و ترویج آشکار یا ضمنی آموزه های کلامی و اعتقادی ادیان تحریف شده، مکاتب و ایدئولوژی های نوظهور انحرافی (سوسیالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم، اومانیسم، فمنیسم و...)، آموزه های اعتقادی باطل (جبرگرایی، شانس گرایی و...)، فرقه های ضاله، معنویت گرایی های صوری و بی ریشه، خرافه گرایی، سکولاریسم عملی و...؛

۲. اجتناب از نقض ارزش های اخلاقی مانند ناسزاگویی، توهین، تمسخر، فریب افکار عمومی، تحریف حقایق، دروغ پردازی، درشت گویی، متلک پراکنی، بدزبانی، و...؛

۳. اجتناب از ترویج مدها و نمادهای فرهنگی بیگانه، جلوه های رفتاری فرقه های انحرافی و...؛

۴. اجتناب از ترویج چهره ها، رفتارها، تکیه کلام ها، مثل ها، پوشش ها، آرایش ها، حرکات، نمادها و نشانه های ناهمخوان با ارزش ها و هنجارهای فرهنگ اسلامی ایرانی؛

ص: ۱۷۱

۵. اجتناب از عادی نمایانـدن ناهنجاری هایی همچون: بـدحجابی، طلاق، اختلاط غیر متعارف زن و مرد، همسـریابی خیابانی، عشـق هـای مثلثی، مصـرف دخانیـات، تبعیض هـای نهـادی شـده، تقابلاـت میـان نسـلی، نقض هویت های جنسیتی، زن سالاری، کودک سالاری و...؛

۷. اجتنـاب از ارائه برنامه های متضـمن مفاهیم و حرکات مبتـذل، لوده، بی معنا، غیر اخلاقی، جلف و سـبک، نفرت زا، به کارگیری ادبیات لمپنیسم و کوچه بازاری، تکیه کلام های سخیف و رکیک، موسیقی های مخرب و...؛

۸. اجتناب از ارائه برنامه های مروج رخوت، بی تفاوتی، بی مسئولیتی، بی قیدی اجتماعی، بی انضباطی، قشری گری و...؛

۹. اجتنـاب از تحقیر و تخفیف قومیت هـا، زبان ها، لهجه ها و گویش های اقوام ایرانی، اقلیت های دینی، خرده فرهنگ های محلی، گروه های حاشیه ای، ملت های محروم و مستضعف؛

۱۰. اجتناب از طرح شعارهای ناسیونالیستی با رویکرد باستان گرایی و دامن زدن به تعارضات فرهنگی (ایرانی در مقابل اسلامی)؛

۱۱. اجتناب از سـبک شـماری مقـدسات، مقامات مـذهبی، مفاخر، میراث فرهنگی و اجتماعی، آداب وسـنن صـحیح و الگوسازی از شخصیت های حقیر و فاقد ویژگی های ارزشی مطلوب

۱۲. اجتنـاب از تمرکز بر صورت ها و قالب ها و غفلت از مضامین و محتوا، ارائه محصولات کم محتوا و ضـعیف، زدودن حساسـیت های بایسته و پسندیده، تحریک و تهییج بی مورد مخاطب، دامن زدن به اختلافات، جا به جا کردن اصل و فرع ها، مخدوش ساختن نظری و عملی خط قرمزها، استفاده از کارشناسان فاقد صلاحیت و... (در تکمیل

ص: ۱۷۲

این مجموعه نـک: فرمایشـات رهبری نظـام در دیـدارهای متعـدد با مسـئولان رسانه ملی و سـیاست های عمومی اعلان شـده توسـط معاونت طرح و برنامه صدا و سیما تحت عنوان «افق رسانه»)

رسانه ملی و اقتصاد مقاومتی

رسانه ملی و اقتصاد مقاومتی

در خصوص اقتصاد مقاومتی نیز رسانه ملی حسب ظرفیت ها، قالب های برنامه ای بسـیار متنوع، امکانات سخت افزاری و نرم افزاری در خور، برد پیـام و قـدرت نفوذ، مقبولیت همگـانی و... می توانـد رسـالت فرهنگی خود را در ایجـاد تحولات ذهنی و شخصـیتی و بسترسازی جهت وقوع تغییرات نهادی و ساختاری متناسب با این سیاست راهبردی به شرح ذیل به انجام رساند:

ایجاد باور و اعتماد به کارآمـدی نظام در عینیت دادن به وعـده های اقتصادی، اطلاع رسانی از رونـد های جاری و اقدامات در حال انجام، مشارکت در انتقال تجربه سایر کشورها، تشـریح مفاهیم و بنیادهای نظری اقتصاد مقاومتی، ملزومات اجرایی و موانع موجود با بهره گیری از یـافته هـا و تحقیقات علمی و دیـدگاه های کارشـناسان؛ نقـد منصـفانه سـیاست ها و عملکردهای مسـئولان و نهادهای اجرایی، ایجـاد نقش واسـط در انتقال تقاضاها و مطالبات متقابل مردم و مسـئولان، مبارزه با برخی عادات و سـنت های بازدارنـده یا کندکننده، روند اجرای سیاست های اقتصادی، پرهیز اکید از تبلیغ محصولات خارجی و...؛

ایجـاد و تقویت روح هم گرایی عمومی، تفـاهم اجتمـاعی، تعـاون و همکاری جمعی، وحـدت و هم دلی در میان آحاد مردم، دامن زدن به بحث های منطقی و مفید، معرفی چهره های علمی نوآور و مؤثر در

ص: ۱۷۳

پیشرفت کشور، مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه و اخلاقِ رفتاری جامعه؛ تشویق به پیشرفت و زدودن احساس عقب ماندگی، دامن زدن به دغدغه عدالت جویی و عدالت خواهی در ذهن مردم، ترغیب اغنیا به کمک و دستگیری از محرومان و آسیب دیدگان، قداست بخشی به کار و تلاش اقتصادی، تشویق مردم به مصرف کالاهای تولید داخل؛

تقویت و ترویج ارزش های متعالی همچون قناعت، شجاعت، صداقت، امانت، تعهدمندی و احساس مسئولیت نسبت به مسائل جامعه، علم جویی، حق گرایی، عدالت خواهی، جمع گرایی، خودباوری فردی و ملی، امید به آینده، نشاط و شادابی، وجدان کاری، عزت و کرامت نفسانی، غرور ملی، نظم و انضباط اجتماعی، دشمن شناسی و دشمن ستیزی.

تقبیح ضد ارزش ها و نابهنجاری های رایج همچون: قانون شکنی، قانون گریزی، پارتی بازی، ارتشاء، رباخواری، رانت خواری، تبعیض، اسراف و تبذیر، رفاه طلبی، تجمل گرایی، اشرافی گری، مصرف گرایی، تن پروری، خمودی و بی تفاوتی، اعتیاد، لاابالی گری، بی بندو باری، خشونت، تقلید از بیگانه، معنویت گرایی انحرافی، مظاهر فرهنگ بیگانه، مدگرایی و...

همچنین از رسانه ملی انتظار می رود در هر بخش علاوه بر تبیین، تفسیر، انتقاد و تذکر، به ارائه الگوی صحیح و اشکال بایسته متناسب با نیاز مخاطبان، اقتضائات جامعه اسلامی و انتظارات عام اهتمام ورزند. رسانه ملی همچنین می تواند در صورت دست یابی به اطلاعات تولیدی در مراکز علمی و پژوهشی، به ویژه اطلاعات متناسب با نیازهای خود در

ص: ۱۷۴

قالب های مختلف برنامه ای، بخشی از ظرفیت تولیدی خود در قالب برنامه های منظم و روتین روزانه یا هفتگی یا حتی شبکه ای رادیو و تلویزیونی را به صورت کامل به موضوع اقتصاد مقاومتی و موضوعات پیرامونی آن تخصیص دهد.

رسانه ملی و مقابله با تهاجم فرهنگی

اشاره

رسانه ملی و مقابله با تهاجم فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی، وظایف دستگاه های فرهنگی و هنری کشور از جمله رسانه های جمعی و به ویژه رسانه ملی را در بخش سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی (مصوب ۲۴/۱۲/ ۱۳۷۸) در اصول ذیل خلاصه کرده است:

الف) مطبوعات

الف) مطبوعات

۱. کمک به ایجاد تفاهم ملی در جهت توسعه فکری و فرهنگی از طریق تعاطی افکار و تبادل آراء و تمسک به روش های منطقی؛

۲. کمک به ایجاد ثبات برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و جلوگیری از غرب زدگی و التقاط؛

۳. گسترش فرهنگ نقد و گفت وگو با توجه به ارزش های معنوی، مبانی و مواضع اصولی؛

۴. صیانت خودجوش و درون زا از ارزش های دینی و انقلابی به وسیله مطبوعات؛

۵. روشن کردن گسل های اجتماعی و فرهنگی در چارچوب قوانین؛

۶. نزدیک کردن نظریه های موجود در جامعه با طرح علمی و کارشناسی این نظریات و نقد صحیح؛

ص: ۱۷۵

۷. سعی در تقریب ذهنی داخل کشور و خارج از آن به وسیله برجسته کردن ساختارهای اقتصادی و ساختارهای فرهنگی با احترام به ارزش های ملی وفرهنگی اسلامی؛

۸. فراهم آوردن امکان گفت وگوهای کارشناسی برای رسیدن به راهبردهای فرهنگی در جهت اهداف ملی، بدون پرده دری، حرمت شکنی، قانون شکنی و جوسازی؛

۹. بررسی مشکلات اجتماعی برای یافتن راه حل های عمومی؛

۱۰. بررسی راه های جلوگیری از نفوذ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دشمنان برای حفظ استقلال کشور؛

۱۱. توسعه و تقویت خبرگزاری داخلی؛

۱۲. ارتقاء کمی و کیفی با دست یابی به شیوه های مطلوب و جامع در انتشار اخبار و مطالب؛

۱۳. جلوگیری از عوام زدگی و عوام فریبی و تکیه بر باورها، عادات و شیوه های درست.

ب) صدا و سیما

ب) صدا و سیما

۱. تلاش در جهت تبیین و تعمیق بخشیدن ایمان مذهبی مخاطبان با بهره گیری از بهترین ابزارهای هنری در کلیه برنامه های صدا و سیما؛

۲. ارائه الگوهای مناسب برای اقشار مختلف مخاطبان به ویژه کودکان و نوجوانان و جوانان در برنامه های مختلف با شیوه های مستقیم و غیرمستقیم؛

۳. فراهم سازی زمینه های ارتقاء آگاهی مخاطبان؛ بینش و دانش (در

ص: ۱۷۶

زمینه های مختلف علوم و فرهنگ، به ویژه دین در کلیه برنامه ها با جهت گیری مناسب و منطقی؛

۴. ارتقاء بخشیدن کیفیت محتوایی کلیه برنامه های صدا و سیما با ارتباط جدی و عمیق تر و مستمر با اساتید حوزه و دانشگاه؛

۵. به کارگیری ابزارهای نوین و فن آوری جدید در تهیه کلیه برنامه های صدا و سیما برای ارتقاء کیفیت تصویری برنامه ها؛

۶. توجه جدی جهت عملی نمودن فرمایشات و رهنمودهای حضرت امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری درباره صدا و سیما؛

۷. بهره گیری از تولیدات داخلی و در صورت لزوم برنامه های خارجی تلویزیونی با توجه به ارزش های اسلامی و مغایرت نداشتن آنها با دینداری، کفرستیزی، ساده زیستی و اخلاق اسلامی؛

۸. افزایش پوشش جمعیتی و جغرافیایی صدا و تصویر؛

۹. تقویت مراکز خبری با بهره گیری از دانش فنی جدید و انتخاب شیوه های مؤثر و متنوع تبلیغاتی؛

۱۰. بهره گیری از نظریات و تجربیات مسئولان، اساتید و کارشناسان امور فرهنگی و هنری و ارتباط جمعی؛

۱۱. ایجاد زمینه های مناسب برای بهره گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از اوقات فراغت و تفریح؛

۱۲. تقویت ارتباط مناسب و مکمل بخش فرهنگ با مردم؛

۱۳. هماهنگی در تصمیم گیری و برنامه ریزی فرهنگی با بخش های فرهنگی.

ص: ۱۷۷

منابع

اشاره

منابع

زیر فصل ها

کتاب

مقاله

منابع اینترنتی

کتاب

کتاب

قرآن.

آرمسترانگ، مایکل. ۱۳۸۱. مدیریت استراتژیک منابع انسانی (راهنمای عمل). ترجمه: سید محمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

آشوری، داریوش. ۱۳۵۷. تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.

آقابخشی، علی و مینو افشاری. ۱۳۷۴. فرهنگ علوم سیاسی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی.

اسکات، سیندیا و دنیس ژاف. ۱۳۸۳. تواناسازی کارکنان. ترجمه: مهدی ایران نژاد پاریزی. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

اسمیت، جین. ۱۳۸۱. توانمندسازی: خودآموز ارتقاء خویشتن. ترجمه: سعید باقریان. تهران: نشرخرم.

افروغ، عماد. ۱۳۸۰. فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی. تهران: فرهنگ و دانش.

بشیریه، حسین. ۱۳۷۹. نظریه های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.

پارسانیا، حمید. ۱۳۹۱. جهان های اجتماعی، قم: کتاب فردا.

ص: ۱۷۸

پانوف، میشل و میشل پرون. ۱۳۸۶. فرهنگ مردم شناسی. ترجمه: علی اصغر عسکری خانقاه. تهران: ویس.

پرز دوکوئیار، خاویر. ۱۳۷۷. تنوع خلاق ما. ترجمه: گروه مترجمان. تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

پهلوان، چنگیز. ۱۳۸۲. فرهنگ شناسی. تهران: نشر قطره.

پهلوان، چنگیز. ۱۳۸۸. فرهنگ و تمدن. تهران: نشر نی.

تامپسون، جان.ب. ۱۳۷۸. ایدئولوژی و فرهنگ مدرن. ترجمه: مسعود اوحدی. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.

تودارو، مایکل، ۱۳۷۰. توسعه اقتصادی در جهان سوم (جلد ۱). ترجمه: غلام علی فرجادی، تهران، انتشارات برنامه و بودجه.

توسلی، حسین. ۱۳۷۵. مبانی نظری عدالت اجتماعی. تهران: مدیریت و بهره وری بنیاد مستضعفان و جانبازان.

جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۳. فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

جمشیدی، محمدحسین. ۱۳۸۰. نظریه عدالت از دیدگاه فارابی. امام خمینی رحمه الله . شهید صدر. تهران: پژوهشکده امام خمینی رحمه الله و انقلاب اسلامی.

جمعی از نویسندگان. ۱۳۷۱. بازسازی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

جیروند، عبدالله. ۱۳۶۸. توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید). تهران. مولوی.

چلبی، مسعود. ۱۳۷۵. جامعه شناسی نظم. تهران: نشر نی.

حداد عادل، غلامعلی و دیگران. ۱۳۷۴. پنج گفتار در باب تهاجم فرهنگی. تهران: نشر برگزیده..

حسینی خامنه ای، سید علی. ۱۳۷۸. حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تدوین دفتر معظم له، تهران. سازمان تبلیغات اسلامی.

حسینی خامنه ای، سید علی. نرم افزار «حدیث ولایت».

حسینی، خامنه ای، سید علی. بی تا. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم (اندیشه های راهبردی (۲). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ص: ۱۷۹

حسینی، سید هادی. ۱۳۸۰. عناصر فرهنگی توسعه در نگرش اسلامی (جلد ۱). در پدیده شناسی فقر و توسعه. قم: بوستان کتاب.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۵. بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی (گزارش توصیفی و موضوعی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی)، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی. چاپ دوم.

دسلر، گری. ۱۳۸۴. مدیریت منابع انسانی. ترجمه: سید محمد اعرابی و علی پارسائیان. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ه .ق. المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم، الدار الشامیه،.

رجایی، سید کاظم و همکاران. ۱۳۸۲. معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله .

روشه، گی. ۱۳۷۶. جامعه شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه: عبدالحسین نیک گهر. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

ساروخانی، باقر. ۱۳۷۵. جامعه شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات. چاپ ششم.

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۲. مجموعه قوانین و مقررات سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان صدا و سیما، معاونت امور مجلس و استان ها.

سجادی، سید جعفر. ۱۳۶۲. فرهنگ و معارف اسلامی (جلد ۳). تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

سورین، ورنروجیمز تانکارد. ۱۳۸۱. نظریه های ارتباطات. ترجمه: علی رضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سیدجوادین، رضا. ۱۳۸۲. برنامه ریزی نیروی انسانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۲. سبک زندگی اسلامی ایرانی. قم. مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا.

ص: ۱۸۰

صدر، محمدباقر. ۱۳۸۷. اقتصادنا. قم. دفتر تبلیغات.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۳. تفسیر المیزان. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمدعلی. ۱۳۸۰. مدیریت و مشارکت کارکنان. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

عظیمی، حسین. ۱۳۷۸. ایران امروز در آینه مباحث توسعه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

عظیمی، حسین. ۱۳۸۵. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.

عیوضلو، حسین. ۱۳۸۹. «مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام». مطالعات اقتصاد اسلامی. ش دوم. ۵ ۲۶.

فردآر، دیوید. ۱۳۸۴. مدیریت استراتژیک. ترجمه: علی پارساییان و سید محمد اعرابی. تهران: پژوهش های فرهنگی.

فروند، ژولین. ۱۳۶۸. جامعه شناسی ماکس وبر. ترجمه: عبدالحسین نیک گهر. تهران: رایزن.

قانون حمایت از شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات. مصوب مجلس شورای اسلامی. ۵/۸/ ۱۳۸۹ (این مجموعه مشتمل بر ۱۳ماده و ۶ تبصره است و در تاریخ ۱۹/۸/۱۳۸۹ به تایید شورای نگهبان رسیده است.)

گل محمدی، احمد. ۱۳۸۱. جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نی.

گولد، جولیوس و ویلیام ل. کولب. ۱۳۷۶. فرهنگ علوم اجتماعی. جمعی از مترجمان. تهران: مازیار.

مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی مدیریت و برنامه ریزی. ۱۳۸۲. فرهنگ و توسعه (جلد ۴). (مجموعه مقالات همایش سیاست ها و مدیریت برنامه های رشد و توسعه در ایران). تهران.

ص: ۱۸۱

متوسلی، محمود. ۱۳۸۲. توسعه اقتصادی. تهران: سمت.

مرکز طرح و برنامه ریزی صدا و سیما. ۱۳۸۴. «اهداف، محورها، اولویت ها و سیاست های تولید، تأمین و پخش». معاونت تحقیقات و برنامه ریزی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۸. اخلاق در قرآن (جلد ۳). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله .

مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۹. تهاجم فرهنگی. تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله .

مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵. التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مصلی نژاد، غلام عباس. ۱۳۸۴. آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران. تهران: قومس.

مطهری، مرتضی. ۱۳۷۰. بیست گفتار، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی. ۱۳۷۹. مجموعه آثار(جلد ۲). تهران، صدرا.

مطهری، مرتضی. ۱۳۸۰. مجموعه آثار (ج۱۴). تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی. ۱۳۸۳. مجموعه آثار (جلد ۲۳). تهران، صدرا.

مطهری، مرتضی. ۱۳۹۰. مجموعه آثار (جلد ۲۴). تهران: صدرا.

معتمدنژاد، کاظم. ۱۳۵۵. وسایل ارتباط جمعی. تهران: دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی.

مک کوئیل، دنیس. ۱۳۸۲. درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. ترجمه: پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۸۱. تفسیر نمونه. قم: دارالکتاب الاسلامیه.

موسایی، میثم. ۱۳۹۰. دین، توسعه و فرهنگ. تهران: جامعه شناسان.

موسوی خمینی، روح الله. ۱۳۷۸. صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام رحمه الله .

مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۷. دین و سبک زندگی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام .

ص: ۱۸۲

میر، جرالد. ۱۳۷۸. مباحث اساسی اقتصاد توسعه. ترجمه: غلام رضا آزاد. تهران: نشر نی.

نائلی، محمدعلی. ۱۳۸۱. انگیزش در سازمان ها. انتشارات دانشگاه چمران.

ودادی، احمد و اعظم دشتی. ۱۳۸۶. مهندسی فرهنگ، چیستی و الزامات، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ش ۳۴. ۶۴ ۸۰.

هاشمی، محمد. ۱۳۷۴. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد ۱). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

هتنه، بژورن. ۱۳۸۱. تئوری توسعه و سه جهان. ترجمه: احمد موثقی. تهران: قومس.

مقاله

مقاله

اباذری، یوسف و حسن چاوشیان. ۱۳۸۱. «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی». فصل نامه نامه علوم اجتماعی. ش ۲۰. ۳ ۲۸.

بهبودی، داود و بهزاد امیری. ۱۳۸۹. «رابطه بلندمدت اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی در ایران». فصل نامه سیاست، علم و فن آوری، ش ۴. ۲۳ ۳۲.

بهبودی، داود، حسین اصغرپور و سیاب ممی پور. ۱۳۸۸. «فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت». فصل نامه پژوهش های اقتصادی ایران. ش ۴۰. ص ۱۲۵ ۱۴۷.

حبیبی، روزبه. ۱۳۸۹. «مدیریت راهبردی منابع انسانی، استراتژی سازمان های پیشرو». فصل نامه راهبرد یاس، ش ۲۴، ۱۴۶ ۱۶۷.

حسینی، سید رضا. ۱۳۸۷. «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام». فصل نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. ش ۳۲، ۵ ۳۷.

دیوب، س.ک. ۱۳۷۰. «ابعاد فرهنگی توسعه». ترجمه: بهروز گرانپایه. نامه فرهنگ. ش ۵ و۶. ۳۲ ۳۶.

ص: ۱۸۳

ذکایی، محمدسعید. «خرده فرهنگ، سبک زندگی و هویت». رشد آموزش علوم اجتماعی. ۱۳۸۱. ۲۰ و ۲۱. ص ۲۰ ۲۷.

رجب زاده، احمد. ۱۳۷۵. «رابطه تعلیم و تربیت و توسعه». فصل نامه نامه پژوهش. سال اول، ش اول.

شاه آبادی، ابوالفضل و حامد صادقی، ۱۳۹۲. «مقایسه اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ». فصل نامه مدلسازی اقتصادی. ش ۲۲. ۲۱ ۴۳.

شهابی، محمود و محمد سعید ذکایی. ۱۳۹۱. «واکاوی سبک زندگی در جامعه امروز». کتاب ماه علوم اجتماعی. ش ۶۰. ۴ ۱۳.

صادقی رشاد، علی اکبر. ۱۳۸۶. «مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی؛ ماهیت، مبانی و مسائل». ماهنامه زمانه، ش ۵۸. ۴ ۱۳.

صنوبر، ناصر. بهزاد سلمانی و مینا تجویدی. ۱۳۹۰. «تأثیر محرک های نوآور بر ظرفیت نوآوری شرکت های دانش بنیان»، فصل نامه سیاست، علم و فن آوری. ش ۱۴. ۹۱ ۱۰۷.

طاهری فرد، علی و سید جعفر حسینی. ۱۳۹۰. «بررسی امکان توسعه بر پایه منابع طبیعی»، فصل نامه فرآیند مدیریت و توسعه. ش ۷۷. ۹۱ ۱۰۸.

قاسمی، محمد. ۱۳۸۲. «مدیریت استراتژیک منابع انسانی، مفاهیم و فرآیندها». ماهنامه توسعه مدیریت. ش ۵۱. ۲۶ ۲۹.

معمارنژاد، عباس. ۱۳۸۴. «اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش ها و راه کارها». فصل نامه اقتصاد و تجارت نوین. ش ۱. ۸۳ ۱۰۹.

ناظمی اردکانی، مهدی. ۱۳۸۷. «مفهوم شناسی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی». دو ماه نامه مصباح. ش ۷۵. ۸۵ ۱۱۶.

منابع اینترنتی

منابع اینترنتی

سایت اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: http://farsi.khamenei.ir/news

ص: ۱۸۴

سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی: http://sccr.ir/pages/simpleView.aspx

سایت خبری تحلیلی برهان:

www.borhan.ir

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹